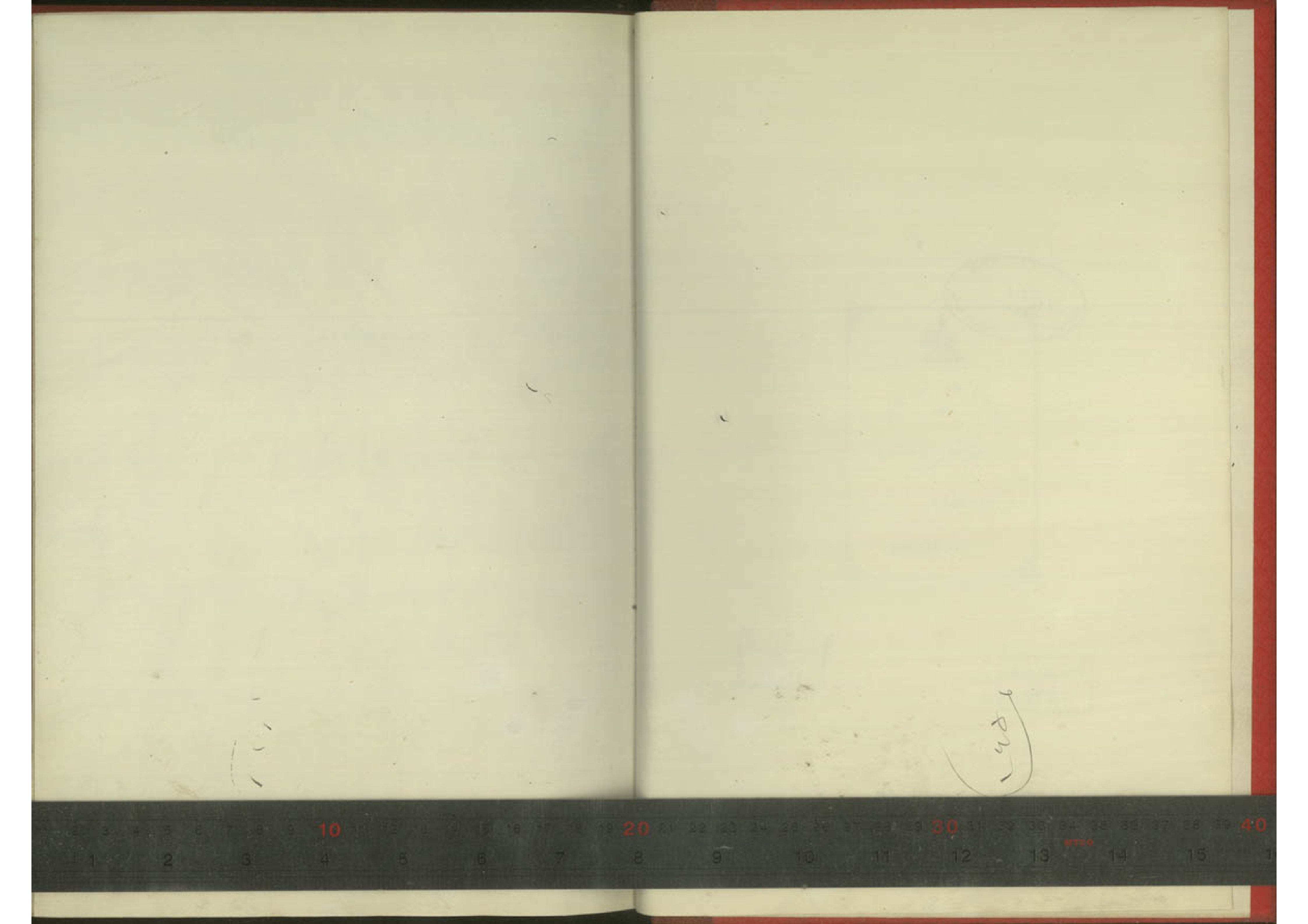
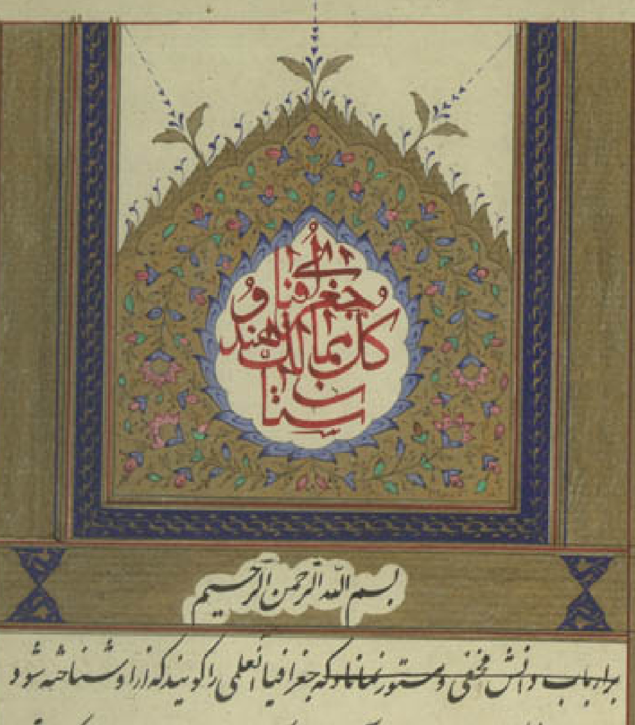








بسم الله الرحمن الرحیم

بر ارباب دانش مخفی و مستور نماناد که جغرافیا آن علمی را گویند که از او شناخته شود
هیئت و شکل کرهٔ ارض و وضع آبادیهای آن و دانستن حالات هر مملکتی از قبیل
جبال و انهار و دور و قصور و نباتات و اشجار و حیوانات و شناختن حالات
مردمان و اطوار ایشان .

پس باید دانست که صاحبان این فن شکل و هیئت کرهٔ ارض را شبیه بنارنج بسیار
بزرگی کرده اند که گرد و مدور باشد و هشت هزار میل قطر آنرا تحدید کرده و بیست و چهار هزار
میل محیط آنرا و سطح این زمین بر دو نوع است آبی و خاکی باین طریق که یک قسمت
از تمام مساحت این کره خاک است و سه قسمت دیگر آنرا آب احاطه کرده و از تقسیمی که
حاکمیت علمای جغرافی باعتبارات چند تقسیمات مزبوره در ذیل منقسم ساخته اند

اصطلاحات هند

خاکنائی

ڈیلٹا

بر اعظم - مملکت - جزیره - شبه جزیره - تنگه - راس - کوه - تل
جلگه - دره - میدان - دلتا **بر اعظم** یکقطعه زمین بسیار وسیعی را
گویند که مشتمل باشد بر ممالک بسیار **مملکت** یک جزو از آن بر اعظم را
گویند **جزیره** آن قطعه زمینی است که از چهار جهت آب آنرا احاطه کرده باشد
شبه جزیره آن زمینی را گویند که سه سمت آنرا آب گرفته باشد و یک سمت دیگر
آن ببر اعظم یا بمملکت اتصال داشته باشد **تنگه** آن قطعه خشکی را گویند که در

خاکنائی

وسط آب واقع و دو خشکی را بیکدیگر اتصال دهد **راس** آن قطعه خشکی را گویند که
از کنار دریا بفاصلهٔ بعیدی درمیان آب کشیده شده باشد **کوه** آن قطعه خشکی
سنگی است که نسبت باراضی اطراف و نواحی خود ارتفاع داشته باشد و هرگاه
از آن موضع مرتفع آتش یا بخاری متصاعد شود آنرا کوه آتش فشان گویند **تل** آن

و ممکن است کوه در زیر آب دریا باشد

قطعه زمینی است که بالنسبه باطراف خود اندک ارتفاعی داشته باشد **جلگه** آن
زمین مسطحی را گویند که مابین دو کوه واقع شده باشد اعم از اینکه راه خروج داشته
باشد یا نه **دره** آنراهی را گویند که از میانه دو کوه بسیار بلند یا دو تل بسیار مرتفعی
بگذرد **میدان** آن قطعه خشکی را گویند که وسیع و مسطح باشد و در صورتیکه آن زمین

پلیٹو ڈیلٹا

از سطح دریا بسیار مرتفع باشد آنرا پلاتو گویند دِلتا آن قطعهٔ زمینی است که دو جانب آنرا آب احاطه کرده باشد یا آنکه در وسط دریا یک قطعهٔ زمینی بشکل مثلث برآمده باشد .....

بیان در احوال سه قسمت آبی

واضح باشد که صاحبان این علم سه قسمت زمین را که آب آنرا احاطه کرده باختلاف اوضاع و اماکن باسامی مسطورهٔ در ذیل موسوم ساخته اند .

جهیل ابنای

بحر اعظم - بحیره - خلیج - مرداب - بوغاز - رود - نهر - بندرگاه -

اما بحر اعظم و بحیره آنمقدار آبی را گویند که از سایر آبهای عالم بیشتر باشد خلیج مراد از مقدار آبی است که از دریا بخشکی داخل شده و امتداد یافته باشد مرداب آن آبی را گویند که از چهار سمت زمین آنرا احاطه کرده باشد بوغاز آب رودخانه مانندی را گویند که دو بحر یا دو بحیره را بیکدیگر اتصال داده باشد رودخانه آبی را گویند که از چشمه های کوه و یا از میانه مرداب بیرون آمده بحر یا بحیره داخل شود و محل بیرون آمدن چنین آبی را منبع خوانند و موضع اتصال آنرا بدریا دهنه مینامند نهر آب جاری مصنوعی را گویند که از رودخانه ها یا مردابها

جدا

جدا کرده باشند بندرگاه موضعی است از دریا که کشتیها در آنجا لنگر می افکنند

بیان در مجملی از احوال کشور هندوستان

ایشیاء ڈیلٹا

مخفی نماناد که هیئت مملکت هندوستان مانند شبه جزیره است و قسمت جنوبی بر اعظم آسیا است و شکل تمام مساحت این قطعه مانند دِلتا است یعنی مثلث است و این مملکت محدود است بحدود اربعهٔ مسطورهٔ در ذیل .

ہمالیہ

حد شمالی بواسطهٔ سلسلهٔ کوه هیمالیا به تبت منتهی میشود حد شمالی و غربی آن بکوه سلیمان و کوه مالا منتهی میشود که این دو کوه حایل اند مابین مملکت هندوستان و افغانستان و بلوچستان و حد شمالی و شرقی آن بکوهستان آسام ملحق میشود که اینکوهها حایلند مابین مملکت برما و هندوستان و حد جنوبی آن بحر هند منتهی میشود طول مملکت هندوستان از شمال بجنوب یکهزار و هفتصد میل و عرض آن از شرق بمغرب یکهزار و هشتصد میل است و تمام محیط مملکت هندوستان تخمیناً سه کرور و یکصد هزار میل مربع میشود تعداد نفوس تمام مملکت هندوستان تخمیناً پانصد کرور و کسری است بعد از مملکت چین هیچ مملکتی از حیثیت کثرت نفوس و غیره معمورتر و آبادتر از مملکت هندوستان نیست

برہما

و حالا چندیست که بعضی از شعب ممالک بریتانیا نیز ضمیمهٔ مملکت هندوستان شده و در تحت
حکمرانی آن قرار گرفته است و این کشور هندوستان منقسم به سه قسمت شده است
آنقدریکه در دامنهٔ کوه **هیمالیا** واقع است هندیان آنرا هندوستان شمالی و **اُترا کهنه**
مینامند و آن قسمتی که مابین کوه هیمالیا و **بندهیاچل** (که اسم کوهیست) واقع است آن را
هندوستان خاص نامند و آن قسمتی که در طرف جنوبی کوه **بندهیاچل** واقع است آن
قسمت را **دکهن** مینامند و آنقدریکه از مملکت هندوستان در کنار ساحل دریا واقع
شده است تخمیناً قریب چهار هزار میل میباشد و لیکن مواضع لنگرگاه آن اندک است
و این سواحل هندوستان نیز منقسم به دو قسمت است آنچه در جانب جنوبی و شرقی
مملکت هند است آنرا ساحل **کاروَمنڈل** میگویند و آنقدریکه در طرف جنوبی و
غربی هندوستان واقع شده است آنرا ساحل **ملیبار** گویند زمین هندوستان
عموماً حاصل خیز و پر فایده است و اراضی مسطح بسیار دارد که همه قابل زراعت اند
درختهای جنگلی آن مملکت همیشه سبز و خرم است رودخانه های آب شیرین از هر سمت
آن مملکت جاری است و بسیاری از بلاد آن مملکت بر کنار دریا و رودخانه ها بنا شده است
و کوههای بسیار بزرگ در مواضع عدیده موجود است پس در این صورت لازم می‌آید که چنین

همالیه
اُترا کهنه
بندهیاچل
دکهن
کاروَمنڈل

مملکت معظم از حیثیت آب و هوا باختلاف اماکن مختلف و آب و هوای این قطعه با قطعهٔ
دیگر مباینت داشته باشد .

احوال کوه هیمالیا باید دانست

که اینکوه در حدود شمالی هندوستان واقع شده است و کوهی است با امتداد و
زیاد و مرتفع چنانکه از جمیع کوههای روی زمین بلندتر است بنا علیه متقدمین هنود
آنکوه را سلطان الجبال نامیده اند و بسیاری از مواضع آنکوه بقدری مرتفع است که
هیچوقت خالی از برف نیست و بواسطه هندیان آنکوه را بزبان خود **هماچل** و
هماوری میگویند و آنچه از اینکوه **هیمالیا** بطرف شمالی کشیده شده است آن را
با سلسلهٔ مختصر در این قسمت شمالی است
کیلاس پربت مینامند و تقریباً چهل رشته کوههای کوچک با اسامی مختلفه
که ارتفاع پست ترین آنها
در قسمت شمالی واقع شده است که ارتفاع هر یک از آنها از شش هزار ذرع کمتر
نیست و ما مشهورترین آنها را در این مورد ذکر مینمائیم تا اسباب مزید اطلاع مطالعه کنندگان
گردد . در طرف ملک **بهوتان** کوهیست موسوم به **چملاری** که تخمیناً
هشت هزار ذرع ارتفاع آن است در ملک **سِکّم** کوهیست موسوم به **کنچنجنگا** که تقریباً
نه هزار ذرع ارتفاع دارد . در مملکت نیپال دو کوه است یکی موسوم به **گوری شنکر**
که نه هزار و پانصد ذرع ارتفاع دارد و دیگری **دهولاگر** که ارتفاعش تقریباً نه هزار ذرع است

همالیه
بهوتان
یا دیودهنگا

گڈهوال

بندهیاچل

جام گهاٹ

در ملک کماؤن یک کوهی است موسوم به نندا دیوی که هشت‌هزار و پانصد ذرع
ارتفاع دارد در ملک گدوال یک کوهی است موسوم به جمنوتری هشت‌هزار و سیصد ذرع
ارتفاع دارد در ملک کشمیر کوهی است موسوم به نندو پربت اینکوه نیز هشت‌هزار و
پانصد ذرع ارتفاع دارد و دیگر کوه سلیمان است که حایل است مابین ملک
پنجاب و افغانستان از مواضع مرتفعه اینکوه یکموضعی است که آنرا تخت سلیمان
گویند که بلندترین مواضع آنکوه است این رشته تخمیناً از سطح دریا سه هزار و پانصد
ذرع ارتفاع دارد و دیگر کوهی است موسوم به نالا که آنهم یکشعبه ایست از کوه
سلیمان ولیکن ارتفاع این کوه از تخت سلیمان کمتر است و اینقطعه حایل است
مابین ملک سند و بلوچستان در مملکت راجپوتانه کوهی است موسوم به
اروَلی که بلندترین مواضع آنکوه آبو است از سطح دریا یکهزار و ششصد ذرع
ارتفاع دارد و کوههای مزبوره تماماً بکوه هیمالیا اتصال دارد و علاوه بر کوه هیمالیا
چند رشته کوه دیگر در مملکت هندوستان هست از جمله کوهی است موسوم به بندیاچل
که در وسط هندوستان واقع شده است و در طرف شمالی رودخانه نربدا است و از
مواضع مشهوره آنکوه ... است که آنرا جام گات مینامند ارتفاع آن از سطح

ست پڑا

کارومنڈل

اوڑیسه

دادابیٹا

دریا تقریباً هشتصد ذرع است دیگر از جمله کوههای هندوستان کوهیست موسوم
به ست پرا اینکوه بکوه بندیاچل اتصال دارد و مابین رودخانه نربدا و تاپتی
واقع است و اینکوه را انجادری نیز مینامند و علاوه بر آن هر شعبه از آنرا که بسمت
کشیده شده است نامی خوانند از جمله انتعدادیکه از طرف غربی تاپتی بسمت
وسط جنوب به راس کماری از کناره دریا گذشته است موسوم به سهیادری
میباشد و آن شعبه که از طرف جنوبی تاپتی میگذرد و ملیاگر گویند و این رشته
محاذی است با کوهیکه انگلیسها آنرا بومی گسل ال مینامند و کوه موصوف
تقریباً دو هزار و سیصد ذرع ارتفاع دارد و از سمت شرقی بساحل کارومندل و از
آنجا بکناره رودخانه کاویری تا بنادر اوریسه گذشته است ولیکن ارتفاع این شعبه
مانند کوه طرف غربی نیست کمتر و پست تر است و کوههائیکه مابین این دو شعبه
کوه است آنها را نیلگیری مینامند و از جمله آنکوهها یک کوه کوچکی است که آنرا
دادابیتا گویند که ارتفاع آن از سطح دریا تقریباً سه هزار ذرع است علاوه بر کوههای
مذکوره کوههای کوچک بسیاری دیگر در مملکت هست که نگارش آن موجب تطویل است

بیان در احوال رودخانه‌های مملکت هند

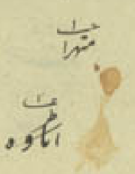
مخفی نماناد که اعظم رودخانه های مملکت هندوستان رودخانه ایست موسوم به **سند**
طول این رودخانه یکهزار و هشتصد میل است از طرف شمالی کوه **کیلاس پربت** که شعبه
از کوه همالیات جاری شده از مملکت **تبت** و **پنجاب** و **سند** میگذرد
و این رودخانه بچند شعبه داخل در بحر العرب میشود و شهرهائیکه در کنار این رودخانه
آباد گردیده از قرار تفصیل ذیل است - شهر **اتک** - **کالاباغ** - **دیره اسمعیل خان** -
دیره غازیخان - **متن کوت** شهر **تتا** - **حیدرآباد سند** - **کراچی بندر** و نیز پنج
رودخانه بزرگ است که از دو سمت یعنی از طرف غربی محاذی شهر اتک و از سمت شرقی
از سرحد **پنجاب** برودخانه **سند** متصل میشوند و اسامی آن پنج رودخانه از
اینقرار است اول رودخانه **ستلج** ابتدای آن از مردابی است موسوم به **مانسرور**
که قریب است بسرچشمه رودخانه **برهم پتر** و رودخانه **سند** طول این رودخانه
پانصد و پنجاه میل است که در چهل میل فاصله از شهر **بهاولپور** برودخانه **چناب**
ملحق میشود دوم رودخانه **جهلم** است طول این رودخانه چهارصد و نود میل است
و بفاصله بیست میل از شهر **جهنگ** متصل برودخانه **چناب** میگردد سیم رودخانه
راوی طولاً چهارصد و پنجاه میل است بفاصله چهل میل در بالای شهر **ملتان** برودخانه

سنده
٥
اٹک
متهن کوٹ ٹهٹها ٥

چناب ملحق میشود چهارم رودخانه **بیاس** طول این رودخانه نیز دویست و
نود میل است در نزدیکی شهر **هری کا پتن** برودخانه **چناب** ملحق میشود پنجم رودخانه
چناب است طول این رودخانه هفتصد و شصت و پنج میل است در زیر شهر **متن**
کوت [illegible] ~~برودخانه سند~~ اتصال می یابد و سرچشمه این چهار رودخانه
در نواحی جنوبی کوه همالیات نیز از جمله رودخانه های معظمه هندوستان یکی
رودخانه **گنگا** است که از جمیع رودخانه های هندوستان بزرگتر و مشهورتر است
سرچشمه این رودخانه در کوه **گنگوتری** است که شعبه از کوه همالیات از آنجا
جاری شده از کنار شهرهای مفصله ذیل میگذرد شهر **هردوار** - **قنوج** - **اله آباد**
مرزاپور - **چنار** - **بنارس** - **غازیپور** - **بکسر** - **داناپور** - **پتنه** - **مونگیر**
بهاگلپور - **راجمحل** - طول این رودخانه یکهزار و پانصد و بیست میل است و
رودخانه موصوف از بلاد مذکوره گذشته در خلیج **بنگاله** داخل دریا میشود ولیکن در قرب
راجمحل این رودخانه دو شعبه شده است آن رشته که از کنار شهر **چندنگر** **هوگلی**
و **کلکته** میگذرد هندیان آنرا **هوگلی** و **بهاگیرتی** مینامند و شعبه دیگر که از طرف
شرقی **فریدپور** و **گوالندو** میگذرد آنرا **پدا** و **پدما** میخوانند و دیگر از جمله رودخانه های

هری کی پٹن
منتهن کوٹ
ستره
٥
پٹنه
٥
بهاگیرتهی
گوالندو

متهرا



اتاوه

و رودخانه چمبل در قرب شهر اتاوه و رودخانه بتیوا در نزدیکی شهر همیرپور برود جمنا ملحق میشود

امرکنتک

چهپرا

نامی مملکت هند یکی رودخانه جمنا ست که سرچشمه آن در یکی از شعب کوه هیمالیاست
که آن شعبه کوه راجمنوتری مینامند از آنجا جاری شده و در قرب شهر اله آباد برودخانه
گنگا اتصال می یابد و آن موضع اتصال را هندیان تربینی مینامند شهرهائیکه برکنار
رودخانه جمنا آباد گردیده است اول شهر دهلی است و بعد متهرا - بندرابن
اگره - اتاوه - کالپی - همیرپور - جمنا طول این رودخانه هشتصد و شصت
میل است و دیگر رودخانه ایست موسوم به چمبل طول آن پانصد و هفتاد میل است
و دیگر رودخانه ایست که آنرا بدو نام میخوانند بتیوا یا بتیا طول آن سیصد و شصت
میل است و سرچشمه این دو رودخانه یعنی چمبل و بتیوا در مملکت مالوه از کوه
بندیاچل است از آنجا جاری شده و باین ترتیب برودخانه جمنا ملحق میشود و دیگر از
جمله رودخانه ها یکی رودخانه ایست موسوم به سون سرچشمه این رودخانه در قرب منبع
نربدا است که از کوه امرکنتک که رشته از کوه بندیاچل است برمیآید و از طرف جنوب
محاذی شهر چهپرا گذشته برودخانه گنگا ملحق میشود پنج رودخانه دیگر است که
سرچشمه های آنها قریب بیکدیگر است یکی رودخانه رام گنگا طول این رودخانه
سیصد میل است و یکی رودخانه گومتی طول آن پانصد میل است و دیگر رودخانه

گهاگره دهاسرجو

گندک

چهپرا

گاگره که ششصد میل طول آنست و دیگر رودخانه گندک که طول آن چهارصد میل است
و دیگر رودخانه کوسی طول آن دویست و سی و پنج میل است این پنج رودخانه از طرف
شمالی کوه هیمالیا جاری شده در اماکن مسطوره در ذیل برودخانه گنگا متصل میشود رودخانه
رام گنگا در زیر شهر فرخ آباد و گومتی در قرب شهر بنارس گاگره در بالای قصبه
چهپرا گندک محاذی شهر پتنه کوسی در زیر شهر بهاگلپور پنج مذکور رودخانه های
پنجگانه برودخانه گنگا ملحق میشوند و دیگر از جمله رودخانه های مشهوره مملکت هند رود
خانه ایست موسوم به برهم پتر منبع این رودخانه از کوههای کیلاش پربت است
که از قرب مرداب مانسروور میباشد و از سمت شمالی کوه هیمالیا بجانب شرقی
انکوه جاری گردیده و از آنجا جانب غربی را نیز سیر مینماید پس از آن در سمت جنوب
بدو شعبه منقسم میشود آن شعبه که بطرف مشرق روان است بدون اتصال برودخانه
دیگر داخل دریا میشود و شعبه غربی که هندیان آنرا جنبا گویند برودخانه پدما
متصل میشود آنقدری از رودخانه برهم پتر که در ملک تبت است اهالی آنرا یارو
و سانپو میخوانند و آنقدریکه در ملک آسام است اهالی آنرا دهانگ مینامند
گویند که پس از اینکه این شعب رودخانه برهم پتر برودخانه لوهت ندی اتصال

باقی آنرا ابرم چر نام نهاده اند و بفاصلهٔ شصت میل قبل از دخول این رودخانه
بدریا آنرا امنگنا گویند و دیگر از جملهٔ رودخانه های مشهورهٔ آن مملکت یکی رودخانه ایست
موسوم به نربدا منبع این رودخانه قریب است بمنبع رودخانهٔ سون که از کوههای
بندیاچل جاری شده بفاصلهٔ هفتصد و پنجاه میل از جانب غربی بندیاچل گذشته
در خلیج کنبات داخل دریا میشود و از شهرهای مشهوره که در کنار این رودخانه آباد گردیده
یکی شهر برودچ هندیا و یکی هوشنگ آباد است و دیگر از جملهٔ رودخانه ها یکی رودخانه تاپتی
است که از کوه ست پرا جاری شده و چهارصد و چهل میل طول این رودخانه است و هم
در خلیج کنبات بدریا میریزد شهر برهانپور و شهر سورت در کنار این رودخانه باشد
و دیگر از جملهٔ رودخانه ها رودخانه ایست موسوم به مهاندی منبع این رودخانه قریب قصبه
نواگده است که از مضافات شهر ناگپور میباشد از انجا جاری شده پانصد و بیست
میل طی مسافت مینماید و در قرب شهر کتک بچند شعبه داخل خلیج بنگاله میشود
شهر سنبل پور و شهر کتک در کنار این رودخانه باشد و دیگر از جملهٔ رودخانه های
مشهورهٔ هندوستان یکی رودخانه گوداوری است منبع این رودخانه در کوههای
(از رشته کوه کنار)
طرف غربی نزدیک به ناسک میباشد و چهارصد و ده میل در محوطهٔ ورداطی

کهنبات
بهروچ هنڈیا
ست پرا
نواگڈه
کٹک
سنبهل پور

مسافت

مسافت کرده و از انجا نهصد میل دیگر سیر کرده در کنار بندر راجمندری داخل دریا
میشود و دیگر از جملهٔ رودخانه ها یکی رودخانه کرشنا است سرچشمهٔ این رودخانه نزدیک
کوههای سمت (کنار) غربی است در حوالی شهر ستارا در موضعی که آنرا مهابلی شر گویند
و هشتصد میل طول این رودخانه است در زیر مچهلی بندر داخل دریا میشود و در طرف
شمالی یک رودخانه ایست موسوم به بهیما که طول آن پانصد میل است و در سمت
جنوبی این رودخانه رودخانه ایست موسوم به تنگ بهدرا طول آن چهارصد و بیست
میل است این هر دو رودخانه برودخانه کرشنا اتصال می یابد و دیگر از جملهٔ
رودخانه های مشهوره یکی رودخانه کاویری است منبع این رودخانه در کوههای
ملک کرگ است و از کنار مملکت میسور و کرناتک گذشته داخل دریا میشود
طول این رودخانه چهارصد و هشتاد و دو میل است این رودخانه در کنار شهر
ترچناپلی دو شعبه شده است آن شعبه که از طرف شمالی میگذرد هندیان آنرا
کالرون مینامند شهرهائیکه در کنار رودخانه کاویری باشد یکی شهر سری
رنگ پتن و تنجور و ترچناپلی و ترنکبار و علاوه بر رودخانه های مزبوره رود
خانه های کوچک لاتعد و لاتحصی است که ذکر آنها موجب تطویل خواهد بود .

مچهلی بندر
بهیما
تنگبهدرا
کرناتک
سری رنگ پٹن

بیان در انهار مشهوره مملکت هندوستان

پوشیده نباشد که در مملکت هندوستان نهرهای مصنوعی بسیار است لیکن بزرگترین
آنها سه نهر است یکی نهر باری است که از میانه رودخانه راوی و رودخانه بیاس
میگذرد و آب آن از همان دو رودخانه است طول این نهر ششصد و شصت و
پنجمیل است و یکی دیگر نهر جمن غربی است که از قرب کوه شوالک جدا شده است
و از کنار شهر حصار و هریانه گذشته و در دهلی برودخانه جمنا ملحق میشود و طول
این نهر چهارصد و چهل میل است و یکی هم جمن شرقی گویند لیکن این نهر در جزو
انهار ثلثه نیست این نهر جمن نیز از جانب شمالی شهر سهارنپور جدا شده است
و در زیر دهلی برودخانه جمنا متصل گردیده طول این نهر یکصد و چهل میل است
سوم نهر گنگ این نهر را از رودخانه گنگا جدا کرده اند از شهر هردوار تا شهر کانپور
بر روی اراضی آنجا جریان یافته و از همین نهر یک شعبه را با ضلاعات شهر علیگده
کشیده اند و فاضل آب آن نهر را در قرب شهر کالپی برودخانه جمنا اتصال داده

علیگده

بیان در احوال مُردابهای مملکت هندوستان

مخفی نماند که مرداب بزرگ در تمام محوطه هندوستان دیده نشده است و کوچکهم

بے

بسیار قلیل است از آنجمله که در سمت شمالی مملکت کمائون قرب کوه همالیا دو مرداب است
یکی را مانسرودر و دیگری را گنس تال گویند طول آنها بیست میل و عرض چهار میل است
در مملکت کشمیر نیز دو موضع است یکی را ڈل گویند طول آن بیست میل و عرض
چهار میل است و یکی دیگر را اولر گویند طول آن بیست میل و عرض نه میل است
در مملکت راجپوتانه مردابی است طولاً بیست میل عرضاً دو میل و در ملک
برار مردابی است و در ملک کرناتک نیز یکی است طول این هر دو سی و سه
میل و عرض یازده میل و در ممالک شمالی متعلقه بانگلیس مردابی است که
آنرا کولیر نامند طول آن بیست و پنجمیل و عرض ده میل است در ملک
اوڑیسه دو مرداب است یکی موسوم به چلکا طول آن سی و چهار میل عرض یازده
میل است و دیگری را رن کچ گویند طول آن یکصد و شصت میل و عرض آن هشتاد
میل است

ڈل

اوڑیسه

رنکچهه

بیان در احوال خلیجهای مملکت هند

در مملکت هندوستان چند خلیج است که هر یک در سمتی واقع است یکی خلیج ملک
کچ که در طرف غربی گجرات واقع است و یکی خلیج کمبایت که در طرف جنوبی
ملک گجرات است و دیگر خلیج پاون چینل که مابین جزیره رامیشر و ساحل کارومندل واقعست

کچهه کهبات

برهما

دیگر خلیج منار این خلیج مابین سراندیب و مملکت هندوستانست یکی خلیج بنگاله است
که آنهم مابین هندوستان و مملکت برما است

بیان در احوال جزایر هند

جزیره مالدیب لکدیب در بحر عرب و هفت جزیره سراندیب در بحر هند است جزیره
اندمان و نکوبار در خلیج بنگاله واقع شده و علاوه براینها چند جزیره کوچک دیگر
نیز هست که یکی را دیو گویند در طرف جنوبی کاتیاوار واقع است و یکی دیگر رامیشر که مابین
سراندیب و هندوستان است و یکی جزیره ساگر که در سمت دست چپ رودخانه هوگلی است
و یکی دیگر دکن شهباز پور هم در طرف تحتانی رودخانه میگنا واقع است

اینڈمن

ڈیو کاٹهیاوار

بیان در راسهای مملکت هند

از جمله راسهای آن مملکت یکی را راس
منج گویند که در طرف رود سند واقع است و یکی را دیو هید نامند این نیز در طرف
غربی کاتیاوار است و یکی راس کماری که در طرف جنوبی هندستان است و یکی راس گلی
میر که در طرف شمالی سراندیب و کنار ساحل کارومندل واقع است دیگر یکی را راس
پوائنت پالمیراس گویند که در ملک اوریسه است

ڈیو هیڈ

کاٹهیاوار

پوائنٹ

بیان در احوال اهالی هندوستان

باید دانست که در مملکت هندوستان صاحبان ادیان و مذاهب مختلفه هستند
که هیچ به یکدیگر در اطوار و قواعد و آیین مذهبی مشابه نیستند آنچه از اهالی هندوستان

[illegible]

برٹش برما

بهیل گونڈ

که در طرف شمالی کوه بندیاچل ساکنند آنها را آریه مینامند و آنچه در طرف جنوبی بندیاچل
سکنی دارند آنها را دراوری گویند و زبان این دو فرقه با زبان سنسکرت آمیخته نشده است
لهذا بعضی از اهالی هندوستان را اعتقاد اینست که اشخاص مذکوره از متوطنین قدیمه مملکت
هندوستانست و تاتار در ملک آسام و برتش برما یعنی مملکت برمای متعلق بانگلیس
از نسل تاتاریان بسیارند که آنها نیز از قدمای هند شمرده میشوند مانند طایفه بهیلگوند وغیره
که اغلب نشو و نمای ایشان در کوهستان و جنگلهای هند است هنگامیکه مسلمانان بر ممالک
هندوستان غلبه کردند بسیاری از افاغنه و بلوچها و اعراب و پارسیان وغیرهم رو بمملکت
نموده در اضلاع آن اقامت نمودند و اکنون اولاد ایشان در بسیاری از بلاد هند موجودند

بیان در صنعت و حرفه اهالی هند

واضح باد که فی زماننا هذا قریب دو ثلث از اهالی هندوستان بحرفه زراعت و فلاحت
اشتغال دارند و با وجودیکه درین پیشه سعیها و کوششها کرده اند و مهارت تامی دارند
باز بطوریکه شایسته و مقصود است در نکات زراعتی خود تکمیل نشده اند و آنقسمیکه مطلوبست
حاصل خود را بعمل نمیآورند و ما بقی اهالی هند بکارهای مختلفه اشتغال دارند .

بیان در اطوار و حالات مردمان هند

مخفی نماناد که اهالی هندوستان عموماً مردمانی هستند ذهین و رقیق القلب لیکن بواسطهٔ گرمی هوای آن مملکت تحمل زحمت و مشقت آنها کم است و بسیاری از ایشان سست عنصر و کاهل در جهت طلب میشوند علاوه بر آن متصف بچندین صفت ذمیمه هستند که آن صفات مانع از ترقیات آنها شده است از جمله در هیچ امری بالمره متفق الآرا نمیشوند دیگر آنکه هیچوقت در خیال اندوختن و ذخیره کردن برای روز نیک و بد نیستند بلکه اغلب ایشان باتلاف مال میل مفرطی دارند خاصه در ایام شادی و غم که بسیاری از وجوه نقد خود را بمصرف میرسانند دیگر آنکه سفر و سیاحت کردن و بیرون رفتن از بلد خود را نمی پسندند دیگر از جمله عادات ایشان اینست که اطفال خود را در صغر سن تزویج مینمایند لهذا اغلب ایشان قصیر العمر و ضعیف القوی میگردند دیگر از رسومات حالیه هندوستان یکی آنکه زنان مسلمانان آنجا اکثر پرده نشینند باین معنی که هیچوقت بهیچ قسمی برای سیر و گشت از خانه بیرون نمیآیند لیکن در ازمنهٔ سلف باین قسم مقید نبودند چنانکه اکنون هم در مملکت

دکهن مانند سایر بلاد هندوستان درباب این مطلب چندان دقیق نیستند دیگر از جمله قوانین اهالی هند یکی اینست که زنان خود را هیچ تربیت نمیکنند و علمی نمیآموزند و گویا این رسم در میانهٔ ایشان ممنوع است

بیان ومجملی از احوال مذاهب مختلفه هندوستان

باید دانست که در مملکت هندوستان از هر قبیل مذهب و ملت موجود است لیکن طوایف هنود از جمیع مذاهب بیشتر اند و در قدیم الایام مابین بت پرستان چنین رسم بود که باید همه بر یک طریقه و آئین راه روند و غیر آنرا جایز نمیدانستند لیکن چندیست که بعضی از پیشوایان ایشان آن مذهب قدیم را منسوخ داشته اند لهذا اختلاف عظیمی در میانهٔ هنود بهم رسیده و هر طایفه مذهبی و طریقه را اختیار نموده اند چنانکه اکنون مذاهب عدیده در میان بت پرستان شیوع یافته است و مشهورترین طوایف هنود دو فرقه است که یکی را شیو و شاکت مینامند و دیگری را ویشنو از مذاهب اسلامی نیز در آن مملکت کرورها هستند و از عیسویان بسیار. در مملکت پنجاب از پیروان مذهب سیک بکثرت وجود دارند و در محوطهٔ بندر بمبئی از فرق مجوس نیز بعلاوه ادیان مختلفه هست در مملکت نیپال و برما بسیاری مذهب بوده را تقلید مینمایند

بیان در السنهٔ مستعملهٔ مملکت هندوستان

اول زبانیکه در مملکت هندوستان بیشتر شیوع دارد زبان اردو است که اعلی و ادنی بآن زبان تکلم مینمایند و گذشته از آن زبان فی زماننا هذا تقریباً سی زبان در میان اهالی هندوستان مصطلح است که هر شعبه از آنها بزبانی تکلم مینمایند و زبان اردو که ذکر

سکهه

بوده

شده و گفتیم که ما بین عموم اهالی هند شیوع دارد و زبان هندی قدیم اغلب در ممالک
مغربی هندوستان و مملکت اوده و بهار معمول است و گذشته ازین دو زبان بعضی
السنه از قرار ذیل است زبان بنگله و اڑیه - آسامی - نیپالی - کشمیری - پنجابی
راجپوتی - گجراتی - کچھی - وغیره و هر یک از السنهٔ مذکوره در حدود مملکت موسومه بهمین
اسم متداول است مثلاً بنگله در مملکت بنگاله و هکذا سایرین و امّا محوطهٔ بمبئی و مملکت
برار و ممالک متوسطهٔ هندوستان اغلب بزبان مرهٹی تکلم مینمایند و تمام این السنه از
زبان سنسکرت اخذ شده است و بعد از اینها زبان سندی است که از زبان عربی
استخراج شده است و امّا در سمت جنوبی مملکت هندوستان اغلب زبانهای مفصلهٔ
ذیل مستعمل است تلنگو - تامل - کانڑی - مالایالم - و هر یک از السنه
اربعهٔ مذکوره در یک حدی از بلاد جنوبی مملکت هند مصطلح است از آنجمله زبان تلنگو
در احاطهٔ شمالی مدرس یا مندراج زبان تامل در مملکت کرناٹک و تراونکور و زبان
کانڑی در مملکت میسور و کنارا زبان مالایالم زبانی است که در طرف ملیبار
و کوچین بآن تکلم میشود

بیان در تعلیم علوم مملکت هند

مخفی نماناد که اهالی مملکت هندوستان از حیثیت آموختن علوم روز بروز ترقی مینمایند

اڑیا
کچھی
مرہٹھی
تلنگو تامل
کانڑی
کرناٹک تراونکور

زیرا

زیرا که این ایام مانند ازمنهٔ سابقه بعضی قیودات مذهبی را ندارند که مانع از تحصیل علوم
متفرقهٔ ایشان باشد بلکه هر فرقه و ملتی میتوانند که هرگونه علمی را بیاموزد خاصه از سنهٔ ۱۸۵۷
عیسوی که انگلیسها بر آن مملکت استیلا یافتند از آن زمان تا کنون یوماً فیوماً بر ترقیات
اهالی هندوستان افزوده شده است بمعنی که از توجهات دولت بهیهٔ انگلیس هر
گونه علم در آن مملکت ترویج یافته چنانکه فی زماننا هذا گذشته از بندر مدرس و کلکته و بمبئی
که مدارس و مجالس علمیهٔ آنجا و پیشرفت و ترقی متعلمین اهالی آن بدرجهٔ کمال رسیده است
تخمیناً زیاده از بیست و پنج هزار مدرسه در بلاد هندوستان بنا کرده اند و کرورها از اهالی
آنجا بتحصیل علوم مشغولند

بیان در مجملی از اوصاف آب و هوای مملکت هندوستان

توضیح آنکه چون بسیاری از ممالک هندوستان
محاذی خط استوا است لهذا گرم میشود ولیکن بر هوای کوهسار آن مملکت مانند کشمیر وغیره
سرما غلبه دارد و در بعضی از بلاد هند که زمینش مرتفع است مانند میسور وغیره هوا را
درجهٔ اعتدال است امّا مملکت سند و کرناٹک بدرجهٔ گرم میشود که زمین مانند کورهٔ
آهنگران میگردد و جویهای آب و حوضها بالمره خشک میشود و جمیع نباتات و اشجار
مشتعل میگردد و در دو فصل در مملکت هند باد میوزد یکی از ماه اپریل الی ماه ستامبر

که از طرف جنوب و مغرب میوزد و دیگری از ماه اکتبر الی ماه مارس که از سمت شمال
و مشرق میآید و آنمملکت را سه فصل است تابستان - برسات - و زمستان
امّا برسات فصل بارندگی آنمملکت است و سه فصل مذکور از قرار تفصیل ذیل است
از ماه مارس الی اول ماه ژون هوای هندوستان گرم میشود و از ابتدای ماه
ژون لغایت ماه اکتبر موسم بارندگی آنمملکت است و هوای آنجا اندک اعتدالی
دارد و از ابتدای ماه نوامبر الی اول ماه مارس هوای آنجا بالنسبه سرد میشود و در بعضی
بلاد آنمملکت نسبت بشهرهای دیگر گاهی بیشتر بارندگی میشود یعنی امتداد ایام بارندگی
زیاده تر است

بیان در وضع زراعت هندوستان

مملکت هندوستان بواسطه بسیاری رودخانه ها و انهار عموماً اراضیش همه سیراب
و زراعت آنمملکت نیز مشهور آفاق از هر قبیل حبوبات بطور وفور در آنمملکت بدست میآید
علاوه بر آن تنباکو و نیشکر و نیل و تریاک و پنبه در بسیاری از بلاد
هند زراعت میشود مثلاً نیل در مملکت بنگاله و بهار وفور دارد و در مملکت آسام
و کوههای هیمالیا زراعت چای بسیار میشود قهوه در کوههای نیلگیری و کرگ
بسیار بدست میآید فلفل سیاه و هل و زنجبیل و فوفل در سمت ملیبار و کرگ

بسیار میشود و زعفران در کشمیر بدست میآید و در جنگلهای هندوستان درختهای ساگوان
و شیشم بسیار ممتاز میشود و علاوه بر اینها از هر قبیل درختهای موزون خوش وضع
خوش رنگ باقسام مختلفه میروید که از ساقه آنها کتیرا و گنیچ گرفته میشود و برگهای
بعضی از آنها بکار میآید و از میوه جات و فواکه خشک و تر انواع و اقسام در آنمملکت
بدست میآید از آنجمله انبه است که فی الحقیقه شاه میوه های آنمملکت است و پس از
آن انگور و سیب و نارنگی و پرتقال و گلابی و آلو و انار و بادام نیز بسیار است
و درختهای تمر در هر موضع از هند وفور دارد و در بعضی از بلاد هند خربزه و هندوانه
وغیره نیز بانواع مختلفه بعمل میآید و از سبزی آلات و شبه میوه که از زمین میروید نیز
بسیار است که امثال آن در ایران و اکثر بلاد یافت نمیشود مانند اناناس وغیره

بیان در کیفیت جواهر و معادن مملکت هند

واضح باشد که از قدیم الایام در میانه اهالی روی زمین جواهر هندوستان معروف
و مشهور بود ولیکن درین اوان از قبیل جواهر بسیار کمیاب است و نادر بدست میآید
و امّا از سایر معادن مانند طلا وغیره در مملکت آسام و ملیبار و میسور هرگاه رمل
رودخانه ها را بشویند طلا بدست میآید لیکن درین ایام در طرف بیناد یک معدن

طلائی بیرون آمده است ولیکن سایر معادن مانند آهن و مس و سرب و زغال سنگ و زاج و نشادر و سنگ مرمر وغیره در اغلب کوههای هندوستان زیاد است

بیان در احوال حیوانات و سباع و درندگان هندوستان

در مملکت هند عموما از هر قبیل حیوانات وفور دارد مانند گاو و گاومیش و شتر و گوسفند و اسب و الاغ بسیار است و در جنگلهای آنجا از هر قبیل درندگان یافت میشود علاوه فیل و کرگدن از آنجمله در مملکت راجپوتانه و گجرات شیر بسیار است در مملکت آسام و گرگ فیل وفور دارد و در طرف چاتگام کرگدن بسیار یافت میشود و علاوه بر اینها آهو و گاو کوهی باقسام مختلفه در آن جنگلها وفور دارد .

چاتگام

بیان در عمل تجارتی مملکت هندوستان

درین ایام معاملات خارجه هندوستان زیاده از صد کرور روپیه است یعنی که از پانصد کرور تومان زیاد ترمبیع وشری میشود و اغلب مال التجاره هندوستان از قبیل مال فرنگ است لیکن از طرف سراندیب و سنگاپور و ملاکا و چین و استرالی و امریکا وغیره نیز مال التجاره بهندوستان میاید و از آنجا پنبه و تریاک و غله و نیل و برنج و کرجک و چرم و چای و تنباکو و شوره و شکر وغیره بخارجه حمل و نقل میشود

سنگهاپور — استریلیا

و آنچه از خارجه مال التجاره بهندوستان میاید از نیقرار است اقمشه از هر قبیل ظرفهای بلور و چینی از هر قسم اشیاء آهنی ادویه جات شراب چاپی کتاب کاغذ اسب وغیره

بیان در احوال شعبه های راه آهن مملکت هندوستان

مخفی نماند که در اغلب حدود مملکت هندوستان جاده های آهن کشیده شده است و هر جاده نیز مشتمل بر شعب عدیده است که بهر شهر و بلده در کمال سهولت و آسانی میتوان رفت و انگلیسها برای هر سلسله یک اسم مخصوصی گذارده اند تا هر یکی از دیگری شناخته شود ما نیز در اینجا همان اسم و رسم درج مینمائیم تا بر ناظرین این کتاب مستور نماند ایست اندین ریلوی این جاده از کلکته تا شهر دهلی کشیده شده است ولیکن یک شعبه این راه از اله آباد به جبل پور میرود طول مسافت این جاده راه آهن یکهزار و پانصد و سه میل است شهر و قصبه هائیکه در کنار این جاده آباد شده است از نیقرار است .

هورا — سیرامپور — چندنگر — هوگلی — بردوان — رانی گنج — راجمحل — مرشد آباد — جمالپور — مونگیر — لکی سرای — پتنه — دانا پور — آره — بکسر — بنارس میرزاپور — اله آباد — کانپور — اتاوه — اگره — علیگره — دهلی — و دیگر ایسترن بنگال ریلوی این جاده از شهر کشتیا تا شهر گلندر

انگلیسی زبان
ایست اندین ریلوی
بعربی راه آهن شرقیه هندوستان

هورا — چندرنگر — لکی سرای — پتنه — اتاوه — علیگده — کشتیا — کالندر

زبان انگلیسی
ایسترن بنگال ریلوی
بعربی راه آهن شرقیه بنگاله

کشیده شده است طول این راه یکصد و پنجاه و هشت میل است سوم اوده روهیلکهند ریلوی ابتدای این جاده از بنارس است و امتداد آن الی شهر مرادآباد لیکن یکی شعبهٔ
این جاده از نواب گنج جدا شده است بهرام گهاٹ سمت لکهنو و از آنجا به کانپور و دیگر
چندوسی بجای علیگده میرود و طول مسافت این راه پانصد و پنجاه و یک میل است و این
جاده از کنار شهرهای مفصله ذیل میگذرد بنارس ـ جونپور ـ فیض آباد ـ
نواب گنج ـ لکهنو ـ اناو ـ سندیله ـ هردوئی ـ شاهجهانپور ـ بریلی ـ
چندوسی ـ مرادآباد ـ چهارم راجپوتانه اسٹیٹ ریلوی ابتدای این جاده
از شهر آگره است تا شهر دهلی و از آنجا به نصیرآباد بگذشته آن به ریواڑی نیز میرود
مسافت این جاده ششصد و هشتاد و یک میل است شهرهائیکه در کنار این جاده است
از قرار ذیل است بهرتپور ـ الور ـ جیپور ـ کشنگڈه ـ اجمیر ـ گورگانو
وغیره پنجم سنده و پنجاب و دهلی ریلوی ابتدای این جاده از دهلی است
به ملتان و از آنجا یکشعبهٔ آن به سنده و کراچی بندر و از آنجا به کوٹری کشیده شده است
مسافت این راه بهمه جهة نهصد و هفتاد و نه میل است و از وسط شهرهائیکه میگذرد از این قرار است
دهلی ـ میرٹهه ـ مظفرنگر ـ سهارنپور ـ انباله ـ لودهیانه ـ جالندهر ـ

اصطلاحات هند

اوده روهیلکهند ریلوی (زبان انگلیسی)
یعنی راه آهن ملک اوده و روهیلکهند

علیگده

راجپوتانه اسٹیٹ ریلوی (زبان انگلیسی)
یعنی راه آهن ولایت راجپوتانه

ریواڑی

کشن گڈه گورگانوان

سنده و پنجاب و دهلی ریلوی
یعنی راه آهن منشعبه در صوبه ملک سنده و پنجاب و دهلی

کوٹری

کراچی بندر ـ میرٹهه ـ لودهیانه

جالندهر

امرتسر ـ لاهور ـ و از آنجا به ملتان و منٹگمری میگذرد ششم اندس ویلی
اسٹیٹ ریلوی ابتدای این راه از مظفرآباد است و منتهای آن الی کوٹری طول این جاده
پانصد و هشت میل است و از کنار شهرهای مفصله ذیل میگذرد بهاولپور ـ خیرپور
روڑی ـ و از روڑی و لرکانه گذشته بجاهای دیگر میرود هفتم ناردن
پنجاب اسٹیٹ ریلوی ابتدای این جاده از شهر لاهور است و امتداد آن الی
پشاور لیکن حال از لاهور تا جهلم نیز کشیده شده است طول این راه آهن یکصد و سی
میل است شهرهائیکه در کنار این راه واقع شده است از این قرار است گوجرانواله ـ
وزیرآباد ـ گجرات ـ جهلم نیز بسمت دیگر گذشته است هشتم گریٹ
انڈین پننسولا ریلوی ابتدای این راه آهن از بندر بمبئی است بدو شعبه یکی از
طرف شمالی و مشرقی میگذرد و شعبهٔ دیگر از جنوب بمشرق طول این راه بهمه جهة یکهزار و
دویست و هفتاد و نه میل است اما شهر و قصبهائیکه در کنار جاده شمالی و شرقی این راه
واقع است بدین ترتیب است تهانه ـ کلیانی ـ ناسک ـ منمد ـ نندگانو ـ
چالیس گانو ـ بهساول ـ برهانپور ـ کهندوا ـ سیونی ـ ساگپور ـ
نرسنگه پور ـ و این شعبه از چندوارا گذشته تا به جبلپور میرود و در آنجا

اصطلاحات هند

مانٹ گومری

اندس ویلی اسٹیٹ ریلوی (زبان انگلیسی)
یعنی راه آهن وادی رودخانه اندس

کوٹری

روڑی

ناردن پنجاب اسٹیٹ ریلوی (انگلیسی)
یعنی راه آهن شمالی پنجاب

گریٹ انڈین پننسولا ریلوی (انگلیسی)
یعنی راه آهن منشعبه جزیره هندوستان بزرگ

تهانا

بهساول ـ کهنڈوا ـ سهاگپور

چندوارا

تنگ بهدرا

انگلیسی: هلکر وسیندهیا نیمچ استیت ریلوی

کهندوا

انگلیسی: بمبی و برودا و سنترل انڈیا ریلوی
نیز راه آهن منشعب از بمبی و برووده و ممالک مرکزی هندوستان

بدهوان

انگلیسی: نظام استیت ریلوی
نیز راه آهن دولتی متعلقه بپادشاه دکن

انگلیسی: مدراس ریلوی
نیز راه آهن مدراس

به الیت اندین ریلوی متصل میشود و آن قسمت جنوبی و شرقی از کنار شهر پونا و
شولاپور و گلبرگه و احمدنگر میگذرد و از آنجا از کناره تنگ بهدرا به رای چور
میرسد و در آنجا بجاده راه آهن مدرس متصل میشود و یک شعبه این راه بطرف بلساون
و ناکپور نیز رفته است نهم هلکر وسیندهیا نیمچ استیت ریلوی ابتدای
این راه از کهندوا است الی نیمچ طول این جاده یکصد و پنجاه و نه میل است شهر و قصبه های
کنار این جاده بدینموجب است مئو اندور اوجین رتلام و علاوه بر این
از بسیاری جاهای دیگر میگذرد و تا به نیمچ میرسد دهم بمبی و برودا و سنترل
اندیا ریلوی ابتدای این جاده از بندر بمبی است و از آنجا گذشته بشهر سورت
و بروچ و برووده الی مملکت گجرات و از آنجا بشهر بدهوان منتهی میشود طول این راه
سیصد و هشتاد و نه میل است یازدهم نظام استیت ریلوی ابتدای استاسیون
این راه آهن از گلبرگه است که ابتدای خاک دکن ~~است و در همین مقام ملحق بجاده~~ و متصل بجاده راه آهن
گریت اندین پنین سوله ریلوی و از آنجا تا بحیدرآباد دکن کشیده شده و به سکندر
آباد میرسد طول مسافت این راه بهمه جهة یکصد و بیست و یک میل است دوازدهم
مدرس ریلوی طول مسافت تمام این راه بهمه جهة هشتصد و پنجاه و هشت میل است

اینرود کویم بتور

پال گهات بی پور

گداپا گوتی

انگلیسی: سوتهه اندیا ریلوی

اپرود نیکاپتن

پورتو نودو

دندی گل مدبورا

انگلیسی: سوتهه ایست بنگال ریلوی

این راه آهن از بندر مدرس بر دو شعبه است یک سلسلهٔ آن بطرف جنوب و مغرب
و دیگر شعبه دیگر آن از جانب شمال و مغرب کشیده شده است و اما شهرهائیکه در کنار
جاده جنوبی و غربی است بدینموجب است مدرس - بیلور - ارکونم -
جالرپت - سیلم - اینرود - کویم بتور - و نیز از همین جا یک شعبه بسمت
فراه و شهرهائیکه در دامنه پالگات یعنی کوه پال کشیده است و بشهر بیپور منتهی میشود و
رشته شمالی و غربی این جاده از بندر مدرس است که بسوی شهر گداپا و گوتی منتهی میشود
بعضی شعب این جاده با این قصبه های مفصله ذیل نیز گذشته است بیل گری بیلور
کانجی پور - دیلاری - سیزدهم سوته اندیا ریلوی ابتدای این جاده از اینرود
و نیکاپتن الی توتی کورن میرود و از آنجا یک شعبه آن بجانب شهر مامادورم الی
قصبه پورتو نودو کشیده شده است طول مسافت این جاده بهمه جهة ششصد و پنج میل است
شهر و قصبه هائیکه در کنار این جاده است یکی نیکاپتن - مامادورم - کوکونم - تنجور -
تریچناپلی - دندی گل - مدبورا - تنولی - توتی کورن و علاوه بر جاده های
مذکوره بعضی جاده های کوچک دیگر نیز هست که به بعضی از شهرهای متفرقه کشیده شده است
که برای آنها نیز اسامی مخصوص است از آنجمله سوته ایست بنگال ریلوی سلسله

این راه از کلکته است تا قصبه پورت کیننگ طول مسافت این راه بیست و نه میل است
دویم ترهت استیت ریلوی ابتدای این راه از استاسیون باردو که متعلق به ایست اندین ریلوی است که در کنار گنگ است
و از آنجا الی قصبه باردو و بمظفرپور میرود و در آنجا دو شعبه میشود یک شعبه آن بجانب مظفرپور میرود
و سلسلهٔ دیگر آن به سمستی پور الی دربهنگه منتهی شده است طول این جاده یکصد و هشتاد
و شش میل است سیم گیا استیت ریلوی ابتدای این راه از بانکی پور است الی
شهر گیا طول مسافت آن پنجاه و هفت میل است چهارم سندیه استیت ریلوی
ابتدای این راه از شهر اگره است الی شهر گوالیار لیکن در این ایام از اگره شهر دهلپور
نیز کشیده است طول مسافت این راه از اگره الی گوالیار سی و هفت میل است پنجم
هاترس متهرا لائن ریلوی این راه از شهر هاترس به متهرا کشیده شده است طول
مسافت آن بیست و نه میل است ششم دهوند و منمد استیت ریلوی این راه از قصبه
منمد الی قصبه دوند کشیده شده است طول آن چهل و هشت میل است هفتم
ورداویلی استیت ریلوی این جاده از شهر وردا بدامنه کوه هینگنگهات کشیده شده است
و تا بدهات سنائی میرود

بیان در احوال حکومت مملکت هندوستان

اصطلاحات هند

- پورت کیننگ
- انگلیس — ترهت استیت ریلوی
- باردو
- دربهنگا
- انگلیس — گیا استیت ریلوی — یعنی راه آهن دولتی مرسوم به گیا
- سندیه استیت ریلوی — راه آهن دولتی مرسوم به سندیه
- متهرا
- انگلیس — هاترس متهرا لائن ریلوی — راه آهن دولتی هاترس و متهرا
- دهونده و منمد استیت ریلوی — راه آهن دولتی دونده و منمد
- ڈهونده
- انگلیس — وردا ویلی استیت ریلوی — راه آهن رودخانه وردا
- هینگنگهات

مخفی و مستور نماناد که فی زماننا هذا تمام مساحت کشور هندوستان در تحت
حکومت و اختیار دولت بهیهٔ انگلیس است باین نحو که تمام راجه و نواب و امراء
آن مملکت که بشخصه ایالت و ریاست دارند نیز مطیع و باج گذار آن دولت اند و هر یک
از راجه ها و نواب و امراء آن مملکت که ریاستشان بیشتر است از جانب دولت
مشار الیها یک کارپردازی در آنجا مقرر شده است که بواسطهٔ او با فرمانفرمای
هندوستان ارسال و مرسول کتابتی مینماید و در صورتیکه آن راجه یا نواب
با رعایای خود بطور بی اعتدالی رفتار نماید که اسباب اختلال در انتظام مملکت
او باشد مورد مؤاخذهٔ حکومت انگلیس خواهد شد فقط دو حکومت است
در مملکت هندوستان که دولت انگلیس هیچوجه حق مداخله ندارد و علاوه بر آن
چند موضع از بلاد هند در تصرف دولت فرانسه و پرتغال است و حکومت
مملکت هندوستان بر چهار قسم است اول حکومت مختصهٔ انگلیس دوم
ایالتهائیکه در تحت محافظت دولت مشار الیها است سیم ایالتهائیکه انگلیس حق
مداخله در آنها ندارد چهارم حکومت مواضعی است که در تصرف دول خارجه است

نخستین در احوال ممالک متعلقه بدولت انگلیس

برتش انڈیا

باید دانست که در مملکت هندوستان آن مواضعیکه در تحت حکومت انگلیسهاست
آنرا **برتش اندیا** مینامند (یعنی هندوستان انگلیسی) تمام محوطه بلاد متعلقه
بدولت انگلیس در مملکت هندوستان بهمه جهة بطور مربع هشتصد و شصت و
پنجهزار میل ربع است و تمام تعداد نفوس آنمحوطه که رعایای خاصهٔ انگلیس اند هجده
کرور و شصت و هشت لک و سی و هفت هزار نفراند که بحساب ایران سیصد و هشتاد و
و سه کرور و سیصد و سی و هفت هزار نفر میشود و از قرار مذاهب مختلفه از اینقرارند .
از زمرهٔ اسلام هشتاد کرور، از بت پرستان دویست و شصت کرور، از مذهب
بودا چهار کرور و یکصد هزار نفر از جینیان که متوطنین قدیم هندوستان اند ده
کرور از طایفهٔ سیک دو کرور و یکصد و پنجاه هزار نفر از عیسویان هشتصد و پنجاه
هزار نفر تمام مالیاتیکه دولت بهیهٔ انگلیس از آنمحوطه تحصیل مینماید موافق راپورت سنه ۱۸۷۲
عیسوی پنجاه و دو کرور و چهارده لک و چهل هزار روپیه است (که بحساب ایران
دویست و شصت و دو کرور و چهارصد و ده هزار تومان میباشد) و آنچه از این
مبلغ برسم مالیات گرفته میشود از اینقرار است مالیات زراعتی یکصد کرور، مالیات
تریاک چهل و پنج کرور، مالیات نمک سی کرور، و مابقی فواید دولت انگلیس در آن

مملکت

مملکت از قبیل عوارض و **انگمتکس** (یعنی مالیات از روی مداخل و مواجب)
وغیره است و انتظام حکومتی آنمحوطه مذکوره از جانب ملکه انگلیس بعهدهٔ یکوزیر
مخصوص واگذار شده است و برای معاونت آنوزیر موصوف پانزده نفر اجزای
شورا مقرر داشته اند که هشت نفر از این اجزا اشخاصی هستند که باید ده سال در
مملکت هندوستان بر سر خدمت خود باقی باشند و در ظرف مدت مزبوره
عزل برای ایشان نیست و وزیر موصوف را انگلیسها **سکرتری آف استیت**
فار اندیا مینامند (یعنی وزیر هندوستان) و اجزای مجلس شورا را **اندیا آفس** گویند (یعنی دفتر هندوستان) و مجلسی که آنوزیر با آن
اجزا در آن جمع میشوند آنرا **هوم گورنمنت** (حکومت [illegible]) مینامند و در تحت این مجلس وزارت
فرمانفرمائی هندوستان است که آنرا **گورنر جنرال** و **وسرای** مینامند و فرمانفرمای
موصوف در مملکت هندوستان پنجسال یا اندکی زیاده اقامت خواهد کرد و
پس از آن دیگری بجای او مقرر میشود و برای معاونت آن گورنر جنرال پنج
الی هشت نفر اجزا قرار میدهند که سه نفر از آنها از اجزای مجلس وزارت موصوفه
هستند و این اجزا گورنر را انگلیسها **اکسکیوتیو کونسل** (یعنی مجلس اجرا) مینامند و در مجلسی که گورنر
جنرال با آن اجزا مخصوص برای اجرای احکامات می نشینند آنمجلس را **سپریم گورنمنت** گویند

سکرتری آف استیت فار انڈیا
یعنی وزیر هندوستان

انڈیا آفس
یعنی دفتر هندوستان

و پس از فرمانفرما (یعنی حکومت اصلی) حکامیکه در تحت فرمانفرما میباشند بر سه قسم اند یکی را گورنر گویند
و یکی را لفتنت گورنر و دیگری را چیف کمشنر (یعنی حاکم) و نایب الحکومه و مامور
مخصوص و این جماعت در هر شهریکه حکومت مینمایند آنمحوطه را لوکل گورنمنت مینامند
(یعنی حکومت محلی) و علاوه بر این چند مجلس دیگر نیز برای اجرای قوانین در هر دار الحکومه از قبل فرمانفرمای
هندوستان منعقد است که تذکارش موجب تطویل است سابق بر این برتش
اندیا (یعنی حکومت مخصوصه انگلیسی) در هندوستان منحصر بر سه محوطه بود در طرف
شمالی هند محوطه بنگاله در تحت حکومت انگلیسها بود و در جانب (سمت) جنوبی مملکت
هند محوطه مدرس و در سمت غربی مملکت هندوستان محوطه بمبئی و لیکن
حالا چندی است که حوزه حکومتی دولت انگلیس ترقی کرده و مشتمل بر چند محوطه
شده است از قرار تفصیل ذیل — محوطه بمبئی در تحت حکومت گورنر است
(یعنی حاکم مخصوص) محل حکومتی در خود بمبئی است تمام احاطه بندر بمبئی مع مضافات
و متعلقاتش یکصد و بیست و پنجهزار و هشتصد و شصت و یک میل مربع است
تعداد نفوس این محوطه یک کرور و پنجاه و پنج لک و شصت و ششهزار نفر که بحساب
ایران (سی و یک کرور و شصت و هشت هزار نفر میشود) مالیات بندر بمبئی یازده کرور

و بیست

و بیست و دو لک و سی و هشتهزار روپیه است که بحساب ایران پنجاه و شش
کرور و پنجاه و نه هزار و پانصد تومان میشود) محوطه مدرس در تحت حکومت
حاکم مخصوص است محل حکومتی در خود شهر مدرس است تمام محوطه متعلقه
بحکومت مدرس یکصد و سی و هشتهزار و سیصد و هجده میل مربع است .
تعداد نفوس آنمحوطه سه کرور و دوازده لک و هشتاد و یک هزار نفر که بحساب
ایران (شصت و دو کرور و دویست و هشتاد و یکهزار نفر میشود) تمام مالیات
حکومتی مدرس هشت کرور و نود و هشت لک و سی و سه هزار روپیه است
که بحساب ایران سی و نه کرور و چهارصد و سی و سه هزار و هفتصد و پنجاه تومان
میشود) محوطه بنگاله در تحت حکومت نایب الحکومه است محل حکومتی در کلکته
تمام محوطه بنگاله مع متعلقات و مضافاتش یکصد و پنجاه هزار و هشتصد و شصت
و نه میل مربع است تعداد نفوس آنمحوطه شش کرور و چهارصد و هشتاد و پنجهزار
نفر که (بحساب ایران یکصد و بیست کرور و چهارصد و هشتاد و پنجهزار نفر میشود) تمام
مالیات مملکت بنگاله هفده کرور و نود و چهار لک و یازده هزار روپیه است که
(بحساب ایران هشتاد و نه کرور و سیصد و پنجاه و دو هزار و هفتصد و پنجاه تومان میشود)

محوطهٔ ممالک مغربی و شمالی و اوده اینمحوطه نیز در تحت حکومت نایب الحکومه است
و محل حکومتی در شهر اله آباد است تمام مساحت متعلقه بحکومتی ممالک مذکوره
یکصد و پنجهزار و یکصد و نه میل مربع است تعداد نفوس اینمحوطه چهار کرور و
نوزده لک و پنجاه و ششهزار نفر که (بحساب ایران هشتاد و سه کرور و چهارصد
و پنجاه و ششهزار نفر میشود) مالیات حکومتی این مملکت بهمه جهته هفت کرور
و بیست و دو لک و سی و هشتهزار روپیه است که (بحساب ایران سی و
شش کرور و پنجاه و نه هزار و پانصد تومان میشود) محوطهٔ مملکت پنجاب
اینمحوطه نیز در تحت حکومت نایب الحکومه است محل حکومتی در شهر لاهور است
تمام محوطهٔ متعلقه بحکومتی پنجاب یکصد و چهار هزار و نهصد و بیست و پنج میل مربع است
تعداد نفوس اینمحوطه یک کرور و هفتاد و شش لک و پنجهزار نفر که (بحساب
ایران سی و پنج کرور و یکصد و پنجهزار نفر میشود) مالیات حکومتی آنجا بهمه جهته
دو کرور و سیزده لک و هفتاد هزار روپیه است که (بحساب ایران ده کرور
و چهل و دو هزار و پانصد تومان میشود) محوطهٔ ممالک متوسطه یا مرکزی هندوستان
اینمحوطه در تحت حکومت مأمور مخصوص است محل حکومتی آن مأمور در شهر ناگپور است

تمام مساحت حکومتی ممالک متوسطه هشتاد و چهار هزار و دویست و هشت میل
مربع است تعداد نفوس آنجا هشتاد و دو لک و دو هزار نفر است که (بحساب ایران
شانزده کرور و دویست و دو هزار نفر میشود) تمام مالیات اینمحوطه یک کرور و بیست
و هفت لک و شصت و هفتهزار روپیه است که (بحساب ایران شش کرور و یکصد و نود
و یکهزار و هفتصد و پنجاه تومان میشود) محوطهٔ آسام حکومت اینمحوطه نیز با مأمور مخصوص است
محل حکومتی در شهر شیلانگ است تمام مساحت ملک آسام چهل و پنجهزار و سیصد و
دو میل است تعداد نفوس اینمحوطه چهل و یک لک و سی هزار نفر است که (بحساب
ایران هشت کرور و یکصد و سه هزار نفر میشود) مالیات متعلقه بحکومتی آسام هشتاد
و چهار لک و چهل و ششهزار روپیه است که (بحساب ایران چهار کرور و یکصد و یازده
هزار و پانصد تومان میشود) **بیان در حکومتی برتش برما** (یعنی ممالک
برمائی که در تحت حکومت دولت انگلیس است) اینمحوطه نیز در تحت حکومت حفاظت چیف
کمشنر است (یعنی مأمور مخصوص) دار الحکومه در بندر رنگون است تمام محوطهٔ مملکت
برمای متعلقه بحکومت انگلیس هشتاد و هفتهزار و چهارصد و پنجاه و شش میل مربع است
تمام رعایای اینمحوطه مطابق راپورت سنهٔ ۱۸۷۲ عیسوی سی لک و دوازده هزار نفر است

که (بحساب ایران شش کرور و دوازده هزار نفر میشود) تمام مالیات متعلقه بحکومتی
آنمملکت مطابق کتابچهٔ سنهٔ ۱۸۷۲ عیسوی یک کرور و نود و هشت لک و هشتاد و سه
هزار روپیه است که (بحساب ایران نه کرور و چهارصد و هشتاد و هزار و هفتصد و پنجاه
تومان میشود)

بیان در حکومتی مملکت برار

اختیار حکومتی
آنمحوطه با فرمانفرمای هندوستان است دار الحکومهٔ آنمملک در شهر ایلچ پور است
تمام مساحت آنمحوطه هفده هزار و ششصد و سی و یک میل مربع است تعداد نفوس
آنمملکت بیست و دو لک و ششهزار نفر است که بحساب ایران چهار کرور و دویست
و ششهزار نفر میشود) مالیات آنمحوطه هشتاد و دو لک روپیه است که بحساب
ایران چهار کرور و پنجاه هزار تومان میشود) محوطه اجمیر شریف آنمملکت نیز در تحت
اختیار فرمانفرمای هندوستان است دار الحکومهٔ آنمحوطه در شهر اجمیر است تمام
مساحت آنمحوطه دو هزار و هفتصد و پنجاه و چهار میل مربع است تعداد نفوس
رعایای آنمحوطه دویست و بیست و پنجهزار نفر است مالیات متعلقه باین حکومت
سه لک و هشتاد و ششهزار روپیه است که (بحساب ایران نود و چهار هزار
تومان میشود) محوطه کرگ آنمحوطه نیز در تحت اختیار فرمانفرمای هندوستان است

چیف

مرکرا

محل حکومتی در شهر مرکرا واقعست تمام مساحت آنمحوطه دو هزار میل مربع است
تعداد نفوس رعایای آنجا یکصد و شصت و هشت هزار نفر مالیات حکومتی آنمحوطه هشت
لک و شصت و یکهزار روپیه است که بحساب ایران یکصد و نود هزار و دویست و
پنجاه تومان میشود) میزان کل از ینقرار است — کل مساحت متعلقه بحکومت
انگلیس چنانکه مذکور شد هشتصد و شصت و پنجهزار و هفتاد و چهار میل مربع است
تعداد نفوس تمام ممالک مذکوره از قرار راپورت سنهٔ ۱۸۷۲ عیسوی هجده کرور و
شصت و هشت لک و سی و هفت هزار نفر که بحساب ایران میشود سیصد و هفتاد و
سه کرور و سیصد و سی و هفت هزار نفر مالیات متعلقه بتمام حکومت ممالک
مذکوره از قرار کتابچهٔ سنهٔ ۱۸۷۲ عیسوی پنجاه و دو کرور و چهارده لک و چهل هزار روپیه است
که بحساب ایران دویست و شصت کرور و سیصد و شصت هزار تومان میشود)

بیان در احوال حکومت ممالک مغربی و شمالی و اوده از مملکت هندوستان

ممالک مذکوره محدود بحدود اربعه است — حد شمالی آن بکوه هیمالیا و
مملکت نیپال منتهی میشود — حد شرقی بممالک متعلقه بحکومت بنگاله [illegible]

حد جنوبی بممالک متوسطهٔ هند حد غربی بممالک راجپوتانه و پنجاب منتهی
میشود اغلب اراضی این محوطه مسطح و هموار است لیکن اراضی طرف شمالی و غربی این
مقدار جا روی بارتفاع میگذارد علاوه برآن بعضی آنها حدود شمالی این احاطه یعنی
از قرب شهر میرزاپور یک شعبهٔ آن بکوههای بندیاچل منتهی میشود و بواسطهٔ کثرت
رودخانه ها تمام اراضی این محوطه سیراب و قابل هرگونه زراعت است و هوای
این محوطه بالنسبه بمملکت بنگاله در فصل زمستان سردتر و در تابستان گرمتر
میشود اغلب سکنهٔ اینجا بت پرستانند و نسبت عدهٔ نفوس آنها بمسلمانان
نسبت صد است بده در سنهٔ ۱۸۳۳ عیسوی ممالک مغربی و شمالی را بدون مملکت
اوده بعهدهٔ یک نایب الحکومه قرار داده بودند وجه اینکه این محوطه را ممالک مغربی
و شمالی نامیده اند اینست که چون در ابتدا انگلیسها مملکت بنگاله را فتح نمودند
چند شهر و قصبه در سمت شمالی و غربی مملکت بنگاله واقع بود بهمین لحاظ
آن بلاد را ممالک مغربی و شمالی بنگاله نامیدند و در آنزمان مملکت اوده
در تحت حکومت مامور مخصوص بود در سنهٔ ۱۸۷۷ عیسوی مملکت را نیز ملحق بحکومت
ممالک مغربی و شمالی نمودند اکنون حکومت این دو مملکت متعلق بیک نایب الحکومه است

و نایب الحکومه

و نایب الحکومهٔ موصوف بعضی از اوقات سال مرکز حکومتی خود را در الهآباد
قرار میدهد و چندی در شهر لکهنو اقامت مینماید و این دو مملکت به یازده
قسمت منقسم شده است و هر قسمتی نیز مشتمل بر چند شهر و قصبه است که در هر شهری
یک محصل از جانب آن نایب الحکومه برای اخذ مالیات مقرر است شهرهای
مشهورهٔ این دو مملکت چهل و هشت شهر است که هر یک را بمقام خود از قرار
تفصیل ذیل ذکر مینمائیم تا بر ناظرین پوشیده نماند

بیان در قسمت اول ممالک مغربی و شمالی و اوده

این قسمت را میرته خوانند شهرهائیکه درین قسمت واقع است از قرار است
اول محوطهٔ دیره دون این شهر در دامنهٔ کوه شوالک واقع شده است تمام
محوطهٔ این شهر مع مضافاتش هزار و یکصد و نود و سه میل مربع است تعداد
نفوس اینجا یکصد و شانزده هزار و نهصد و چهل و پنج نفر است متعلقات محوطه
یکی شهر دیره دون دیگر منصوری دیگر قصبهٔ لندوره دوم محوطهٔ سهارنپور
این شهر مع مضافاتش در طرف جنوبی محوطهٔ دیره دون واقع است تمام محوطهٔ
آنجا دو هزار و دویست و بیست و یک میل مربع است تعداد نفوس سکنهٔ آنجا

هشتصد و هشتاد و سه هزار و هفتصد و هشتاد و دو نفر است متعلقات این محوطه
یکی شهر سهارنپور و دیوبند و رُرکی و هردوار و کنکل است سیم محوطه مظفرنگر
این محوطه بانضمام متعلقاتش در سمت جنوبی سهارنپور واقع است تمام
محوطه اینجا هزار و ششصد و پنجاه و چهار میل مربع است تعداد نفوس سکنهٔ
آنجا ششصد و نود هزار و هشتاد و دو نفر است قصبه‌های مشهوره متعلقه باین محوطه یکی
مظفرنگر و یکی کیرانه و شاملی و کتولی است چهارم محوطه میرته این شهر مع مضافاتش
در سمت جنوبی مظفرنگر واقع است تمام محوطه اینجا دو هزار و سیصد و پنجاه
و چهار میل مربع است تعداد نفوس سکنهٔ این محوطه دوازده لک و هفده هزار و
یکصد و چهار نفر است که (بحساب ایران دو کرور و دولیت و هفده هزار و
یکصد و چهار نفر میشود) مواضع مشهورهٔ متعلقهٔ اینجا یکی شهر میرته و گره مکتیسر
و هاپر و سردهنه و بروت است پنجم بلندشهر این محوطه در سمت جنوبی
میرته واقع است تمام محوطهٔ آن هزار و نهصد و نه میل مربع است تعداد
نفوس آنجا نهصد و سی و شش هزار و پانصد و نود و سه نفر است مواضع مشهورهٔ آن
یکی بلندشهر و یکی خورجه و انوپ شهر و سکندرآباد است ششم

محوطهٔ علیگره این محوطه را کول نیز می‌نامند در سمت جنوبی بلندشهر واقع
شده است هزار و نهصد و پنجاه و چهار میل مربع محوطه اینجاست تعداد نفوس
سکنهٔ تمامی محوطه آنجا ده لک و هفتاد و سه هزار و سیصد و سی و سه نفر و
که (بحساب ایران دو کرور و هفتاد و سه هزار و سیصد و سی و سه نفر میشود)
مواضع مشهورهٔ اینجا یکی شهر علیگره و یکی هاترس و اترولی و سکندراراو

بیان در قسمت دوم ممالک مغربی و شمالی واوده

این قسمت را روهیلکهند می‌نامند این قسمت نیز مشتمل بر چند شهر و قصبه است
که از قرار تفصیل ذیل ذکر خواهد شد اول محوطه بجنور این محوطه در جانب شرقی
میرته واقع است تمام محوطه آنجا بانضمام متعلقاتش هزار و هشتصد
و شصت و نه میل مربع است تعداد نفوس آن بهمه جهة هفتصد و سی و
هفت هزار و یکصد و پنجاه و دو نفر است بلاد متعلقه باین محوطه یکی شهر بجنور و
یکی نجیب آباد و نگینه و دهامپور و چاندپور و شیرکوت است دوم
محوطه مرادآباد این محوطه در سمت جنوبی و شرقی بجنور واقع است تمام
احاطهٔ این شهر بانضمام مضافاتش دو هزار و سیصد و یک میل مربع است

تعداد سکنه اینحوطه دوازده لک وشصت و دو هزار و چهارصد و هفتاد
و پنجنفر است که بحساب ایران دو کرور و دویست وشصت و دو هزار و
چهارصد و هفتاد و پنجنفر میشود) بلاد مشهوره انجا یکی شهر مراداباد و یکی قصبه
سنبل و امروهه و چندوسی و ٹهاکردواره است سیم محوطه بدایون اینحوطه
در طرف جنوبی وشرقی مراداباد واقع است تمام محوطه اینجا مع مضافاتش
هزار و نهصد و نود و سه میل است تعداد نفوس اینحوطه نهصد و سی و پنجهزار
و ششصد و هفتاد و یکنفر است مواضع مشهوره متعلقه باینجا یکی شهر بدایون
وسهسوان و ابولی است چهارم محوطه بریلی اینحوطه درجانب شمالی
محوطه بدایون واقع است تمام محوطه اینجا مع مضافاتش هزار و هشتصد و
سه میل است تعداد نفوس اینحوطه یازده لک و بیست و چهار هزار و یکصد و
هشتاد و شش نفر است که بحساب ایران دو کرور و یکصد و بیست و چهار هزار
و یکصد و هشتاد و شش نفر میشود) مواضع مشهوره اینجا یکی شهر بریلی و بیسلپور
و آنوله است پنجم محوطه پیلی بهیت اینحوطه در طرف شمالی محوطه بریلی
واقع است محوطه آن یکهزار و یکصد و نود میل است تعداد نفوس اینحوطه

ٹهاکردواره

پیلی بهیت

بهمه جهت چهارصد و هشتاد و سه هزار و نهصد و پنجاه و سه نفر مواضع مشهوره اینجا
یکی پیلی بهیت و یکی جهان آباد است ششم محوطه شاهجهانپور اینحوطه در سمت جنوبی و
شرقی محوطه بریلی است تمام مساحت محوطه اینجا بهمه جهت هزار و هفتصد و چهل و
چهار میل مربع است تعداد نفوس اینحوطه نهصد و چهل و نه هزار و چهارصد و هفتاد
و یکنفر بلاد مشهوره اینجا یکی شاهجهانپور و یکی قصبه تلهر و یکی کرته و پوایان است

تلهر کرته

بیان در قسمت سیم ممالک مغربی وشمالی واوده

این قسمت را اگره گویند و مشتمل است بر چند شهر و قصبه از قرار تفصیل ذیل
اول محوطه متهرا اینحوطه در سمت غربی علیگره واقع است تمام محوطه اینجا مع
مضافاتش هزار و سیصد و چهل و شش میل مربع است تعداد نفوس اینجا
هفتصد و بیست و نه هزار و نهصد و بیست و سه نفر مواضع مشهوره اینجا یکی متهرا و یکی
قصبه بندرابن و نندگانو و گوکل است دوم محوطه اگره اینحوطه در طرف
جنوبی وشرقی متهرا واقع است تمام محوطه انجا بهمه جهت یکهزار و هشتصد و
نود و دو میل مربع است جمعیت تمام سکنه اینشهر و مضافاتش ده لک و
نود و چهار هزار و سیصد و شصت و هشت نفر که بحساب ایران دو کرور و

نود و چهار هزار و سیصد و شصت و هفت نفر میشود) مواضع مشهوره اینجا یکی اگره
و یکی قصبه فتحپور سیکری و فیروزآباد و بتیشر است سیم محوطه ایته این محوطه در سمت
شمالی اگره واقع است دو هزار و هفتصد و نود و هشت میل مربع محوطه آنجاست
تعداد نفوس این محوطه ده لک و شصت و یکهزار و هشتصد و نود و دو نفر است
که بحساب ایران دو کرور و شصت و یکهزار و هشتصد و نود و دو نفر میشود)
بلاد مشهوره اینجا یکی ایته و یکی قصبه کاسگنج و علی گنج و سورون و جلیسر است
چهارم محوطه فرخ آباد این محوطه در طرف جنوبی و شرقی شهر بدایون واقع است
تمام محوطه آنجا یکهزار و هفتصد و نوزده میل مربع است تعداد سکنه آنجا
نهصد و شانزده هزار و ششصد و شصت و یکنفر مواضع مشهوره اینجا یکی فرخ آباد
و یکی قصبه قنوج و سرای میران و چهبرامئو است پنجم محوطه مین پوری این محوطه
در جانب غربی فرخ آباد واقع است تمام محوطه آنجا مع مضافاتش هزار و
ششصد و نود و هفت میل مربع است تعداد نفوس آنجا هفتصد و شصت و
یکهزار و هفتصد و هشتاد و سه نفر بلاد مشهوره اینجا یکی مین پوری و شکوه
آباد است ششم محوطه اتاوه این محوطه در سمت جنوبی مین پوری واقع است

بتیشر ١ — ایته

چهبرامئو ٣

تمام

تمام محوطه آنجا یکهزار و ششصد و نود و هشت میل مربع است تعداد نفوس
تمامی این محوطه شصت و شش لک و هشتاد و هشت هزار و پانصد و هشتاد و یکنفر است
که بحساب ایران سیزده کرور و یکصد و هشتاد و هشت هزار و پانصد و هشتاد و
و یکنفر میشود) درین محوطه بلاد معروف و مشهوری سوای شهر اتاوه جائی ندارد

بیان قسمت چهارم ممالک مغربی و شمالی و اوده

این قسمت را اله آباد گویند و درین قسمت هر چند شهر و قصبه معمور آباد و گزیده است
[illegible]
که تفصیل آن از قرار ذیل است اول محوطه کانپور که در طرف جنوبی
و شرقی فرخ آباد واقع است مساحت این محوطه دو هزار و سیصد و سی و هفت
میل مربع است تعداد سکنه آنجا همه جهت یازده لک و پنجاه و شش هزار و
پنجاه و پنج نفر که بحساب ایران دو کرور و یکصد و پنجاه و شش هزار و پنجاه و پنج نفر
میشود مواضع مشهوره آنجا یکی شهر کانپور و بلهور و بتهور است دوم محوطه
فتحپور این محوطه در سمت جنوبی و شرقی کانپور واقع است تمام محوطه آنجا مع
مضافاتش هزار و ششصد و سی و یک میل مربع است تعداد نفوس سکنه
آنجا ششصد و شصت و سه هزار و هشتصد و هفتاد و هشت نفر است مواضع مشهوره آنجا

اتاوه

بلهور — بتهور

یکی فتحپور و یکی کوراجهان آباد است سیم محوطه همیرپور اینمحوطه در سمت جنوبی کانپور واقع شده

کوراجهان آباد

تمام مساحت اینمحوطه دو هزار و دویست و نود و هفت میل مربع است تعداد نفوس
سکنه آنجا پانصد و بیست و نه هزار و یکصد و سی و هفت نفر است بلاد مشهوره آنجا
یکی شهر همیرپور و راته و مهوبه است چهارم محوطه باندا اینمحوطه در طرف

راته باندا

جنوبی فتحپور واقع شده تمام محوطه آنجا با انضمام مضافاتش دو هزار و نهصد و شصت
و یک میل مربع است تعداد نفوس سکنه آنجا ششصد و نود و هشت هزار و ششصد و
یازده نفر است مواضع مشهوره آنجا یکی شهر باندا و کردی و چترکوت است

چترکوت

پنجم محوطه اله آباد اینمحوطه در طرف جنوبی و شرقی فتحپور واقع است تمام احاطه آنجا
همه جهة دو هزار و هشتصد و چهل میل مربع است تعداد نفوس سکنه اینمحوطه سیزده
لک و شصت و شش هزار و دویست و چهل و یکنفر که بحساب ایران دو کرور و
سیصد و شصت و شش هزار و دویست و چهل و یکنفر میشود) بلاد مشهوره آنجا یکی
شهر اله آباد یکی قصبه پولپور و قصبه کرا و بهادرگنج و کرارای است ششم محوطه

کرا پهولپور

جونپور اینمحوطه در سمت شرقی محوطه اله آباد واقع است تمام محوطه آنجا مع مضافاتش
یکهزار و پانصد و پنجاه و چهار میل مربع است تعداد نفوس سکنه آنجا ده لک و

و بیست و پنجهزار و هشت نفر است که بحساب ایران دو کرور و بیست و پنجهزار و
هشت نفر میشود) مواضع مشهوره متعلقه باینمحوطه یکی شهر جونپور و بادشاهپور و
مچهلی شهر است

مچهلی شهر

بیان قسمت پنجم ممالک مغربی و شمالی

و اوده این قسمت را بنارس گویند و مشتمل بر چند شهر و قصبه است
اول محوطه میرزاپور که در سمت جنوبی و شرقی اله آباد واقع است تمام
محوطه اینجا بهمه جهة پنجهزار و دویست و بیست و چهار میل مربع تعداد نفوس
اینجا ده لک و پانزده هزار و دویست و نود و سه نفر است که بحساب ایران
دو کرور و پانزده هزار و دویست و نود و سه نفر میشود) مواضع مشهوره اینمحوطه
یکی میرزاپور و یکی قصبه چنار است دوم محوطه بنارس اینمحوطه در جانب
شمالی میرزاپور واقع است تمام محوطه اینجا نهصد و نود و هشت میل مربع است
تعداد نفوس سکنه اینجا هفتصد و نود و چهار هزار و سی و نه نفر است در اینمحوطه
سوای شهر بنارس مواضع معروف و مشهوری انجا پیدا نیست سوم محوطه غازی پور که
در جانب شرقی بنارس واقع است تمام محوطه اینجا هزار و پانصد و شصت
میل مربع است تعداد نفوس سکنه اینجا هشتصد و هشتاد و سه هزار و هشتاد نفر

در این محوطه نیز سوای شهر غازی پور مواضع معروفی ندارد چهارم محوطه بلیا در سمت شمالی
و شرقی غازی پور واقع است طول این محوطه هزار و بیست و نه میل مربعست و شصت و
هشت لک و شصت و یکهزار و هشتاد و هشت نفر جمعیت دارد که (بحساب ایران
سیزده کرور و سیصد و شصت و یکهزار و هشتاد و هشت نفر میشود) در این محوطه سوای شهر
بلیا جای معروفی نیست پنجم محوطه شهر اعظم گره این محوطه در سمت شرقی جونپور واقع است
تمام این محوطه مع مضافاتش دو هزار و یکصد و چهل و شش میل مربع است تعداد
نفوس سکنهٔ آنجا سیزده لک و هفده هزار و ششصد و بیست و شش نفر است که
(بحساب ایران دو کرور و سیصد و هفده هزار و ششصد و بیست و شش نفر میشود)
مواضع مشهوره در این محوطه یکی شهر اعظم گره و یکی محمد آباد است ششم محوطه گورکپور
در سمت شمالی اعظم گره واقع است و چهار هزار و پانصد و هشتاد و پنج میل مربع
طول مساحت دارد تعداد نفوس آنجا بیست لک و نوزده هزار و سیصد و
پنجاه نفر است که (بحساب ایران چهار کرور و نوزده هزار و سیصد و پنجاه نفر میشود)
مواضع مشهوره آن یکی شهر گورکپور و یکی کشیا است هفتم محوطه بستی این محوطه
در جانب غربی گورکپور واقع شده است سطح تمام آنجا دو هزار و هفتصد و

اعظم گره

گورکهپور

هشتاد و

هشتاد و هشت میل مربع است تعداد نفوس آنجا چهارده لک و هفتاد و دو
هزار و نهصد و نود و چهار نفر است که (بحساب ایران دو کرور و چهارصد و هفتاد
و دو هزار و نهصد و نود و چهار نفر میشود) مواضع مشهوره آن یکی بستی و
دیگر مهداول است

مهداول

بیان قسمت ششم ممالک مغربی و شمالی و اوده

این قسمت را جهانسی گویند که مشتمل بر چند شهر و قصبه است
اول محوطه جالون این محوطه در سمت شمالی و شرقی همیرپور واقع است و یکهزار و
پانصد و پنجاه و پنج میل مربع سطح آنجاست تعداد نفوس سکنهٔ آن محوطه بهمه جهت چهار
صد و چهار هزار و سیصد و هشتاد و چهار نفر است شهر و قصبه های مشهوره متعلقه بآنجا
یکی شهر کالپی و یکی جالون و دیگر کونچ است دوم محوطه جهانسی در سمت
جنوبی و غربی جالون واقع است تمام مساحت این محوطه هزار و پانصد و شصت و هشت
میل مربع است تعداد نفوس سکنهٔ آنجا سیصد و هفده هزار و هفتصد و سی و
پنج نفر است مواضع مشهوره آنجا شهر مئو رانی پور است سیم محوطه للت پور که
در طرف جنوبی جهانسی آباد است آنجا دو بیست و دوازده هزار و

و هزار و نهصد و چهل و هشت میل مربع است تعداد نفوس این محوطه

ششصد و بیست و هشت نفر مواضع مشهوره متعلقه با آنجا یکی شهر للت پور و چندیری
و تالبیت و بانپور است

بیان قسمت هشتم ممالک مغربی و شمالی و اوده

این قسمت را کاون گویند و مشتمل است بر چند محوطه اول محوطه
ترائی پرگنه که در سمت شمالی قسمت روهیلکند واقع است تمام محوطه آنجا همه جهة
نهصد و بیست میل مربع است تعداد نفوس سکنه آنجا یکصد و هشتاد و پنج هزار و ششصد
و چهل و هفت نفر است مواضع مشهوره متعلقه با این محوطه یکی کاشی پور و یکی بلدواتی است
دوم محوطه کاون این محوطه در طرف شمالی ترائی پرگنه واقع است تمام مساحت
آن همه جهة شش هزار میل مربع است تعداد نفوس سکنه آنجا چهار صد و
سی و دو هزار و ششصد و هشتاد و نه نفر است مواضع مشهوره متعلقه با این محوطه یکی شهر
المورا و یکی نینی تال و دیگر رانی کهیت است سوم محوطه گدوال این محوطه
در جانب غربی کاون واقع است پنج هزار و پانصد میل مربع سطح آنجاست
تعداد نفوس سکنه این محوطه سیصد و ده هزار و دویست و هشتاد و دو نفر است
مرجع معروف و مشهور شهر این محوطه پاوری است

روهیلکهند

المورا رانی کهیت گدهوال

بیان

بیان قسمت هشتم ممالک مغربی و شمالی و اوده

این قسمت را لکهنو مینامند مشتمل است بر سه محوطه و هر محوطه متضمن چند شهر
و قصبه است اول محوطه اناو این محوطه در سمت شرقی کانپور واقع است تمام
مساحت این محوطه هزار و هفتصد و سی و شش میل مربع سطح آن است تعداد نفوس سکنه
اینجا نهصد و چهل و چهار هزار و هفتصد و نود نفر شهر و قصبه هائی که در این محوطه واقعست
یکی اناو و بانگرمئو و پروا و موراوان است دوم محوطه باره بنکی این محوطه
در سمت شرقی اناو واقع است تمام مساحت این محوطه هزار و هفتصد و بیست و هفت
میل مربع است تعداد نفوس سکنه اینجا یازده لک و دو هزار و یکصد و هجده
نفر است که بحساب ایران دو کرور و یکصد و ده هزار و یکصد و هجده نفر میشود) شهر و
قصبه هائیکه در این محوطه آباد شده یکی نواب گنج و زیدپور و دریاآباد و
رودولی است سوم محوطه لکهنو این محوطه در سمت شمالی اناو واقع است تمام
محوطه اینجا نهصد و هفتاد و شش میل مربع است تعداد نفوس سکنه آنجا هفتصد
و هفتاد و هشت هزار و یکصد و نود و پنج نفر است شهر و قصبه هائیکه در این محوطه معروف
و مشهور است یکی شهر لکهنو و ملیح آباد و امیتهی و کاکوری است

لکهنو

لکهنو

امیتهی

بیان قسمت نهم ممالک مغربی و شمالی واوده

این قسمت را سیتاپور گویند و مشتمل است بر سه محوطه و هر محوطه متضمن است چند شهر
و قصبه را اول محوطه سیتاپور این محوطه در سمت شمالی لکنو واقع است تمام مساحت
آنجا دو هزار و دویست و پنجیل مربع است تعداد نفوس سکنهٔ این محوطه نهصد و
پنجاه و نه نفر شهر و قصبه های معروفه در این احاطه یکی سیتاپور و خیرآباد و
لاهرپور و محمدآباد است دوم محوطه هردوئی این محوطه در سمت شمالی و غربی
لکنو واقع است تمام سطح آن دو هزار و دویست و هشتاد و پنجیل مربع است
تعداد نفوس سکنهٔ آنجا نهصد و سی و یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت نفر است
شهر و قصبه های مشهورهٔ این محوطه یکی هردوئی و بلگرام و سانڈی و سندیله و
پالی گوپامؤ و شاه آباد و ملاوان است سیم محوطه کهیری این محوطه در سمت
شمالی و شرقی شاهجهانپور است تمام مساحت این محوطه دو هزار و نهصد و شصت و
سه میل مربع است تعداد نفوس سکنهٔ آنجا هفتصد و بیست و نه هزار و دویست و
هشتاد و سه نفر شهر و قصبهٔ معروفهٔ این محوطه یکی شهر کهیری و محمدی و لکهیم پور است

بیان قسمت دهم ممالک مغربی و شمالی واوده

این قسمت را فیض آباد گویند مشتمل بر سه محوطه است و هر محوطه دارای چند شهر
و قصبه است اول محوطه فیض آباد این محوطه در طرف شرقی باره بنکی واقع است
سطح آن یکهزار و ششصد و چهل و نه میل مربع است تعداد نفوس انجا ده لک
و بیست و چهار هزار و نود و دو نفر است که بحساب ایران دو کرور و بیست و
چهار هزار و نود و دو نفر میشود) شهر و قصبهٔ معروف متعلقه باین محوطه فیض آباد و
اجودیا و تانڈا و جلال پور است دوم محوطه گونڈا این محوطه در جانب شمال
و مغرب فیض آباد واقع است سطح آن دو هزار و ششصد و بیست و چهار
میل مربع است تعداد نفوس سکنهٔ انجا یازده لک و شصت و شش هزار و
پانصد و پانزده نفر است که بحساب ایران دو کرور و یکصد و شصت و شش هزار و
پانصد و پانزده نفر میشود) شهر و قصبه های مشهوره واقعه در این محوطه گونڈا و
بلرامپور و کرنیل گنج و نواب گنج است سیم محوطه برایچ این محوطه در طرف
شمالی و غربی محوطه گونڈا واقع است سطح آن دو هزار و ششصد و چهل و
پنجیل مربع است تعداد نفوس همه جمله هفتصد و هفتاد و چهار هزار و چهار
صد و هفتاد و هفت نفر است شهر و قصبه های مشهوره این محوطه برایچ و نانپوره است

بیان قسمت یازدهم ممالک مغربی و شمالی واوده

و این قسمت را رای بریلی گویند و مشتمل بر سه محوطه است و هر محوطه متضمن
چند شهر و قصبه‌ها اول محوطه رای بریلی این محوطه در جانب شمالی فتحپور واقع
و سطح آن هزار و هفتصد و پنجاه و دو میل مربع است تعداد نفوس سکنه آنجا
نهصد و هشتاد و هشت هزار و هفتصد و نوزده نفر است شهر و قصبه‌های مشهوره
واقعه در این محوطه یکی رای بریلی و یکی جالیس و دیگر دلمئو میباشد دوم
محوطه سلطانپور این محوطه در جانب شرقی رای بریلی واقع است سطح آن
یکهزار و هفتصد میل مربع است تعداد نفوس سکنه آنجا نه لک و سیصد و
سی و شش نفر است که بحساب ایران دو کرور و سیصد و سی و شش نفر میشود
سوای شهر سلطانپور قصبه معروفی ندارد و سوم محوطه پرتابگره این محوطه در سمت
جنوبی رای بریلی واقع است سطح آن یکهزار و چهارصد و پنجاه و هشت میل
مربع است تعداد نفوس هفتصد و هشتاد و چهار هزار و یکصد و پنجاه و
شش نفر شهر و قصبه معروفه یکی بیله پرتابگره است و دیگری مانکپور

بیان در مجملی از احوال شهر و قصبه‌های واقعه در ممالک

مغربی و شمالی واوده از قرار یکه مفصلاً ذکر شد شهر

دیره دون ~~اغلب درختهای آنجا چای است و چای آنجا بهتر در همه هندوستان~~
مشهور و معروف است قصبه لنڈهوره و منصوری ~~[illegible]~~
~~اغلب حکام~~ انگلیسی برای تغییر آب و هوا این دو موضع میآیند سهارنپور در شهر
یک باغ مشهور و معروفی است که قابل دیدن است موسوم به کمپانی باغ
و از ~~سهارنپور~~ تا قصبه رڑکی که از مضافات آن شهر است بیست و سه میل
~~مسافت~~ قصبه رڑکی که کارخانه‌های عدیده نجار است و علاوه بر آن
یک معلمخانه در آنجا است که مخصوص است برای تعلیم و تعلم علم مهندسی و معماری
هردوار زیارتگاه ~~مخصوص~~ بت پرستان است که در ماه [?] در آنجا میآیند
و جشن مخصوصی ~~در آنجا میگیرند~~ که آنرا بزبان خود گنگا اشنان میگویند
مظفرپور در اینجا چوبی بسیار خوب بعمل میآید که بسیار مشهور و معروف است
میرته در این شهر نیز بت پرستان جشنی برپا مینمایند که آنهم در ماه [?] است
و ده روز طول میکشد و آن جشن را چندی [illegible] میامند در سنه ۱۸۵۷ عیسوی ابتدای
شورش و بلوای [?] از همین شهر بود که بر ضد دولت انگلیس علم بغی بر افراشتند

گکرومکتی شر درین شهر نیز سالی هشت روز جشن و زیارتی از بت پرستان
گرفته و دیده میشود و آن جشن را نیز گنگاشنان مینامند سردهنه یک
کلیسیای بسیار خوبی از بناهای بیگم شمرو است که قابل تماشاست بروت
درین قصبه ظرفهای آهنی بسیار خوب ساخته میشود خورجه درین شهر معامله و بیع
وشرای روغن بسیار میشود و ظروف قلعی بسیار خوب هم درست میکنند علیگر
درین شهر مدرسه مسلمانان بسیار عالی است ناترس درین شهر هر قسم تجارت
و بیع و شری دایر است و از صنایع اینجا چاقوهای بسیار خوب است
نجیب آباد ظروف مفرغی را بسیار خوب میسازند نگینه درین قصبه
شانه های آبنوس و جعبه های قلمدان بسیار خوب میسازند مرادآباد درینجا
ظروف قلعی بسیار خوب ساخته میشود امروهه ظرفهای گلی بسیار خوب
در آنجا ساخته میشود چندوسی درین شهر هر گونه تجارت و بیع و شری بخوبی
میشود ناگروداره چیتهای شهری خوب ساخته میشود که بسیار قابل تعریف
و توصیفات بداون این شهر محل اقامت سید علاء الدین شاه بوده
بامعنی که از سلطنت دهلی دست برداشته و درینجا گوشه عزلت اختیار نموده

سهسوان درینجا گل کیورا که یک گل مخصوصی است و مانند طلع خرما و بید مشک
بسیار معطر است وفور دارد که عرق آنرا میگیرند بریلی درین شهر انواع و اقسام
میزها و کرسیهای بسیار خوب ساخته میشود پیلی بهیت در ناحیه اینجا برنج بسیار
خوب بدست میآید و اغلب سکنه در صنعت نجاری و کارهای چوبی بسیار
مهارت دارند شاهجهانپور صنعتگران اینجا چاقو و مقراضهای بسیار اعلا میسازند
تلهر تیر و کمان بسیار خوب اینجا بدست میآید و در قرب شاهجهانپور قصبه ایست
موسوم به روسه که کارخانه های چند هست که با چرخ و آلات دیگر قند و
شراب درست مینمایند متهرا این شهر محل تولدگاه سری کرشن است که یکی از
اوتار و بزرگان دین طایفه هنود بوده و بفاصله ۲ میل از شهر متهرا قصبه ایست
موسوم به بندرابن درینجا هم یک محلی برای نشستگاه همان سری کرشن مذکور
بنا شده است و یک بتخانه بسیار خوبی که آنرا مندر رنگجی مینامند در آنجاست
که بسیار قابل تماشاست و نیز درهمین قصبه مسجد بسیار عالی از مسلمانان ساخته
شده است که آنرا مسجد نبی جی میگویند هم بسیار قابل تعریف و توصیف است
و در قرب همان قصبه سه قریه معروف و مشهور دیگر هست یکی نندگانو دیگر

گوبردهن و دیگری گوکل است اگره درینشهر حلویات بسیار خوب ساخته
میشود خاصه یک قسم شرینی است که آنرا بالوشاهی میکویند که بطور تحفه بهرجا
فرستاده میشود و اینشهر از جمله شهرهائی است که اغلب پای تخت سلاطین
هندوستان بوده ~~است~~ در کنار رودخانه جمنا واقع ~~است~~ و در اندرون
قلعهٔ ~~اینشهر~~ یک مسجد بسیار عالی خوبی است موسوم به موتی مسجد و بفاصلهٔ قلیلی
از قلعه مقبره تاج محل زوجه شاهجهان شاه است که احوال و اوصاف
آن مقبره در تمام جهان معروف و مشهور است که عمارتی است
که در هیچ مملکتی عدیل و نظیر ندارد و بفاصله ... و در بعد شهر اگره قصبه ایست
موسوم به سکندره که مقبره اکبرشاه در آنجاست فتحپور سیکری چند عمارت
از اکبرشاه و وزیرا و فیضی نام و بیربل تاکنون موجود است بتیسر یک
جشن مخصوص در ایام سال در اینجا گرفته میشود قصبه سورون زیارتگاه بت
پرستان است فرخ آباد محل تجارت و بیع و شرای بسیار خوبی است ظرفهای
برنجی بسیار خوب هم در اینجا ساخته میشود فتحگره ادارات نظمیه و اجزای
حکومتی محوطه آنجا درهمین شهر است خیمه های بسیار خوب و کرباس وغیره را

درینشهر

۷۱

درینشهر بسیار خوب درست میکنند قنوج درین قصبه عطرهای خوب و
کاغذ بسیار اعلا ساخته میشود همین قصبه در ازمنهٔ سالفه تقریبا سی میل مربع آبادی
و عمارت داشت گویند در زمان سلطنت راجه جی چندر در همین شهر فقط سی هزار
باب دکان برگ تنبول فروشی بوده ولیکن حالا پانزده یا شانزده هزار نفر
زیاده جمعیت در آنجا نیست در قرب شهر قنوج قریه ایست موسوم به مکن پور
بت پرستان جشن مخصوصی در آنجا دارند که از اطراف بد آنقریه میایند و یک گنبد
بارگاهی است در آنجا از یکی از مشایخ موسوم به شاه مدار کانپور اینشهر بواسطه کثرت
معاملات و تجارت نسبت بسایر شهرهای ممالک مغربی و شمالی ندارد و بهمه جهة
برتری دارد و اول درجه است از حیثیت معموری و آبادی چرمهای خوب در اینجا
بعمل میاید و کارخانه های چلوار بافی نیز در اینجا متعدد است چون اینشهر مدتهای
مدید معسکر انگلیسها بوده است بانیواسطه این شهر را کمپو هم میکویند بتور یک
جشن مخصوصی از بت پرستان در این شهر برپا میشود که آنرا جشن پونو میکویند
~~و محل زیارتگاه بت پرستان است که آنرا زیارت برهماورت ...~~
~~معتقدند که باجی رئو ... حالیه ... در همین قریه غایب شده است~~

کوڑا جهان آباد

چترکوت

باندہ

کوڑا جهان آباد ظرفهای خوب درینجا ساخته میشود مهوبه درین قصبه

برگ تنبول بسیار میشود که در طعم و عطر مشهور و معروف است چترکوت

این قصبه در طرف جنوبی و شرقی باند بفاصله سی و شش میل واقع است

همانجاست که رام چندر [illegible] ایام معزولی اقامت داشت اله آباد

عمارت دار الحکومه ممالک مغربی و شمالی است در کنار [illegible] رودخانه

گنگا و جمنا بیکدیگر متصل میشود و جشن بسیار بزرگی از طایفه هنود در اینجا

گرفته میشود و به یک ماه متوالی طول آن جشن است و در موضع ملاقی النهرین یک

قلعه سنگی بسیار عالی است از بناهای اکبر شاه کرّی قصبه ایست که علاء الدین

خلجی عموی خود را در آنجا بقتل رسانیده [illegible] در ایام سلطنت مسلمانان

این قصبه بسیار با رونق و شکوه بوده است لیکن حالا مانند سابق نیست

جونپور درینجا برروی رودخانه گومتی یک پل عظیمی کشیده شده که بسیار

قابل دیدن است و عطریات و سایر [illegible] مانند گنجفه و غیره درین شهر

بسیار است میرزاپور درینجا ظرفهای برنجی میسازند و ازینجا بطرف وسط هند

حمل و نقل میشود و یک بتخانه بسیار بزرگی در قرب این شهر است که بندیاباسنی دیبی

چنارگره

گویند در سمت جنوبی مرزاپور بفاصله نوزده میل قصبه ایست موسوم به چنارگره

درین قصبه یک گنبد بارگاهی است از یکی از مشایخ آنجا موسوم به شیخ سلیمان و یک

قلعه بسیار عالی دارد که نهایت معروف و مشهور است درین قصبه ظروف گلی

بسیار خوب میسازند و سنگهائی که برای ساختن عمارت بکار است از زمین آنجا

بیرون میآید بنارس یا کاشی در کنار رودخانه گنگا واقع شده معبد و زیارتگاه

بت پرستان است و خانه سنسکرت ودیا [illegible] شهر بنارس است که [illegible]

از جمله پیشوایان هنود بوده است و اکنون آنجا محل پرستش بت پرستان شده

در ایام سال چند نوبت از اطراف جمعیت بآنجا میآیند و جشن عظیمی میشود و علاوه

بر آن بتخانه های معظم چند در آن شهر است از آنجمله بتخانه ایست که آنرا بشیشر ناتهه

مهادیو گویند و دیگر بتخانه عجیبی است موسوم به مان مندر که راجه جی سنگه سوائی

بنا کرده است اشکال جمیع نجوم را در آن بتخانه نقش کرده است تا هر ستاره را

باسانی بتوانند شناخت رام نگر قصبه ایست که محل اقامتگاه مهاراجه بنارس است

تاکنون در آنجا باقی است غازی پور درین شهر گلاب و عطر گل بسیار خوب ساخته

میشود و یک کارخانه بسیار بزرگ تریاک [illegible] در این شهر هست لرد کارنوالس که یکی

از قرماتقرماهای هندوستان بوده است در همین شهر از دنیا رحلت کرده و برای
یادگاری او یک منار بسیار مرتفعی که یک لک روپیه برای ساختن آن بمصرف
رسیده است در آنجا ساخته اند اعظم گره در محوطه این شهر هر قبیل پارچه را بسیار خوب
بعمل میآورند گورکهپور در این شهر بتخانه گرو گورکهه ناتهه است و در یک عهدی در اینجا
ضرابخانه نیز بوده چندیری و این شهریست بسیار عظیم الشان در ازمنه سلف بسیار
با رونق و شکوه بود چنانکه در ایام سلطنت اکبرشاه هزار و دویست مسجد
و سیصد و شصت باب مسافرخانه و سیصد و هشتاد و چهار بازار نامی داشت
لیکن حال از آن آبادی بهانشانی نیست نینی تال بسیار خوش آب و هواست
حکام انگلیس برای تغییر آب و هوا بمحالات اینجا میآیند و بفاصله سی میل قصبه ایست
موسوم به رانی کهیت افواج لندنی در آنجا ساکنند در حوالی ضلع گدوال دو بتخانه
مشهور و معروفی از بت پرستان است یکی موسوم به بدری ناتهه و دیگر کیدارناتهه لکهنو
اینشهر در زمان سلطنت اسلام دار الخلافه هندوستان بوده است حسینیه
آصف الدوله ساخته است که تاکنون باقی است و قابل تماشاست
لاهرپور قصبه ایست که خزانه دار اکبرشاه در اینجا بوجود آمده است و اسمش

گورکهپور

رانکهیت

گنگاهوال

راجه

راجه تودرمل بوده است فیض آباد سابق براین محل حکومتی مملکت
اووده بوده اجودهیا از شهرهای قدیم هندوستان است محل سلطنت راجه
رام چندر در اینجا بوده است علامت و آثار بناهای قدیمه در اینجا هست
که دلالت میکند بر عظمت شان قدیم آنجا برایچ گنبد مزارگاه مسعود غازی

بیان در احوال ممالک متعلقه بحکومت بنگاله

مملکت بنگاله نیز محدود است بحدود اربعه ذیل - از سمت شمال بسرحد
نیپال و کوه سکم منتهی میشود - حد شرقی آن بملک آسام - حد
جنوبی بخلیج بنگاله و ایالت مدرس - و حد غربی بممالک متوسط و ایالت
و دیگر بممالک مغربی و شمالی و اووده متصل میشود - ممالک اربعه بنگاله و
بهار و اوریسه و ناگپور کوچک در تحت حکومت بنگاله واقع است
این قطعه زمین یعنی مملکت بنگاله از تمام اراضی مملکت هندوستان
آبادتر و پرفایده تر است خاصه ناحیه ناگپور کوچک که اغلب اراضیش هموار
و مسطح است و آبهای شیرین بسیار دارد و زراعت گندم بسیار میشود در این مملکت
مسلمانان نسبت به بت پرستان قریب یک ثلث هستند حکمرانی مملکت

بنگاله در تحت حکومت یک نایب الحکومه بود قبل از ۱۸۵۳ عیسوی مملکت
بنگاله در تحت حکومت فرمانفرمای هندوستان بود حال بیکنفر نایب
الحکومه سپرده شده است این مملکت منقسم بنه قسمت و چهل و چهار ناحیه است

و هر قسمتی دارای چند شهر و قصبه است از قرار تفصیل ذیل

بیان در قسمت اول مملکت بنگاله

اول قسمت بردوان این قسمت مشتمل بر پنج محوطه است اول محوطه هوگلی و
هورا همحوطه در سمت شرقی رودخانه هوگلی واقع است و تمام سطح آن
هوڑا
یکهزار و چهارصد و شصت و هشت میل مربع است تعداد نفوس سکنه آن محوطه
چهارده لک و هشتاد و هشت هزار و پانصد و پنجاه و شش نفر میباشد که (بحساب
ایران دو کرور و چهارصد و هشتاد و هشت هزار و پانصد و پنجاه و شش نفر میشود)
شهر و قصبه‌های مشهوره متعلقه باین محوطه یکی شهر هوگلی است و یکی شهر هورا
و قصبه چنپرا و چندرنگر که در تصرف دولت فرانسه است و یکی قصبه
سیرامپور است دوم محوطه بردوان همحوطه در سمت شمالی هوگلی و بردوان
واقع است سطح آن سه هزار و چهارصد و پنجاه و پنج میل مربع است تعداد نفوس

سکنه

سکنه بیست لک و سی و چهار هزار و هفتصد و چهل و پنج نفر است که (بحساب
ایران چهار کرور و سی و چهار هزار و هفتصد و چهل و پنج نفر میشود) شهر و قصبه‌های
مشهوره متعلقه باین محوطه یکی شهر بردوان و قصبه کلنا و یکی کنوا و دیگری
رانی گنج است سوم محوطه بیربوم همحوطه در طرف شمالی بردوان واقعست
بیربهم
سطح آن یکهزار و سیصد و چهل و چهار میل مربع است تعداد نفوس سکنه
ششصد و نود و پنجهزار و نهصد و بیست و یکنفر شهر و قصبه‌های معروفه یکی
بیربوم که آنرا سیوری نیز میگویند و یکی ناگور و دیگر الیم بازار و یکی محمود
بازار است چهارم محوطه بانکورا همحوطه در طرف جنوبی بیربوم واقع است
بانکوڑا
سطح آن یکهزار و چهارصد و بیست و دو میل مربع است تعداد نفوس سکنه
پانصد و بیست و ششهزار و هفتصد و هفتاد و دو نفر شهر و قصبه معروفه اینجا
یکی بانکورا و دیگری بشن پور است پنجم محوطه مدناپور همحوطه در سمت جنوبی
بانکورا واقع است سطح آن پنجهزار و هشتاد و سه میل مربع است تعداد
نفوس سکنه بیست و پنج لک و چهل و پنجهزار و یکصد و هفتاد و نه نفر است
که (بحساب ایران پنج کرور و چهل و پنجهزار و یکصد و هفتاد و نه نفر میشود) شهر

وقصبه های مشهوره متعلقه باین محوطه یکی مدناپور که مدنی پور نیز گویند و یکی تملوک

که تامرلپت نیز خوانند

بیان در قسمت دوم مملکت بنگاله

این قسمت را ندیا گویند و مشتمل بر پنج محوطه است اول محوطه کلکته سطح آن
هشت میل مربع است تعداد نفوس سکنه چهارصد و بیست و نه هزار و پانصد و
سی و پنج نفر است و شهر آن منحصر است بشهره کلکته دوم محوطه چوبیس پرگنه (که
بفارسی بیست و چهار بلوک میشود) این محوطه در سمت شرقی هوگلی واقع است سطح آن
دو هزار و هفتصد و هشتاد و هشت میل مربع است تعداد نفوس سکنه بیست و دو
لک و ده هزار و چهل و هفت نفر است که بحساب ایران (چهار کرور و دویست و
ده هزار و چهل و هفت نفر میشود) شهر و قصبه های معروفه این محوطه یکی علی پور و بارکپور
و دیگر بارا است سوم محوطه ندیا این محوطه در سمت شمالی چوبیس پرگنه واقع است
سطح آن سه هزار و چهارصد و بیست و یک میل مربع است تعداد نفوس سکنه
هجده لک و دوازده هزار و هفتصد و نود و پنج نفر است که بحساب ایران (سه کرور و
سیصد و دوازده هزار و هفتصد و نود و پنج نفر میشود) شهر و قصبه های مشهوره این محوطه

یکی

یکی کشن نگر و یکی ندیا و یکی پلاسی است چهارم محوطه جسر این محوطه در سمت
شرقی ندیا واقع است سطح آن سه هزار و ششصد و پنجاه و هشت میل مربع است
تعداد نفوس سکنه بیست لک و هفتاد و چهار هزار و بیست و یک نفر است که بحساب
ایران (چهار کرور و هفتاد و چهار هزار و بیست و یک نفر میشود) شهر و قصبه مواضع مشهوره
اینجا منحصر بهمان جسر است پنجم محوطه مرشدآباد این محوطه در طرف شمالی ندیا
واقع است سطح آن دو هزار و چهارصد و شصت و دو میل مربع است تعداد
نفوس سکنه سیزده لک و پنجاه و سه هزار و ششصد و بیست و شش نفر است
که بحساب ایران دو کرور و سیصد و پنجاه و سه هزار و ششصد و بیست و شش
نفر میشود) شهر و قصبه های مشهوره این محوطه یکی بهرامپور و یکی مرشدآباد و دیگر قاسم بازار است

بیان در قسمت سیم مملکت بنگاله

این قسمت را راجشاهی و کوچ بهار نیز گویند و مشتمل بر هفت محوطه است اول
محوطه پبنا این محوطه در سمت شمالی جسر واقع است سطح آن هزار و نهصد و هفتاد و
هشت میل مربع است تعداد نفوس سکنه دوازده لک و یازده هزار و پانصد
و نود و چهار نفر است که بحساب ایران (دو کرور و دویست و یازده هزار و پانصد

و نود و چهار نفر میشود) شهر و قصبه های مشهوره اینجا یکی پبنا و یکی سراج گنج است
دوم محوطه راجشاهی این محوطه در طرف شمالی و غربی پبنا واقع است سطح آن
دو هزار و دویست و سی و چهار میل مربع است تعداد نفوس سکنه سیزده
لک و ده هزار و هفتصد و بیست و نه نفر است که بحساب ایران (دو کرور و
سیصد و ده هزار و هفتصد و بیست و نه نفر میشود) شهر و قصبه های مشهوره اینجا یکی
رامپور و یکی گولیا و دیگر نایتر است سوم محوطه بگرا این محوطه در سمت شمالی
و شرقی راجشاهی واقع است و یکهزار و پانصد و یک میل مربع سطح آنست تعداد
نفوس سکنه ششصد و هشتاد و نه هزار و چهارصد و شصت و هفت نفر است بلا موضع
مشهور آن همان شهر بگرا است چهارم محوطه رنگپور این محوطه در سمت شمالی بگرا
واقع است و سه هزار و چهارصد و هفتاد و شش میل مربع سطح آن میباشد تعداد
نفوس سکنه بیست و یک لک و چهل و نه هزار و نهصد و هفتاد و دو نفر است
که بحساب ایران (چهار کرور و یکصد و چهل و نه هزار و نهصد و هفتاد و دو نفر میشود)
شهر مشهور این محوطه منحصر بهمان رنگپور است پنجم محوطه دیناجپور در سمت غربی
رنگپور واقع است و چهار هزار و یکصد و بیست و شش میل سطح آن است

نایتر — بگرا

تعداد

تعداد نفوس سکنه پانزده لک و یکهزار و نهصد و سی و چهار نفر است که
بحساب ایران (سه کرور و یکهزار و نهصد و سی و چهار نفر میشود) شهر مشهوره
آن همان دیناجپور است ششم محوطه دارجیلنگ این محوطه در سمت جنوبی ملک
سکم واقع است سطح آن یکهزار و دویست و سی و چهار میل مربع است
تعداد نفوس اینجا نود و چهار هزار و هفتصد و دوازده نفر است شهر
مشهور اینجا دارجیلنگ است هفتم محوطه جلپائی گوری این محوطه در سمت جنوبی شرقی
دارجیلنگ واقع است و دو هزار و نهصد و شش میل مربع سطح آن است
تعداد نفوس اینجا چهارصد و هجده هزار و ششصد و شصت و پنج نفر است شهر
مشهوره این احاطه همان شهر جلپائی گوری است

بیان در قسمت چهارم مملکت بنگاله

این قسمت را داکه گویند و مشتمل بر پنج محوطه است اول محوطه باقرگنج
این محوطه در سمت جنوبی و شرقی جسر واقع است سطح آن سه هزار و ششصد و
چهل و هشت میل مربع است تعداد نفوس سکنه هجده لک و هشتاد
و هشت هزار و یکصد و چهل و چهار نفر است که بحساب ایران (سه کرور و

ڈہاکہ

سیصد و هشتاد و هشت هزار و یکصد و چهل و چهار نفر میشود از بلاد مشهوره
در این محوطه یکی بارنیسال و یکی باقرگنج است دوم محوطه فریدپور این محوطه
در طرف شمالی باقرگنج واقع است سطح آن دو هزار و دویست و چهل و
نه میل مربع است تعداد نفوس سکنه پانزده لک و یازده هزار و هشتصد
و هشتاد و هشت نفر است که بحساب ایران (سه کرور و یازده هزار و هشتصد و
هشتاد و هشت نفر میشود) از بلاد مشهوره متعلقه باین محوطه یکی فریدپور و دیگر
گلندو است سیم محوطه داکه این محوطه در سمت شرقی فریدپور واقع است
سطح آن دو هزار و هفتصد و نود و شش میل مربع است تعداد نفوس
سکنه هجده لک و پنجاه و دو هزار و نهصد و نود و سه نفر که بحساب
ایران (سه کرور و سیصد و پنجاه و دو هزار و نهصد و نود و سه نفر میشود)
از بلاد مشهوره متعلقه باین محوطه یکی داکه که آنرا جهانگیرنگر نیز میگویند و یکی
نراین گنج است چهارم محوطه میمن سنگه این محوطه در طرف شمالی داکا
واقع است سطح آن ششهزار و دویست و نود و نه میل مربع است
تعداد نفوس سکنه بیست و سه لک و چهل و نه هزار و نهصد و هفده نفر

ڈھاکہ گلنڈو

که بحساب ایران (چهار کرور و سیصد و چهل و نه هزار و نهصد و هفده
نفر میشود) از بلاد مشهوره این محوطه همان میمن سنگه است پنجم محوطه
تزپورا این محوطه در سمت شرقی داکه واقع است سطح آن دو هزار و چهار صد
و شصت میل مربع است تعداد نفوس سکنه پانزده لک و سی و سه هزار
و نهصد و سی و یک نفر است که بحساب ایران (سه کرور و سی و سه هزار و
نهصد و سی و یک نفر میشود) از بلاد مشهوره این محوطه یکی تزپورا میباشد
که آنرا کومیلا نیز مینامند

بیان در قسمت پنجم مملکت بنگاله

و این قسمت را چات گانو مینامند و مشتمل بر سه محوطه است اول محوطه
نادکولی این محوطه در سمت شرقی باقرگنج واقع است سطح آن هزار و هشتصد و
پنجاه و دو میل مربع است تعداد نفوس سکنه هشتصد و سیزده هزار و نهصد و
سی و چهار نفر است از بلاد مشهوره این محوطه یکی نادکولی و یکی بلوا است
دوم محوطه چات گانو این محوطه در سمت شرقی خلیج بنگاله واقع است و کنارهٔ
دریا منتهی میشود سطح آن دو هزار و سیصد و بیست و دو میل مربع است

تزپوڑا

بلوا

تعداد نفوس یازده لک و بیست و هشتهزار و چهارصد و دو نفر است
که بحساب ایران (دو کرور و یکصد و بیست و هشتهزار و چهارصد و دو نفر میشود)
شهر مشهور این محوطه همان چات گانو است که آنرا اسلام آباد نیز مینامند
سیم محوطه کوهستان این محوطه در سمت شمالی چات گانو واقع است سطح آن
پنجهزار و پانصد و شصت و یک میل مربع است تعداد نفوس سکنه شصت و
نه هزار و ششصد و هفت نفر (بلاد مشهوره) اینجا شهر رنگا ماتی است

چاٹ گانو

رنگاماٹی

بیان در قسمت ششم مملکت بنگاله

این قسمت را بهاگلپور گویند و مشتمل است بر پنج محوطه اول محوطه مالده
این محوطه در طرف جنوبی و غربی دیناجپور واقع است یکهزار و هشتصد و
سیزده میل مربع سطح آنست تعداد نفوس سکنه ششصد و هفتاد و
ششهزار و چهارصد و بیست و شش نفر از بلاد مشهوره این محوطه یکی مالده
و یکی گور است دوم محوطه پرنیا این محوطه در سمت شمالی و غربی
دیناجپور واقع است چهار هزار و نهصد و پنجاه و هفت میل مربع سطح
آنست تعداد نفوس سکنه هفده لک و چهارده هزار و هفتصد و نود و

گوڑ

پنجنفر

پنجنفر است که بحساب ایران (سه کرور و دویست و چهارده هزار و هفتصد
و نود و پنجنفر میشود) شهر مشهور اینجا همان شهر پرنیا است سوم محوطه بهاگلپور
این محوطه در سمت جنوبی پرنیا واقع است سطح آن چهار هزار و دویست
و شصت و هشت میل مربع است تعداد نفوس سکنه هجده لک و بیست
و ششهزار و دویست و نود نفر است که بحساب ایران (سه کرور و سیصد و
بیست و ششهزار و دویست و نود نفر میشود) شهر مشهور اینجا همان بهاگلپور است
چهارم محوطه مونگیر این محوطه در سمت غربی بهاگلپور واقع است و سطح آن
سه هزار و نهصد و بیست و دو میل مربع است تعداد نفوس سکنه هجده
لک و دوازده هزار و نهصد و هشتاد و شش نفر است که بحساب ایران
سه کرور و سیصد و دوازده هزار و نهصد و هشتاد و شش نفر میشود) بلاد
مشهوره این محوطه مونگیر و جالپور و لکی سرای میباشد پنجم محوطه
پرگنه سنتلیا که سنتل نیز گویند این محوطه مابین محوطه بهاگلپور و بیربوم
واقع است سطح آن پنجهزار و چهارصد و هشتاد و هشت میل مربع است
تعداد نفوس سکنه دوازده لک و پنجاه و نه هزار و ششصد (دویست) و هشتاد

لکھی سرای

بیربھوم

وهشت نفر است که بحساب ایران (دو کرور و دویست و پنجاه و نه هزار و
ششصد و هشتاد و هشت نفر میشود) از بلاد مشهوره آنجا یکی دمکا و یکی راجمحل است

ڈمکا

بیان در قسمت هشتم مملکت بنگاله

و این قسمت را پتنه گویند و مشتمل است بر هشت محوطه اول محوطه گیا
که در جانب غربی مونگیر واقع است و چهار هزار و هفتصد و شانزده
میل مربع سطح آنست و نوزده لک و چهل و نه هزار و هفتصد و پنجاه نفر
جمعیت دارد که بحساب ایران (سه کرور و چهارصد و چهل و نه هزار و هفتصد و
پنجاه نفر میشود) مواضع مشهوره این محوطه یکی شهر گیا است و یکی شیرگاتی و
دیگری بهار است دوم محوطه پتنه است که در طرف شمالی و غربی
مونگیر واقع شده و دو هزار و یکصد و یک میل مربع سطح آن است تعداد
سکنهٔ آنجا پانزده لک و پنجاه و نه هزار و ششصد و سی و هشت نفر است
که بحساب ایران (سه کرور و پنجاه و نه هزار و ششصد و سی و هشت نفر میشود)
مواضع مشهوره آن یکی شهر پتنه و یکی قصبه بانگی پور و دانا پور است
سوم محوطه شاه آباد که در سمت غربی پتنه واقع شده است طول آن

پٹنه

شیرگهاتی

چهار

چهار هزار و سیصد و هشتاد و پنج میل مربع است تعداد نفوس سکنه هفده
لک و بیست و سه هزار و نهصد و هشتاد و چهار نفر است که بحساب ایران
(سه کرور و دویست و بیست و سه هزار و نهصد و هشتاد و چهار نفر میشود) مواضع
مشهوره این محوطه یکی شهر شاه آباد است که آنرا آرا نیز گویند و بکسر و یکی قصبه
سسرام است چهارم محوطه سارن که در سمت شمالی شاه آباد واقع است
و سه هزار و ششصد و پنجاه و چهار میل مربع سطح آن است تعداد سکنهٔ آنجا بیست
لک و شصت و سه هزار و هشتصد و شصت نفر است که بحساب ایران (چهار
کرور و شصت و سه هزار و هشتصد و شصت نفر میشود) از مواضع مشهوره اینجا
یکی شهر چپرا است که آنرا سارن نیز میگویند پنجم محوطه چمپارن که در سمت شمالی
سارن واقع است سطح آن سه هزار و پانصد و سی و یک میل مربع است تعداد
نفوس آنجا چهارده لک و چهل هزار و ششصد و پانزده نفر است که بحساب
ایران (دو کرور و چهارصد و چهل هزار و ششصد و پانزده نفر میشود) مواضع
مشهوره یکی شهر موتی هاری و یکی بتیا است ششم محوطه مظفرپور که در سمت شمالی
پتنه واقع است و سه هزار و سیصد و سی و پنج میل مربع سطح آن است.

سهسرام

چهپرا

بیست و یک لک و هشتاد و هشت هزار و سیصد و هشتاد و دو نفر جمعیت دارد
که بحساب ایران (چهار کرور و یکصد و هشتاد و هشت هزار و سیصد و هشتاد و
دو نفر میشود) مواضع مشهوره اینجا یکی شهر مظفرپور و یکی قصبه حاجی پور و
سونپور است هفتم محوطه دربنگه که در جانب شرقی مظفرپور واقع است
سطح آن سه هزار و چهار میل مربع است تعداد نفوس آن بیست و یک
لک و نود و شش هزار و سیصد و بیست و چهار نفر است که بحساب ایران
(چهار کرور و یکصد و نود و شش هزار و سیصد و بیست و چهار نفر میشود) مواضع
مشهوره آن همان شهر دربنگه است

دربهنگا

بیان در قسمت هشتم مملکت بنگاله

و آنرا قسمت اوریسه مینامند این قسمت هم مشتمل بر سه محوطه است اول
محوطه بالاسور که در سمت جنوبی مدناپور واقع شده است سه هزار و شصت
و هشت میل مربع سطح آن است و هفتاد و هزار و دویست و سی و دو نفر
سکنه آنجاست مواضع مشهوره این محوطه همان شهر بالاسور است که آنرا
بلیشر هم میگویند دوم محوطه کتک در سمت جنوبی بالاسور واقع است

کتک

سطح

سطح آن چهار هزار و پانصد و سیزده میل مربع است تعداد نفوس شانزده لک
و بیست و دو هزار و پانصد و هشتاد و چهار نفر که بحساب ایران (سه کرور و
بجز معروف محوطه مذکور منحصر
یکصد و بیست و دو هزار و پانصد و هشتاد و چهار نفر میشود) در این محوطه سوای شهر
کتک جای معروفی نیست سوم محوطه پوری که در طرف جنوبی کتک واقع
شده و دو هزار و چهارصد و هفتاد و دو میل سطح آن جا است و هفتصد و شصت و
نه هزار و ششصد و هفتاد و چهار نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آن همان
شهر پوری است که جگناته نیز گویند

کتک

بیان در قسمت نهم مملکت بنگاله

این قسمت را چوتاناگپور مینامند و مشتمل بر چهار محوطه است اول محوطه هزاری باغ
که در سمت جنوبی محوطه گیا واقع است هفت هزار و بیست و یک میل مربع سطح آنست
تعداد نفوس آنجا هفتصد و هفتاد و یک هزار و هشتصد و هفتاد و پنج نفر است
مواضع مشهوره آنجا همان شهر هزاری باغ است دوم محوطه لوهاردگا که به
هزاری باغ اتصال دارد دوازده هزار و چهل و چهار میل مربع سطح آن است
تعداد نفوس دوازده لک و سی و هشت هزار و یکصد و بیست و سه نفر است

که بحساب ایران (دو کرور و دویست و سی و هشت هزار و یکصد و بیست و سه نفر) می‌شود

مواضع مشهوره آن یکی شهر **انجی** است و یکی قصبه **پالامتو** سوم محوطه **مانبوم**

که در سمت جنوبی **لوهاردگا** واقع است سطح آن چهار هزار و نهصد و بیست و یک میل مربع است تعداد نفوسش نهصد و نود و پنج هزار و پانصد و هفتاد نفر است

از مواضع مشهوره آن شهر **پرولیا** است چهارم محوطه **سنگه بوم** که در سمت شرقی **مانبوم** واقع است سطح آن پنج هزار و ششصد و نود و هشت میل مربع است

تعداد نفوسش سیصد و هجده هزار و یکصد و هشتاد نفر است مواضع مشهوره این محاطه شهر **چیباسا** است

ماب هوم ۱

سنگه بهوم ۲

بیان و مجملی از احوال بلاد مشهوره این قسمت بنگاله

در ازمنه سالفه یعنی قبل از اینکه بندر **کلکته** آباد شود انگلیسها یک محل تجارتی معظمی در **هوگلی** داشتند و اکنون هم مانند **کلکته** در بازار که قریب **هوگلی** است

یک **هشتاسون** بزرگی ساخته شده است در ... **هوگلی** هم یک باغ بیار

با صفایی است که آنرا **کمپانی باغ** میگویند و نیز در قرب **هوگلی** یک قصبه است

موسوم به **چنسرا** که سابق براین آن قصبه در تحت حکومت **هلاند** بود در طرف

خبر

21

جنوبی **چنسرا** شهر **چندرنگر** است که اکنون در تصرف دولت فرانسه است .

ایضا در سمت جنوبی آن شهر **چندرنگر** شهر **سری رامپور** است که چندی در تصرف دولت

دانمارک بود **بردوان** شهری است بسیار با صفا و بارونق و ...

جنوبی ... قصبه **کلنا** و **کتوا**

که هر دو در کنار رودخانه **بهاگیرتی** واقع شده محل تجارت و سوداگری است

که مصنوعات بسیار در آنجا داد و ستد میشود **رانی گنج** ... معادن زغال

... قصبه **ایلم بازار** ... **محمود بازار**

... محوطه **بیربوم** یک قصبه است موسوم

به **بیجناته** که بتخانه **مهادیو** که بت بزرگ ... در شهر **بانکورا**

پارچه های ابریشمی بسیار خوب بافته میشود در محوطه **مدناپور** قصبه است معروف

و مشهور موسوم به **تملوک** در ازمنه سالفه بسیار معمور و آباد و محل بیع و شرای

تجار بوده **کلکته** در کنار رودخانه **هوگلی** واقع شده دار الحکومه **بنگاله** و

دار السلطنه تمام هندوستان است در قسمت جنوبی شهر **کلکته** شهری است

از انگلیسها که آنجا را **چورنگی** مینامند ...

بهاگیرتی ۱

بیربوم ۲

بهار کهنه ۳

ده کرور تومان است

فورت ولیم که دولت انگلیس برای ساختن آن قلعه دو کرور روپیه که ده کرور تومان

از قبیل عمارات انگلیسی

تومان مصرف نموده است و در همین جا است دار الحکومه و محکمه بزرگ

عدلیه و عجایبخانه دولتی و مدارس حکومتی و ضرابخانه و پستخانه و غیره و از

محله الیت

عمارات مشهوره معروفه شهر کلکته میباشد کلیسای نصاری است و اینکه این قسمت را

جزو کلکته است شهر انگلیسها گفته اند بواسطه عمارات عالیه متعدده ایست که

در آنجا ساخته شده است در طرف جنوبی قلعه فورت ولیم بفاصله چهار میل

قصبه علی پور است آن قصبه محل اقامت نایب الحکومه است که بر تمام

بنگاله حکومت دارد و در طرف شمال آنجا بفاصله شانزده میل قصبه بارکپور است

یک لشکرگاه بزرگی از انگلیسها در آنجا است و یک عمارت عالی خوبی هم برای

فرمانفرمایان هندوستان در آنجا ساخته شده است که گاهگاهی برای تفریح

بدانجا میروند و کشن نگر که در محوطه ندیا واقع است شهریست بسیار معمور

و آباد و دار الحکومه این ناحیه میباشد از صنایع اهالی آنجا پارچه های ململ بسیار خوب بافته میشود

محوطه ندیا در کنار رودخانه بهاگیرتی آباد شده است و سابق بر این شهر

بسیار معمور و بزرگی بود پایتخت بنگاله در زمان [?] و تا قبل از سنه ۱۲۰۳ عیسوی علمای سنسکرت در آنجا بسیار

بوده

رواج داشت و علما و حکمای آن شهر امتیاز مخصوص داشتند خاصه در علم منطق اشتیاق تامی داشتند

بوده و پایتخت بنگاله نیز در همانجا شهر قرار یافته بود و در کنار همین

رودخانه قصبه پلاسی است و در آنجا کلایو نام از سرداران انگلیس سراج الدوله نواب ناظم

بنگاله را شکست داده و مملکت بنگاله را انگلیسها متصرف شدند.

بهرامپور که مرکز حکومتی محوطه مرشدآباد است و در کنار رودخانه بهاگیرتی

واقع و بفاصله شش میل در سمت شمالی بهرامپور شهر مرشدآباد میباشد

که مدتهای مدید دار الحکومه نواب ناظم بنگاله بود و اکنون هم که آن نواب یکه جانشین

[illegible] مواجب خور دولت انگلیس است و سالی پانزده لک روپیه

از دولت [illegible] بطور مدد معاش بمشار الیه میرسد و در همین جا اقامت

دارد و قریب به مرشدآباد قصبه ایست موسوم به قاسم بازار یکوقتی پارچه های

ابریشمی آنجا مشهور هندوستان بود و در محوطه پبنا قصبه سراج گنج از

مواضع مشهوره است [illegible] تجارت علف کتان در آنجا بسیار میشود رامپور بولیا

مرکز حکومتی محوطه راجشاهی [illegible] شهر بسیار بزرگیست [illegible]

شهر دارجیلنگ جائی است بسیار خوش آب و هوا که غالب حکام بنگاله

برای تبدیل آب و هوا و صحت مزاج بدانجا میروند شهر باقرگنج محل

ڈهاکه

تجارت برنج است چه در آن اطراف شلتوک بسیار زراعت میشود شهر
داکه که آنرا جهانگیرنگر نیز مینامند بفاصلهٔ یکصد و هشتاد و هفت میل
در گوشهٔ شمالی و شرقی کلکته واقع و شهر بزرگ بسیار عالی است
مدت زمانی از شهرهای تخت مملکت بنگاله بود و پارچه های ململ این شهر عدیل
و نظیر ندارد و بفاصلهٔ شش میل از شهر قصبهٔ نراین گنج است و در این قصبه
بیع و شرای نمک میشود و یک تجارت مخصوص از نمک در اینجا دایر است
در کنار رودخانهٔ میگنا یک آبادیست موسوم به سونارگانو که از شهرهای
معمورهٔ قدیمهٔ مملکت بوده لیکن حال از انقلاب زمانه مانند
دهکده گردیده است چاتگانو یک بندرگاه معتبری است از اینجا چوب
و برنج حمل جهازات شده و بجاهای دیگر میبرند مالده شهر بسیار خوبی است
پارچه های ابریشمی بسیار خوب در اینجا بافته میشود و انبهٔ این شهر بسیار
ممتاز است و بفاصلهٔ نه میل در سمت جنوبی مالده شهر خرابه ایست که
موسوم به گورکا اکنون ویران افتاده در زمان عهد سلطنت ... این شهر
یک شهر عظیمی بوده است در کنار رودخانهٔ گنگا تا بفاصلهٔ پانزده میل

پتنه

٤٦

گنبد شکسته ... چنانکه تا کنون هم بقدر بیست میل مربع آثار عمارات
قدیمه در آنجا بنظر میآید بهاگلپور در طرف یمین رودخانهٔ گنگا شهریست بسیار معمور و آباد و شهر مونگیر
در سمت دست چپ رودخانهٔ گنگا واقع است و از جملهٔ شهرهای قدیمهٔ
هندوستان است در اینجا اسلحه های خوب مانند تفنگ و پشتاب
وغیره بسیار خوب میسازند جبالپور ابتدای جادهٔ راه آهن موسوم به ایست
اندین ریلوی در اینجاست راج محل در قدیم الایام دار الحکومهٔ نوابهای
بنگاله بوده است و شوهر اول نورجهان موسوم به شیر افکن خان بایمای
جهانگیر شاه در همین شهر کشته شد در سمت جنوبی شهر پتنه بفاصلهٔ
پنجاه و هفت میل شهر گیا واقع است این شهر زیارتگاه بت پرستان است
و بفاصلهٔ چهل میل در سمت شمالی و شرقی گیا شهر بهار است
که از عهد سلطنت مسلمانان بمحوطهٔ بهار موسوم شده است پتنه یا عظیم آباد
شهریست بسیار معمور و آباد در کنار رودخانهٔ گنگا تا بفاصلهٔ چند میل
آبادی دارد و سابق براین دار الحکومهٔ محوطهٔ بهار بوده دانا پور
در سمت غربی شهر پتنه بفاصلهٔ ده میل واقع است و یکی از معسکرهای

و نسبت معموری و آبادی ناحیه بهار و ...
تصور نباید کرد

انگلیسها است مرکز ضلع شاه آباد شهر آرا میباشد که دار الحکومه همان

ضلع است در طرف غربی آرا قصبه بکسر است از هر قسم غله و حبوبات

در اینجا وفور دارد و در سمت جنوبی بکسر بفاصله سی و چهار میل قصبه

سسرام است مقبره شیرشاه درین قصبه است شهر چهپرا و مظفرپور

و دربنگه از شهرهای مشهوره است که در کوهستان آباد شده است

در محوطه چنپارن در موضعیکه رود خانه گاگره برود خانه گنگا متصل

میشود یکدرختی است که از بسیاری عظمت و بزرگی در وسط النهار تا چهار صد

ذرع راه را سایه می افکند در محوطه مظفرپور قصبه ایست موسوم به سونپور

بت پرستان در ایام سال یک جشن بزرگی در انجا میگیرند بالاسور

بفاصله هشت میل در بُعد دریا واقع شده است در اینجا ظروف جام

و صندوقچه های آبنوسی را بسیار خوب میسازند و برنج هم از اینجا بخارج

بسیار میرود شهر پوری در سمت جنوبی و غربی کلکته بفاصله دویست

و پنجاه میل واقع است شهر زیارتگاه بت پرستان است و بتخانه

جگناته جی درهمین شهر است و ارتفاع این بتخانه دویست و بیست و

پنج ذرع است و همینقدر هم عرض دارد و در سمت شمالی و شرقی شهر

پوری بفاصله نوزده میل قصبه ایست موسوم به کنارک در انجا هم بتخانه

بسیار عجیب و غریبی است از بت پرستان شهر کتک که در کنار رود خانه

مهاندی واقع است شهر بسیار بزرگیست و تمام محوطه اوریسه از این شهر بهتر

و معمورتری ندارد و در ناحیه چوتاناگپور بهتر از محوطه هزاری باغ ندارد

بسیار خوش آب و هوا است اکثر سرداران و صاحبمنصبان انگلیس برای

صحت مزاج و تفریح دماغ بانجا میروند بسیار با صفا و با روح است

بیان در تقسیم ممالک متعلقه بحکومت آسام

محوطه حکومتی آسام محدود بحدود اربعه ذیل است حد شمالی بکوهستان

بوتان منتهی میشود و حد جنوبی و شرقی آن بممالک بیرما و منی پور

متصل میشود و حد غربی آن بحکومت بنگاله و کوچ بهار میرسد این مملکت

از دو جانب رود خانه برهم پتر بسرحدات چین میرسد مملکت آسام

اغلب جنگل و کوهستان است از طوائف جنگلی در مملکت بسیار

ساکنند که هر طایفه یک باسم مخصوصی دارند از انجمله طایفه دفلا و میری

و مُنْشِمی و ناگا و کوکی و لوشائی و غیره دهات عدیده از این فرق

مذکوره در این محوطه بسیار است در مملکت هیچ محله و انهار بسیار است و

هیچ ناحیه از هندوستان مانند آسام آب ندارد چهل و یک رود خانه

از وسط این محوطه میگذرد که هیچ وقت از ایام سال نقصی در مجرای آنها هم

نمیرسد آب و هوای عمومی این ناحیه بهتر و سالمتر از مملکت بنگاله است

بارندگی اینجا از ماه مارس است الی اواخر ماه اکتبر از سمت شمال و

مشرق نه ماه متوالی باد میوزد از جمله زراعتهای مشهوره این محوطه یکی

چای است که بسیار خوب میشود و معادن آهن و زغال آنجا خیلی

زیاد است سابق برین مملکت آسام تابع حکومت بنگاله بود و لیکن

از سنه ۱۸۷۴ علیحده حکومت آنجا را سپرده بحاکم مخصوصی نمودند مملکت آسام

مشتمل بر یازده محوطه است و هر محوطه دارای چند شهر و قصبه است اول

محوطه سِلهت این ضلع که در سمت شرقی میمن سنگه واقع است

و پنجهزار و پانصد و چهل میل مربع سطح آن است تعداد نفوسش هفده لک

و سی و نه هزار و پانصد و سی و نه نفر است که

بجاب

بجاب ایران (سه کرور و دویست و سی و نه لک میشود) مواضع مشهوره اینجا

یکی شهر سلهت و یکی بنیانگنج است دوم محوطه کچار که در طرف شرقی سلهت

واقع است سطح آنجا سه هزار و هفتصد و پنجاه میل مربع است تعداد نفوس

دو دویست و چهل هزار و بیست و هفت نفر است مواضع مشهوره آنجا یکی سلچر

و یکی کچار است سوم محوطه گوالپاره در سمت غربی کوچ بهار واقع است

چهار هزار و چهارصد و سی و سه میل مربع سطح آنجاست تعداد نفوسش چهارصد

و هفت هزار و هفتصد و سیزده نفر است مواضع مشهوره آن ضلع [illegible] شهر

گوالپاره است چهارم محوطه کامروپ این محوطه در سمت شرقی گوالپاره واقع است

سطح آن سه هزار و ششصد و سی و یک میل مربع است و پانصد و شصت و

یکهزار و ششصد و هشتاد و یک نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره این محوطه یکی

شهر گوهاتی و یکی برپیتیه است پنجم محوطه درنگ که در سمت شمال و شرقی

کامروپ واقع است سطح آن سه هزار و چهارصد و پنجاه میل مربع تعداد

نفوس آن دویست و سی و شش هزار و نه نفر است بلاد مشهوره که این

ضلع است منحصر بشهر تیج پور است ششم محوطه نوگانو که در طرف جنوب

۱ گوالپارا

۲ گوهاتی

۳ برپیتیه

و مشرقی درنگ واقع است سطح آن سه هزار و چهارصد و پانزده میل مربع است

و دویست و پنجاه و شش هزار و سیصد و نود نفر جمعیت دارد مواضع

مشهوره اینجا همان شهر نوگانو است هفتم محوطه شیوساگر که در سمت شمالی

و شرقی نوگانو واقع است سطح آن دو هزار و هشتصد و پنجاه و پنج میل مربع است

و دویست و نود و شش هزار و پانصد و هشتاد و نه نفر جمعیت دارد مواضع

مشهوره آنجا یکی شهر شیوساگر و یکی جوراث و دیگر گولاگات است هشتم

محوطه لکهم پور در سمت شمالی و شرقی شیوساگر واقع است و سه هزار و هفتصد

و بیست و سه میل مربع سطح آنست تعداد نفوس سکنه آنجا یکصد و بیست و یکهزار و

دویست و شصت و هشت نفر است مواضع مشهوره این ناحیه یکی شهر

لکهم پور و یکی دیبروگر و دیگر سدیا است نهم محوطه ناگا در طرف

جنوبی شیوساگر واقع است پنجهزار و سیصد میل مربع سطح آنست تعداد

نفوس سکنه آنجا شصت و هشت هزار و نهصد و هیجده نفر است مواضع مشهوره ناحیه مذکوره

[illegible] شهر گوهیمه است دهم محوطه کشیا که در سمت جنوب آن کامروپ واقع است

سطح [illegible] و شش هزار و یکصد و پنجاه و هشت میل مربع است تعداد نفوس

سکنه

۱ جوراث — ۲ گولاگهاث

۳ لکهم پور

۳ لکهم پور — دیبروگده

و یکصد و چهل و یکهزار و هشتصد و بیست و هشت نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره

آنجا یکی شهر شلنگ و یکی چیراپونجی است یازدهم محوطه گارو در طرف

جنوبی گوالپاره واقع است سطح این ناحیه سه هزار و یکصد و هشتاد میل

مربع است تعداد نفوس هشتاد هزار نفر است شهر تیورا از بلاد مشهوره آنجا گشت

تیورا است

بیان در مجملی از احوال بلاد مشهوره ملک آسام

سلهت در ناحیه نارنگی بسیار خوب بدست میآید کچار زراعت چای

آنجا بسیار خوب میشود گوهاتی در سابق پایتخت [illegible] براک جو نشود [illegible]

شهری در کنار رودخانه برهم پتر واقع [illegible] تمام مملکت آسام شهری

[illegible] گولاگات [illegible] بسیار خوب [illegible] برای تجارت

[illegible] شهر شلنگ مرکز حکومتی تمام مملکت آسام است ۲.

بیان در ممالک متعلقه بحکومت پنجاب

مملکت پنجاب [illegible] و حدود اربعه ذیل است - حد شمالی آن مملکت

کشمیر منتهی میشود - و حد شرقی آن برودخانه جمنا اتصال می یابد - و حد

گولاگهاث

ناحیه چیراپونجی یک ناحیه [illegible] که بقدری باران [illegible] سایر جاهای دیگر نظیر ندارد [illegible] باران [illegible] تا [illegible] معیار [illegible]

جنوبی آن بمملکت راجپوتانه منتهی میشود و حد غربی آن بکوه سلیمان میرسد
و اصل مملکت پنجاب آن قدری است که مابین رودخانه ستلج و
رودخانه سند واقع است که به کشمیر اتصال می یابد اینمملکت را
پنجاب مینامند بواسطه اینکه پنج رودخانه عظیم باسامی مختلفه در وسط
آنمملکت جاریست و ازین پنج رودخانه پنج شعبه جدا میشود و شعبه اول را
سندساگر گویند این شعبه مابین رودخانه جهلم و رودخانه سند میگذرد و
شعبه دوم را چج گویند این شعبه مابین رودخانه جهلم و چناب میگذرد
شعبه سیم رچنا نام دارد مابین رودخانه راوی و چناب جریان دارد
شعبه چهارم را باری نامند این شعبه مابین رودخانه بیاس و راوی میگذرد
شعبه پنجم را جالندهر خوانند این شعبه مابین رودخانه بیاس و ستلج جاریست
شعبه سندساگر از شعب دیگر عریض تر و بزرگتر است لکن آبادیهای کنار
شعبه باری بیشتر از سایر شعب است و اکثر سکنه آن آبادی طایفه سیک میباشند
و این طایفه اشخاصی هستند که هیچوقت موی سر و ریش خود اصلاح نمینمایند
و پیروی گرونانگ را مینمایند اغلب سکنه مملکت پنجاب [illegible] مسلمانانند
مسلمانان پنجاب از سایر قطعات هندوستان بیشتر است

و نسبت بسایر بلاد هندوستان برتری دارند باین معنی که از قرار هر صد
نفر [illegible] متفرقه پنجاه نفر بل متجاوز از ایشان مسلمانند حکومت ممالک
پنجاب سابق برین سپرده مأمور مخصوصی بود و در آنوقت مملکت دهلی
در جزو ممالک مغربی و شمالی هندوستان شمرده میشد لیکن از ۱۸۵۹
عیسوی مملکت پنجاب سپرده نایب الحکومه گردید و مملکت دهلی نیز
شامل ممالک پنجاب شد حال مواضعیکه از مملکت پنجاب در تحت
حکومت نایب الحکومه مزبور است آنرا بده قسمت منقسم نموده اند و هر قسمتی
مشتمل بر چند محوطه است و هر محوطه دارای چند شهر و قصبه است از قرار ذیل

بیان در ده قسمت متعلقه بحکومت پنجاب

الحاصل قسمت اول دهلی این قسمت مشتمل بر سه محوطه است اول محوطه گورگانو
که در سمت شمالی مترا واقع است یکهزار و نهصد و هشتاد میل مربع
سطح آن است تعداد نفوسش ششصد و هشتاد و نه هزار و ششصد و
پنجاه و سه نفر است مواضع مشهوره این محوطه یکی شهر گورگانو و یکی
ریواری و پلول و فرخ نگر و فیروزنگر است دوم محوطه دهلی که

متهرا

در سمت شمالی گورگانو واقع است سطح آن یکهزار و دویست و هفتاد
و هفت میل مربع است و ششصد و هشت هزار و هشتصد و پنجاه نفر جمعیت دارد
مواضع مشهوره این محوطه یکی شهر دهلی است و یکی قصبه
سنپت سوم محوطه کرنال این محوطه در طرف شمالی دهلی واقع است
و دو هزار و سیصد و پنجاه و دو میل مربع سطح آن است تعداد نفوس
آنجا ششصد و ده هزار و نهصد و بیست و هفت نفر مواضع مشهوره آنجا
یکی شهر کرنال و پانی پت و قصبه کیتهل است

کیتهل

بیان در قسمت دوم مملکت متعلقه بحکومت پنجاب

این قسمت را حصار گویند و مشتمل است بر سه محوطه اول محوطه رهتک
که در جانب غربی دهلی واقع است و یکهزار و هشتصد و یازده میل
مربع سطح آنست تعداد نفوس آن پانصد و بیست و شش هزار و نهصد و
پنجاه و نه نفر است مواضع مشهوره این محوطه یکی شهر رهتک
و یکی جهجر است دوم محوطه حصار در سمت شمالی و شرقی رهتک
واقع است و سه هزار و پانصد و چهل میل مربع سطح آن است و چهارصد

وهشت

و هشتاد و چهار هزار و ششصد و هشتاد و یک نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آنجا
یکی شهر حصار و یکی قصبه هانسی و بهوانی است سوم محوطه سرسه این محوطه
در سمت شمالی و غربی حصار واقع است طول مسافت این احاطه سه
هزار و یکصد و بیست و یک میل مربع است و دو صد و ده هزار و هشتصد و نود
و پنج نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آنجا منحصر بشهر سرسه است .

بیان در قسمت سوم مملکت متعلقه بحکومت پنجاب

این قسمت را انباله گویند و مشتمل بر سه محوطه است اول محوطه انباله این محوطه که
در جانب شمالی کرنال واقع شده است و دو هزار و ششصد و بیست و
یک میل مربع سطح آنست تعداد نفوس سکنه آنجا ده لک و سی و پنج هزار و چهار
صد و هشتاد و هشت نفر است که بحساب ایران ده کرور و سی و پنج هزار و چهار صد و
هشتاد و هشت نفر میشود) مواضع مشهوره آنجا یکی شهر انباله و یکی جگادری و
قصبه شاه آباد و شاه دره و روپر است دوم محوطه لودیانه در جانب
شمالی و غربی انباله واقع است سطح آن یکهزار و سیصد و شصت و هشت
میل مربع است تعداد نفوس آنجا پانصد و هشتاد و سه هزار و دویست و

روپر

لودهیانه

چهل و پنج نفر است مواضع مشهوره آنجا یکی شهر لودیانه و یکی سرهند است

لودهیانه سرهند

سوم محوطه شمله که در سمت شمالی انباله واقع است و هجده میل مربع

سطح آنست تعداد نفوسش سی و سه هزار و نهصد و نود و پنج نفر است

مواضع مشهوره آنجا شهر شمله و کسولی است

بیان قسمت چهارم ممالک متعلقه بحکومتی پنجاب

این قسمت را جالندر گویند و مشتمل است بر سه محوطه اول محوطه جالندر که

جالندهر

در طرف شمالی و غربی لودیانه واقع است و یکهزار و سیصد و بیست و

لودهیانه

شش میل مربع سطح آنست و هفتصد و نود و چهار هزار و هفتصد و شصت

و چهار نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آنجا شهر جالندر و قصبه راهون و

کرتارپور است دوم محوطه هوشیارپور که در طرف شمالی جالندر واقع است

سطح این محوطه دو هزار و هشتاد و شش میل مربعست تعداد نفوس

نهصد و سی و هشت هزار و هشتصد و نود نفر است مواضع مشهوره آنجا شهر

هوشیارپور و امرکم تانده است سوم محوطه کانگره این محوطه در سمت شمالی

امرکم تانده کانگره

هوشیارپور واقع است سطح آن هشت هزار و نهصد و هشتاد و هشت میل مربع

تعداد

تعداد نفوسش هفتصد و چهل و سه هزار و هشتصد و بیست و دو نفر است

مواضع مشهوره این ضلع شهر کانگره و قصبه نورپور است

بیان قسمت پنجم ممالک متعلقه بحکومتی پنجاب

این قسمت را امرتسر نامند و مشتمل بر سه محوطه است اول محوطه امرتسر

که در طرف شمالی و شرقی جالندر واقع است و یکهزار و پانصد و شصت

و نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آنجا یکی امرتسر و یکی بیرون وال است

بهیرون وال

دوم محوطه گورداسپور که در سمت شمالی و شرقی امرتسر واقع است سطح

این محوطه یکهزار و هشتصد و هجده میل مربعست تعداد نفوسش نهصد و

شش هزار و یکصد و بیست و شش نفر است مواضع مشهوره آنجا شهر

گورداسپور و پتیاله و کلانور و دینانگر است سوم محوطه سیالکوت که

بتیاله سیالکوت

در سمت شمالی و شرقی گورداسپور واقع است سطح آن یکهزار و نهصد و

پنجاه و پنج میل مربعست تعداد نفوسش ده لک و پنجهزار و چهار نفر است

که بحساب ایران (دو کرور و پنجهزار و چهار نفر میشود) مواضع مشهوره آنجا

شهر سیالکوت است

بیان در قسمت ششم مملکت متعلقه بحکومتی پنجاب

این قسمت را لاهور گویند مشتمل بر سه محوطه است اول محوطه فیروزپور که
در سمت غربی لودیانه واقع است و دو هزار و هفتصد و بیست و نه میل
مربع سطح آن است تعداد نفوس سکنه پانصد و چهل و نه هزار و دویست و
پنجاه و سه نفر است مواضع مشهوره آنجا یکی شهر فیروزپور و یکی مدکی و
سبرائوا و بتندا است دوم محوطه لاهور که در سمت جنوبی و غربی امرتسر
واقع است و سه هزار و ششصد و پنجاه و نه میل مربع سطح آنست تعداد
نفوسش هفتصد و هشتاد و نه هزار و ششصد و شصت و شش نفر است
مواضع مشهوره آنجا یکی شهر لاهور و قصبه میانمیر و کسور است سوم محوطه
گوجرانواله که در سمت شمالی و شرقی لاهور واقع است و سه هزار و پانصد
شصت و سه میل مربع سطح آن میباشد تعداد نفوسش پانصد و پنجاه
هزار و پانصد و هفتاد و شش نفر است مواضع مشهوره این محوطه یکی
شهر گوجرانواله و قصبه وزیرآباد است

بیان در قسمت هفتم مملکت متعلقه بحکومتی پنجاب

این

این قسمت را راولپندی گویند و مشتمل است بر چهار محوطه اول محوطه گجرات
که در سمت شمالی گوجرانواله واقع است و دو هزار و بیست و یک میل مربع سطح
آنست تعداد نفوسش ششصد و شانزده هزار و سیصد و چهل و هشت
نفر است مواضع مشهوره این محوطه یکی شهر گجرات و یکی جلال پور است دوم
محوطه شاه پور که در طرف جنوبی و غربی گجرات واقع است و چهار هزار و
هفتصد میل مربع سطح آنست و سیصد و شصت و شش هزار و هفتصد و نود و
شش نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آنجا یکی شهر شاه پور و قصبه بیرا است
سوم محوطه جلم که در سمت غربی گجرات واقع است سه هزار و نهصد و
ده میل مربع سطح آنست تعداد نفوسش یک کرور و نهصد و هشتاد و هشت
نفر است مواضع مشهوره این محوطه یکی شهر جلم و یکی پند دادنخان است
چهارم محوطه راولپندی که در جانب شمالی و غربی جلم واقع شده است
و شش هزار و دویست و هجده میل مربع سطح آنست و هفتصد و یازده هزار و
دویست و پنجاه و شش نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره این احاطه یکی شهر
~~اتکری و یکی شهر~~ راولپندی و یکی حسن ابدال است و اتک در میانه

بهیرا

بیان در قسمت هشتم ممالک متعلقه بحکومتی پنجاب

این قسمت را ملتان گویند مشتمل بر چهار محوطه است اول محوطه جهنگ
که در سمت جنوبی شاه پور واقع است سطح آن پنجهزار و هفتصد و دو میل
مربعست تعداد نفوس سکنه سیصد و هشتاد و چهار هزار و بیست و هفت نفر
مواضع مشهوره آنجا یکی شهر جهنگ و یکی قصبه منگیانه و یکی چنیوت است
دوم محوطه ملتان که در سمت جنوبی و غربی جهنگ واقع است پنجهزار و نهصد
و بیست و هفت میل مربع سطح آنست تعداد نفوسش چهارصد و هفتاد و
یکهزار و پانصد و شصت و سه نفر است مواضع مشهوره این محوطه همان شهر
ملتان است سوم محوطه منتگمری که در سمت غربی ملتان واقع است
سطح آن پنجهزار و پانصد و هفتاد و سه میل مربعست تعداد نفوس آنجا
سیصد و پنجاه و سه هزار و چهارصد و سی و هفت نفر است مواضع مشهوره
این محوطه یکی شهر گوگیره و یکی پاک پتن و کوت کمالیه و دیپالپور است
چهارم محوطه مظفرگده که در طرف جنوبی منتگمری واقع است و دو هزار و
نهصد و پنجاه و چهار میل مربع طول سطح آنجاست تعداد نفوس آن

جهنگ

مظفرگده

دویست

دویست و نود و پنجهزار و پانصد و چهل و هفت نفر است مواضع مشهوره این
محوطه همان شهر مظفرگده است

بیان در قسمت نهم ممالک متعلقه بحکومتی پنجاب

این قسمت را دیره جات گویند و مشتمل بر سه محوطه است اول محوطه دیره غازیخان
که در طرف غربی مظفرگده واقع است و چهار هزار و هفتصد و چهل میل مربع
سطح آنست تعداد نفوسش سیصد و هشتهزار و هشتصد و چهل نفر است
مواضع مشهوره این محوطه همان دیره غازیخان است دوم دیره اسمعیل خان
این محوطه در طرف شمالی دیره غازیخان واقع است سطح آن هشتهزار و نود و
شش میل مربعست تعداد نفوسش سیصد و نود و چهار هزار و هشتصد و
شصت و چهار نفر است مواضع مشهوره آنجا همان دیره اسمعیل خان است
سوم محوطه بنو که در جانب شمالی دیره اسمعیل خان واقع است و سه هزار و
یکصد و هشتاد و یک میل مربع سطح آنست تعداد نفوس آنجا دویست و
هشتاد و هشتهزار و پانصد و چهل و هفت نفر است مواضع مشهوره آن یکی شهر
بنو و یکی شهر کالاباغ است

بیان در قسمت دهم ممالک متعلقه بحکومتی پنجاب

این قسمت را پشاور گویند و مشتمل است بر سه محوطه اوّل محوطه کوهات که
در سمت شمالی بنو واقع شده است سطح آن دو هزار و هشتصد و سی و نه میل مربع
تعداد نفوس سکنه یکصد و چهل و پنج هزار و چهارصد و نوزده نفر است مواضع مشهوره
آنجا همان شهر کوهات است دوّم محوطه پشاور که در سمت شمالی کوهات
واقع است سطح آن دو هزار و چهارصد و نود و هشت میل مربع است تعداد
نفوسش پانصد و بیست و سه هزار و یکصد و پنجاه و دو نفر است مواضع
مشهوره این ضلع همان شهر پشاور است سوم محوطه هزاره که در سمت شرقی
پشاور واقع است دو هزار و هشتصد و سی و پنج میل مربع سطح آن است
تعداد نفوسش سیصد و شصت و هشت هزار و دویست و هجده نفر است مواضع
مشهوره آنجا منحصر بشهر ابیت آباد است

بیان مجملی از احوال بلاد مشهوره مملکت پنجاب

در شهر گورگانو در ماه چیت که ماه اسد است بت پرستان از مسافتهای
بعیده برای پرستش بتخانه دیبی اجتماع مینمایند در قصبه ~~دیواری~~ از مواضع

مشهوره

~~مشهوره محوطه گورگانو است~~ شهر دهلی و یا شاهجهان آباد در میانه یک
حصار محکمی آباد گردیده و این شهر از جمله شهرهای معظمه کشور هندوستان است
در عهد سلطنت مسلمانان و بت پرستان همیشه شهر دهلی دار السلطنه
مملکت هند بوده است و رود خانه جمنا از کنار قلعه دهلی میگذرد و در اندرون
القلعه دو دیوانخانه بزرگ است یکی را دیوانخانه عامه و دیگری را خاصه
خاصه مسجد جامع دهلی که تمام آنرا از سنگ مرمر بنا کرده اند و در خوبی و
زیبائی در تمام روی زمین عدیل و نظیر ندارد و بفاصله نه میل از شهر
دهلی یک مناری است که بطرز عربی ساخته شده و آنرا منار قطب
صاحب مینامند تقریباً یکصد و بیست ذرع ارتفاع دارد و شهر کرنال بفاصله
پنجاه و پنج میل از شهر دهلی واقع است و همان جائیست که نادرشاه
بر محمدشاه هندی غلبه کرد قصبه پانی پت بواسطه جنگهائی که در سنه ١٥٢٦ و
سنه ١٧٦١ عیسوی در میدان کارزار اینجا واقع شد معروف است شهر حصار اعنی شهر هریانه
نیز مینامند سابق براین شهر بسیار آباد و با رونقی بوده است اکنون
آبادی چندانی ندارد و شهر هانسی در ناحیه حصار واقع و از جمله شهرهای قدیمه است و مابین

نامند و علاوه بر آنها چند عمارت عالی دیگر که همه از سنگ مرمر ساخته شده در آنجا است ع

رود خانه ستلج و جمنا واقع و آباد شده است شهر انباله این شهر یکی
از معسکرهای انگلیسهاست در سمت جنوبی شهر انباله قصبه ایست موسوم به
تانیسر این قصبه زیارتگاه بزرگ کفار طایفه بت پرستان است لودیانه شهریست
بسیار بارونق و بفاصله دوازده میل در سمت جنوبی و شرقی لاهور واقع است
در این شهر پارچه های ابریشمی بسیار خوب بافته میشود در طرف جنوبی و شرقی
لودیانه شهریست موسوم به سرهند این شهر از جمله شهرهای قدیمه آنجاست در
طرف غربی لودیانه موضعی است که آنرا الیوال یا علیوال گویند و این موضع
جائیست که بدفعات عدیده سپاه انگلیس با طایفه سیک در آنجا
جنگ نمودند شهر شمله شهریست که حکام و فرمانروایان هندوستان
برای تبدیل آب و هوا بآنجا میروند و قصبه سپاتو و کسولی که از مواضع
مشهوره محوطه شمله است یکی از معسکرهای انگلیسهاست جالندهر
شهر بسیار بزرگیست افواج مخصوصه انگلیس در اینجا اقامت دارند و یک قلعه محکمی
موسوم بقلعه فلور در کنار رودخانه ستلج از زمان سلطنت طایفه سیک ساخته
شده و تاکنون برپاست کانگره که آنرا نگرکوت هم مینامند در آنجا یک بتخانه بسیار

تهانیسر
لودهیانه
[illegible]
سرهند

عالی از بت پرستان است و بتی که در این بتکده است موسوم به مهامایا میباشد
و از آنجا بفاصله بیست و پنج میل یک کوه آتش فشانی است امرتسر که بفاصله
بیست و شش میل از شهر لاهور واقع شده است شهریست بسیار معمور و آباد
و تجارتگاه عظمی است در آنجا پشمینه های بسیار خوب بافته میشود و در وسط این شهر یک
بتخانه بسیار عالی و خوش نمائی بنام گروگوبند در وسط یک دریاچه ساخته اند
و رنجیت سنگه که از سلاطین مملکت پنجاب بوده وصل بآن بتخانه یک قلعه
بنا نموده موسوم به گوبند گره که تمام خزانه او در همان قلعه بوده است شهر
سیالکوت یکی از معسکرهای انگلیسهاست شهر کلانور شهریست که اکبر شاه
در آنجا بر تخت سلطنت نشست در محوطه فیروزپور دهکده دفعات عدیده سپاه
انگلیس با طایفه سیک در [illegible] عیسوی در شهر فیروزپور و قصبه مدکی و قصبه
سبرانو جنگهای سخت نمودند و خونهای زیاد از طرفین ریخته شد لاهور
دار الحکومه مملکت پنجاب است و بفاصله هفت میل از رودخانه راوی واقع
آباد گردیده است این شهر حصار محکمی دارد و دور شهر لاهور بفاصله دو میل
در طرف کنار رودخانه راوی مقبره جهانگیر شاه واقع است و در نزدیکی آن

گوبند گره

قصبه ایست موسوم به میانمیر که یکی از معسکرهای انگلیسهاست گجرات در کنار
رودخانه چناب آباد گردیده است یکوقتی شمشیر این شهر بسیار معروف بود
و در سنه ۱۸۴۹ عیسوی لرد گاف با لشکر بسیاری طایفه سیک را در همین شهر
شکست عظیمی داد و در قرب شهر گجرات قصبه ایست موسوم به چلیانواله در آنجا
هم یک جنگ عظیمی مابین انگلیسها و سیکان بوقوع رسیده است .
راولپندی این شهر نیز یکی از معسکرهای انگلیس است و کوه مری در طرف
شمالی و شرقی شهر راولپندی بفاصله قلیلی واقع است حکام و رؤسای
آنمملکت در فصل تابستان برای تبدیل آب و هوا بآنکوه میروند و بر بالای
~~یک تلی از آنکوه یک قلعه ایست از بناهای قدیمه موسوم بقلعه~~ اتک شهر
ملتان این شهر در قرب رودخانه چناب واقع است و حصار محکمی دارد
در این شهر پارچه ابریشمی بسیار خوب میبافند پیشاور سرحد غربی هندوستان
و تجارتگاه است از هر گونه بیع و شری در اینجا بسیار میشود و معسکر شهر پیشاور
از تمام هندوستان بزرگتر است سابق برین شهر پیشاور پای تخت
ممالک شرقیه افغانستان بود و بفاصله پانزده میل دره ایست موسوم به خیبر

سرحد

که محل عبور اهالی ترکستان و افغانستان است

بیان در تقسیم حدود متعلقه بحکومت ممالک متوسطه یا مرکزی هندوستان

بر کز دکاس وقت انگلیس تقسیم میگردد

ممالک مرکزی هند محدود بحدود اربعه ذیل است - ~~حد شمالی و غربی~~ از یکطرف شمال و مغرب
~~آن بحکومت~~ از جانب ممالک مغربی و شمالی منتهی میشود ~~و از حد جنوبی بحکومت~~ و از طرف جنوب بناحیه مدرس
و مملکت دکن متصل میشود - و حد شرقی آن بحکومتی بنگاله میرسد و حد
از ~~حد غربی آن~~ طرف مغرب بمملکت برار ~~ملحق میشود~~ اتصال پیدا میکند ممالک مرکزی هندوستان
اغلب جنگل و کوهستان است و آبادی آن بسیار قلیل پنبه و برنج و
گندم در این مملکت بسیار خوب بعمل میآید معدنهای آهن و زغال در کوهستان
آنمملکت بسیار است و اکثر ساکنین آنمملکت طایفه مرهته و گوندا هستند که
هر دو طایفه از بت پرستان ~~هستند و از طایفه مسلمان در این مملکت بسیار کم است~~ میباشند در این قطعه مملکت مسلمان کمتر از سایر ملل میباشند
که تقریباً در هر صد نفر سه نفر مسلمان هم کمتر است سابق برین نصف قسمت طرف
غربی آنمملکت در جزو حکومتی ممالک مغربی و شمالی بود و نصف قسمت
شرقی آن مملکت شامل حکومتی بنگاله بود لیکن در سنه ۱۸۶۱ عیسوی ممالک مرکزیه را
مجزا نموده سپرده و بمأمور مخصوص گردیده و این مملکت را بچهار قسمت منقسم نموده اند

وهر قسمتی مشتمل بر چند شهر و قصبه است از قرار تفصیل ذیل

بیان در قسمت اول ممالک متعلقه بحکومت مرکزی

این قسمت را جبل پور مینامند و مشتمل است بر پنج محوطه اول محوطه ساگر
که در حد شمالی ممالک مرکزی واقع است سطح آن چهار هزار و پنج میل مربع است
و پانصد و بیست و هشت هزار و هشتصد و بیست و پنج نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره
انمحوطه یکی شهر ساگر و یکی گڈکونا است دوم محوطه دموه که در سمت
شرقی ساگر واقع است و دو هزار و هشتصد و نود و نه میل مربع سطح آنست
تعداد نفوسش دویست و شصت و نه هزار و ششصد و چهل و دو نفر است
مواضع مشهوره آنجا یکی شهر دموه و یکی هتا است سوم محوطه جبل پور که
در طرف جنوبی دموه واقع است سه هزار و نهصد و هجده میل مربع سطح
آنجاست و پانصد و بیست و هشت هزار و هشتصد و پنجاه و نه نفر جمعیت
دارد مواضع مشهوره آن همان شهر جبلپور است چهارم منڈلا که در
سمت جنوبی و شرقی جبلپور واقع است سطح آنجا چهار هزار و نهصد و
نوزده میل مربع است و دویست و سیزده هزار و هجده نفر جمعیت دارد

مواضع

گڈہ کوٹہ

مواضع مشهوره اش همان شهر منڈلا است پنجم محوطه سیونی که در
طرف جنوبی و غربی منڈلا واقع است و سه هزار و دویست و پنجاه
و دو میل مربع سطح آنست و دویست و نود و نه هزار و هشتصد و پنجاه
و شش نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره انمحوطه همان شهر سیونی است

بیان در قسمت دوم ممالک متعلقه بحکومت مرکزی

و این قسمت را نربدا گویند و مشتمل بر پنج محوطه است اول محوطه نرسنگه پور
که در سمت جنوبی و شرقی جبلپور واقع است سطح آن یکهزار و نهصد و
شانزده میل مربع است و سیصد و سی و نه هزار و سیصد و نود و پنج نفر جمعیت
دارد مواضع مشهوره آن یکی شهر نرسنگه پور و یکی قصبه گڈرواڑه است
دوم محوطه هوشنگ آباد که در طرف جنوبی و غربی نرسنگه پور واقع است
سطح آن چهار هزار و سیصد و هشتاد و شش میل مربع است تعداد
نفوسش چهارصد و شصت و سه هزار و ششصد و بیست و پنج نفر است
مواضع مشهوره انمحوطه یکی شهر هوشنگ آباد و یکی قصبه هندیا و یکی سهاگپور
و هردا و سیونی است سوم محوطه نیمار که در حد غربی ممالک مرکزی

واقع است و سه هزار و سیصد و چهل میل مربع سطح آنست و دویست و
یازده هزار و یکصد و هفتاد و شش نفر جمعیت دارد مواضع مشهورهٔ اش
یکی شهر برهانپور و یکی گندوا است چهارم محوطهٔ بیتول که در سمت
جنوبی نمار واقع است سطح آن سه هزار و نهصد و پنجمیل مربع است
تعداد نفوسش دویست و هفتاد و چهار هزار و دویست و شصت و
چهار نفر است مواضع مشهورهٔ این ضلع همان شهر بیتول است
پنجم محوطهٔ چندواره که در سمت شرقی بیتول واقع شده است و سه هزار و
هشتصد و پنجاه و سه میل مربع سطح آن میباشد و سیصد و شانزده هزار
و نود و پنج نفر جمعیت دارد مواضع مشهورهٔ آنجا یکی شهر چندواره و یکی لودی کهیره
و دیگر پندرنا است

کهندوا

لودی کهیره

پندهرنا

بیان در قسمت سوم متعلقه بحکومتی ممالک مرکزی

این قسمت را ناگپور گویند و مشتمل است بر شش محوطه اول محوطهٔ ناگپور
که در سمت جنوبی چندواره واقع است و سه هزار و هفتصد و هشتاد و شش
میل مربع سطح آنست تعداد نفوسش ششصد و سی و یکهزار و یکصد و سه

اصطلاحات هند

بهنداره

نفر است مواضع مشهورهٔ آنجا یکی شهر ناگپور و یکی قصبهٔ کامتی و یکی
امریر و یکی رامتیک است دوم محوطهٔ بنداره که در سمت شرقی ناگپور واقع
شده است و سه هزار و نهصد و بیست و دو میل مربع سطح آن میباشد
تعداد نفوسش پانصد و شصت و چهار هزار و هشتصد و سیزده نفر است
مواضع مشهورهٔ آن محوطه یکی شهر بنداره و قصبهٔ تمسر و پونی است
سوم محوطهٔ وردا که در طرف جنوبی ناگپور واقع است سطح آن دو هزار و
چهارصد و یکمیل مربع است تعداد نفوس آنجا سیصد و پنجاه و چهار هزار
و هفتصد و بیست نفر است مواضع مشهورهٔ آنجا یکی هینگن گات و دیگر
اروی است چهارم محوطهٔ چاندا که در سمت جنوبی و شرقی وردا واقع
شده است سطح آن نه هزار و هفتصد میل مربع است و پانصد و سی و
چهار هزار و چهارصد و سی و یکنفر جمعیت دارد مواضع مشهورهٔ آنجا همان
شهر چاندا است پنجم محوطهٔ بالاگات بمحوطهٔ در سمت جنوبی و شرقی چاندا
واقع است سطح آن سه هزار و یکصد و چهل و یکمیل مربع است و سیصد و
دو هزار و چهارصد و هشتاد و دو نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره درین

ناحیه مبیت ششم محوّطه ایرگوداوری که در سرحدّ جنوبی ممالک مرکزی واقع
شده است سطح آن هزار و هشتاد و پنج میل مربعت تعداد نفوسش پنجاه و
دو هزار و یکصد و بیست نفر است مواضع مشهوره در ینحوطه نیست

بیان و قسمت چهارم متعلقه بحکومتی ممالک مرکزی

چتیس گڈه

این قسمت را چتیس گڈه خوانند یعنی (سی و شش خانه) و مشتمل است بر سه
محوّطه اول محوّطه رای پور که در سمت شرقی بنداره واقع است سطح آن یازده
هزار و هشتصد و هشتاد و پنج میل مربعت و ده لک و نود و سه هزار و چهار صد و
پنجه جمعیت دارد که بحساب ایران (دو کرور و نود و سه هزار و چهار صد و
پنجه میشود) مواضع مشهوره انجا یکی رای پور و یکی دمتری است دوم محوّطه

دمتری

بلاسپور که در سمت شمالی رای پور واقع است سطح آن هفت هزار و هفتصد و
نود و هشت میل مربعت هفتصد و پانزده هزار و سیصد و نود و هشت نفر
جمعیت دارد مواضع مشهوره انجا یکی شهر بلاسپور و یکی رتن پور است
سوم محوّطه سنبل پور که در سرحد شرقی ممالک مرکزی واقع است سطح آن

سنبهل پور

چهار هزار و چهار صد و هشت میل مربعت پنجاه و دو هزار و سیصد و سی و

چهار نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره اینحوطه همان شهر سنبل پور است

بیان و مجملی از احوال بلاد مشهوره ممالک مرکزی هندوستان

ساگر بملاحظه آبادی درجه دوم سایر شهرهای معموره هند میتوان
گفت یکی از معسکرهای انگلیس است جبلپور درینشهر از هر گونه تجارت
و سوداگری در کار است و در نزدیکی شهر زغال سنگ بسیار خوب
بیرون میاید هوشنگ آباد آباد کرده هوشنگ شاه فرمانروای
گجرات است که او را در کنار رودخانه نربدا آباد نموده در اطراف
و حوالی آنشهر آبهای جاری بسیار است بواسطه از هر قسم زراعت
در آنجا میشود شهر هندیا که در محوّطه (ناحیه) هوشنگ آباد واقع است از جمله
شهرهای قدیمه مسلمانان هندوستان است برهانپور این شهر در
کنار رودخانه تاپتی آباد گردیده است در ایام سلطنت پادشاهان
هند شهر برهانپور دار الخلافه و مرکز محوّطه خاندیس بود ناگپور محل
حکومتی ممالک مرکزی در انجاست در ایام سلطنت (اقتدار) طایفه مرهته
این شهر پای تخت بود و در سمت غربی ناگپور بفاصله نه میل شهر کامتی است

که بسیار بزرگ و معمور است و معسکری از انگلیسها در انجاهست قصبهٔ رامی نگر که
پان انجا بسیار خوب میشود هنگن گات محل بیع و شرای پنبه است انبارهای
زیادی از پنبه در انجاهست در محوطهٔ چاندا قصبه ایست موسوم به ویراگره در
انجا معدن الماس هست شهر سنبل پور در کنار رودخانهٔ مهاندی اباد
شده است و از حیثیت معدن الماس از همه جا مشهورتر است

ویراگده

بیان در ممالک متعلقه بحکومتی ممبئی

ممالک متعلقه بحکومت ممبئی محدود بحدود اربعهٔ ذیل است - حد شمالی
به بلوچستان و مملکت پنجاب میرسد - و حد شرقی بمملکت راجپوتانه
و ممالک مرکزی هند و مملکت برار و ممالک دکن منتهی میشود - و حد جنوبی آن
بمملکت میسور و حکومتی مدرس میرسد - و حد غربی آن به بحر عرب
و بلوچستان متصل میشود و در این محوطه از هر قسم حبوبات زراعت میشود و لیکن از
زراعتهای مشهورهٔ اینجا یکی زراعت پنبه است و محوطهای نزدیک این حکومت در
کنار دریا واقع شده است در انجاها درختهای نارگیل هم بسیار هست در کوههای
اطراف گات غربی این مملکت (دیگر کوهها غربیه) بارندگی بسیار میشود و حرارت گرما هم بسیار شدید ساکنین

با ملاحظه فصل تابستان
هوای انجا اندک اعتدال
دارد و بر خلاف در مملکت
سند که آب بسیار کم میشود

انمحوطه اکثر بت پرستانند که در هر صد نفر هفده نفر مسلمان واز ناحیهٔ ممبئی
در تحت حکومت حاکم با استقلال است و این مملکت را نیز بچهار قسمت
منقسم نموده اند و هر قسمتی مشتمل است بر چند محوطه و هر محوطه دارای چند شهر و
قصبه است از قرار تفصیل ذیل

بیان در قسمت اول متعلقه بحکومت ممبئی

و این قسمت را قسمت شمالی مینامند و مشتمل بر هشت محوطه است اول محوطهٔ احمد
اباد که در سمت شمالی خلیج کمبایت واقع شده است و سه هزار و هشتصد
چهل و چهار میل مربع سطح آن است و هشتصد و بیست و نه هزار و ششصد و
سی و هفت نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره اش یکی شهر احمد آباد و دیگر
گوگو و دیگر دولارا است دوم محوطهٔ کیرا که در طرف شرقی احمد آباد
واقع است سطح آن یکهزار و پانصد و شصت و یک میل مربع است تعداد
نفوسش هفتصد و هشتاد و دو هزار و هفتصد و سی و سه نفر است
مواضع مشهورهٔ انجا یکی شهر کیرا و یکی قصبهٔ نریاد است سوم محوطهٔ
پنج محال که در سمت جنوبی کیرا واقع شده است و یکهزار و ششصد و

کهنبات

دهولرا. کهیڑا

چهل و چهار میل مربع است و دو لک و چهل هزار و هفتصد و چهل و سه نفر
جمعیت دارد بلاد مشهوره این ناحیه شهر گودرا است چهارم محوطه بروچ در
طرف جنوبی پنج محال واقع است سطح این محوطه یکهزار و سیصد و شصت و
سه میل مربعست تعداد نفوسش سیصد و پنجاه هزار و سیصد و بیست و
سه نفر است بلاد مشهوره اش همان شهر بروچ است پنجم محوطه سورت
که در طرف جنوبی بروچ واقع است و یکهزار و ششصد و سی میل سطح آنست
و ششصد و هفت هزار و هشتاد و هفت نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره اش
همان شهر سورت است ششم محوطه تانه که آنرا شمالی کوکن هم مینامند
این محوطه در طرف جنوبی سورت واقع است و چهار هزار و پنجاه و دو میل مربع
سطح آن است و هشتصد و چهل و هفت هزار و چهارصد و بیست و چهار نفر جمعیت
دارد مواضع مشهوره اش یکی تانه و یکی کلیانی و دیگر بسین است
هفتم محوطه کلابه یا قلابه این محوطه در طرف جنوبی تانه واقع شده است
سطح آن یکهزار و چهارصد و هشتاد و دو میل مربعست تعداد نفوسش
سیصد و پنجاه هزار و چهارصد و پنج نفر مواضع مشهوره آنجا یکی شهر بمبی و یکی علی باغ است

بهروچ

گودهرا

تهانه

بیان

بیان و قسمت دوم متعلقه بحکومت بمبئی

و آنرا قسمت مرکزی (متوسط) گویند این قسمت مشتمل بر شش محوطه است اول محوطه
خاندیس که در سمت جنوبی کوه ستپرا واقع است ده هزار و یکصد و
شصت و دو میل مربع سطح آنست تعداد نفوسش ده لک و بیست و
هشت هزار و ششصد و چهل و دو نفر است که بحساب ایران (دو کرور و بیست
و هشت هزار و ششصد و چهل و دو نفر میشود) مواضع مشهوره آنجا یکی شهر دولیا
و بهساول و مالی گانو است دوم محوطه ناسک که در سمت جنوبی خاندیس
واقع است و هفت هزار و یکصد و پنجاه و پنج میل مربع سطح آنست هفتصد و بیست و یکهزار و
هشتصد و هیجده نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره اش همان شهر ناسک است
سوم محوطه احمدنگر که در طرف جنوبی ناسک واقع شده است سطح آن
ششهزار و ششصد و چهل و هفت میل مربع است تعداد نفوسش هفتصد و
هفتاد و سه هزار و نهصد و سی و یک نفر است مواضع مشهوره اش همان شهر
احمدنگر است چهارم محوطه پونا که در طرف جنوبی احمدنگر وقعت پنجهزار و
نود و نه میل مربع سطح آنست و نهصد و هفت هزار و دویست و سی و پنج نفر جمعیت دارد

دهولیا

مواضع مشهوره‌اش یکی شهر پونا و یکی شهر پرندر و گوری گائو و کرکی است
پرندهر
پنجم محوطه شولاپور که در طرف شرقی پونا واقع شده است و چهار هزار و پانصد و
نه میل مربع سطح آن میباشد و هفتصد و هجده هزار و سی و چهار نفر جمعیت دارد
مواضع مشهورهٔ آنجا یکی شهر شولاپور و پندرپور و بارسی است ششم محوطه
پندهرپور
ستارا که در سمت جنوبی پونا واقع است سطح آن چهار هزار و نهصد و نود
و یک میل مربعست تعداد نفوسش ده لک و چهل و پنج هزار و دویست و هشت
نفر است که بحساب ایران (دو کرور و چهل و پنج هزار و دویست و هشت نفر میشود)
مواضع مشهورهٔ آنجا یکی شهر ستارا و یکی مهابلیشر است .

بیان در قسمت سوم متعلقه بحکومت بمبئی

این قسمت را قسمت جنوبی گویند مشتمل بر پنج محوطه است اول محوطه
بیلگانو که در طرف جنوبی ستارا واقع شده است و چهار هزار و
پانصد و نود و یک میل مربع سطح آنست و نهصد و سی و هشت هزار و هفتصد و
پنجاه نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره‌اش همان شهر بیلگانو است
دوم محوطه داروار که در سمت جنوبی و شرقی بیلگانو واقع شده است
دهاروار

چهار

چهار هزار و پانصد و سی و شش میل مربع سطح آن میباشد تعداد نفوس
آنجا نهصد و هشتاد و هشت هزار و سی و هفت نفر است مواضع مشهورهٔ
آنجا یکی داروار و هوبلگلی و بنکاپور است سوم محوطه کلادگی که
در سمت شمالی و شرقی بیلگانو واقع است و پنج هزار و ششصد و نود و
پنج میل مربع سطح آنست و هشتصد و شانزده هزار و سی و هفت نفر
جمعیت دارد مواضع مشهورهٔ آنجا یکی شهر کلادگی و یکی بگلکوت و
دیگر بیجاپور است چهارم محوطه کنارا که در سر حد جنوبی بمبئی واقعست
و چهار هزار و دویست و سی و پنج میل مربع سطح آنست و سیصد و نود و
هشت هزار و چهارصد و شش نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره که درین
ناحیه است یکی شهر هناور و یکی کراور و کمتا است پنجم محوطه رتناگری
که آنرا جنوبی کوکن نیز میگویند این محوطه در سمت جنوبی کلابه واقعست
سطح آن سه هزار و هفتصد و هشتاد و نه میل مربع است تعداد نفوس
آنجا ده لک و نوزده هزار و یکصد و شش نفر است که بحساب ایران
(دو کرور و نوزده هزار و یکصد و شش نفر میشود) مواضع مشهورهٔ آنجا

یکی شهر رتناگری و یکی ونگورلا است

بیان ورقسمت چهارم متعلقه بحکومت بمبئی

و آنرا قسمت سند میگویند این قسمت نیز مشتمل بر پنج محوطه است اول محوطه
کراچی بندر که در سرحد غربی مملکت سند واقع شده است و شانزده هزار و یکصد و
نه میل مربع سطح آنست و چهارصد و بیست و شش هزار و هشتصد و بیست و دو نفر
جمعیت دارد مواضع مشهوره که درین ضلع است همان شهر کراچی است دوم
محوطه حیدرآباد که در طرف شرقی کراچی واقع شده است سطح آن نه هزار و پنجاه
و دو میل مربعست و هفتصد و بیست و سه هزار و هشتصد و سه نفر جمعیت دارد
مواضع مشهوره این محوطه یکی شهر حیدرآباد و قصبه میانی و قصبه تتا است
محوطه سوم را تهراور پرکر مینامند و در طرف شرقی حیدرآباد واقع شده است
و دوازده هزار و هفتصد و بیست و نه میل مربع سطح آنست و یکصد و هشتاد هزار و هفتصد و
شصت و یک نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره اش شهر امرکوت است چهارم محوطه
شکارپور که در طرف شمالی کراچی بندر واقع شده است سطح آن هشت هزار و
هشتصد و نه میل مربع است تعداد نفوس آنجا هفتصد و هفتاد و شش هزار و

کراچی

تهراور پرکر

دویست

دویست و بیست و هشت نفر است مواضع مشهوره درین ضلع یکی شهر شکارپور
و یکی سکر و دیگر روهری است محوطه پنجم را اپر سند فرنتیر گویند این محوطه
در طرف شرقی شکارپور واقع شده است و دو هزار و یکصد و هفتاد و هفت
میل مربع سطح آن است تعداد نفوس آنجا نود و پنج هزار و پانصد و هشتاد
و چهار نفر است مواضع مشهوره آن شهر جیکب آباد است .

بیان ورق مجملی از احوال بلاد مشهوره متعلقه بحکومت بمبئی

شهر احمدآباد در عهد سلطنت پادشاهان اسلام پای تخت مملکت گجرات
بود و اکنون هم نسبت تمام محوطه متعلقه بحکومت بمبئی در خوبی و آراستگی درجه
سوم تصور میتوان کرد شهر گوگو در کنار دریا واقع است و لنگرگاه خوبی آنجا هم
شهر دولارا در طرف شمالی گوگو آباد شده است زراعت پنبه آنجا از سایر
زراعتها بیشتر است شهر کیرا اهالی چین درآنجا بسیارند و بتخانه بسیار بزرگی
درآنجا دارند و اغلب [illegible] تجاری است و شهر بروچ در کنار رودخانه
نربدا واقع است سابق برین این شهر تجارتگاه خوبی بود و تمام تجار ممالک
آسیا و اروپا درآنجا بیع و شری میکردند و اکنون هم تجارت پنبه درآنجا

از جینیان است

بسیار میشود و در قرب رودخانه نربدا یک درخت عظیمی است که قریب سه هزار
از شاخهای او بزمین فرو رفته و درختی شده است و اهالی آنجا آن درخت را
کبیربت مینامند و چنین میدانند که این درخت سه هزار سال متجاوز عمر دارد
شهر سورت در کنار رودخانه تاپتی آباد گردیده است شهر بسیار بزرگیست
سابق برین در این شهر هم تجارتگاه بزرگی بود ولیکن از زمانیکه بندر بمبئی رونق
گرفته است بیع و شرای آنجا کم شده اکنون هم از این شهر از قبیل پنبه و سایر
غلات بسیار بخارج حمل و نقل میشود در قصبه بسین در سنه ۱۸۰۲ عیسوی مابین
باجی راو که از جمله پیشوایان معهود بود و انگلیسها یک عهدنامه منعقد گردید شهر
کلیان از جمله شهرهای قدیمه است در استاسیون آنجا جاده راه آهن بمبئی
و مدراس و برود و جبلپور بیکدیگر ملحق میشود شهر بمبئی دارالحکومه تمام
این محوطه مذکوره است و محل تجارت تمام بلاد روی زمین است و لنگرگاه بندر
بمبئی را نسبت بسایر بنادر دیگر درجه اول تصور باید کرد شهر دولیا بر مرکز محوطه خاندیش است
شهر ناسک در کنار رودخانه گوداوری آباد گردیده است و معبدگاه طایفه هنود است
پونا پای تخت پیشوای طایفه مرهته بوده شولاپور شهر بسیار معمور و آبادی است

از هر

از هر قبیل تجارت در آنجا بسیار میشود چندپور یک زیارتگاهی از بت پرستان
در آنجاست در طرف شمالی و شرقی شولاپور شهر بارسی است و در اینجا تجارت
پنبه بسیار میشود شهر ستارا که در طرف جنوبی و شرقی بندر بمبئی بفاصله
یکصد و پانزده میل واقع است سابق برین دارالحکومه فرمانروایان
طایفه مرهته بود و در سمت شمالی و مغربی شهر ستارا بفاصله سی میل شهر
مهاولیشر است و در بالای کوهی واقع است جائی است بسیار باصفا
و خوش آب و هوا که انگلیسها برای تفریح و تبدیل آب و هوا بآنجا میروند
شهر بیلگانو که معسکری از انگلیسهاست شهر هوبلی و بنگاپور در این دو شهر
تجارت پنبه بسیار میشود شهر بیجاپور در زمان سلطنت مسلمانان هند پای تخت
عادلشاه بوده است در قلعه آنجا یک توپی از برنج گذارده است بسیار بزرگ
که آنرا توپ ملک الموت مینامند و وزن هر یک گلوله آن سی و سه من
هند است که تقریبا یک خروار ایران میشود شهر کمتا و شهر کراور که آنرا
سداشوگر نیز میخوانند این هر دو بندرگاه معتبری دارند اما شهر کمتا پنبه بسیاری
از آنجا بطرف بمبئی میرود و بندر کراور آنچه مال التجاره از جهازات در آنجا فرود

میاورند بتوسط راه آهن بطرف مملکت مدرس حمل میشود **کراچی** در سرحد
غربی هندوستان یک بندرگاه معتبری است ولنگرگاه بسیار خوبی دارد
درین شهر هم از هر قبیل تجارت وبیع وشری میشود **حیدرآباد سند** در ایام
سلطنت سلاطین هند حیدرآباد مرکز تمام محوطهٔ سند بوده و در سمت غربی
شهر حیدرآباد بفاصلهٔ شش میل قصبهٔ **میانی** است در سنهٔ ۱۸۴۳ عیسوی
لرد ولی پیر با سپاه بسیاری با امرای سند جنگ عظیمی نموده و ایشان را
شکست داده و مملکت را متصرف شدند **شکارپور** درین شهر هم اندک تجارت
وبیع وشرائی میشود **امرکوت** اکبر شاه هندی درین شهر متولد شده است

بیان و تقسیم ممالک متعلقه بحکومتی مدرس

این ضلع از سمت شمالی بمملکت **اوریسه** و ممالک **مرکزی** ومملکت **دکن**
و **میسور**[۲] منتهی میشود واز سه سمت دیگر متصل بدریاست در ضلع مدرس
عموماً فصل تابستان بسیار گرم میشود در محوطه های سمت شرقی مدرس
بواسطهٔ شدت گرما باران بسیار میبارد واکثر سکنهٔ آن ناحیه بت پرستان اند
و در هر صد نفر شش نفر مسلمان دارد ولیکن نسبت بسایر ممالک هندوستان

[۲] و ناحیهٔ بمبئی

در محوطه عیسویان بسیار هستند ضلع مدرس در تحت حکومت حاکم بالاستقلال است
ومشتمل بر بیست ویک محوطه است و هر محوطه دارای چند شهر وقصبه است از قرار
تفصیل ذیل اول محوطهٔ **گنجام** که در سرحد شمالی محوطهٔ مدرس واقع است
وهشت هزار وسیصد وبیست وسه میل مربع سطح آنست وتعداد نفوسش
پانزده لک وبیست هزار وهشتاد وهشت نفر است که بحساب ایران سه کرور
وبیست هزار وهشتاد وهشت نفر میشود شهر وقصبه های مشهورهٔ این محوطه یکی شهر
چترپور وشهر **گنجام** و **برهم پور** و **رسلکوندا** و **کلنگاپتن** و **گوپال پور** و
چکاکول است دوم محوطهٔ **ویزگاپتن** که در طرف جنوبی گنجام واقع شده است
وهجده هزار وسیصد وچهل وچهار میل مربع سطح آنست وبیست ویک لک
وپنجاه ونه هزار ویکصد ونود ونه نفر جمعیت دارد که بحساب ایران (چهار
کرور ویکصد وپنجاه ونه هزار ویکصد ونود ونه نفر میشود) مواضع مشهورهٔ آنجا یکی شهر **ویزگاپتن** و
بملی پتن و **ویزیانگرم** است سوم محوطهٔ **گوداوری** که در طرف جنوبی ویزگا
پتن واقع است شش هزار ودویست وبیست وچهار میل مربع سطح آنست
تعداد سکنهٔ آن محوطه پانزده لک ونود ودو هزار ونهصد وسی ونه نفر است

رسلکوندا

که بحساب ایران (سه کرور و نود و دو هزار و نهصد و سی و نه نفر میشود)
مواضع مشهوره این محوطه راج مندری و ایلور و کورنگا و کوکیندا است
چهارم محوطه کرشنا که در طرف جنوبی گوداوری واقع است هشت هزار و
سی و شش میل مربع سطح آنست و چهارده لک و پنجاه و دو هزار و سیصد و
هفتاد و چهار نفر جمعیت دارد که بحساب ایران (دو کرور و چهارصد و
پنجاه و دو هزار و سیصد و هفتاد و چهار نفر میشود) مواضع مشهوره
آنجا یکی مچلی پتن (یا مچلی بندر) و یکی بیجواره و گنتور است پنجم
محوطه کرنول که در سمت جنوب غربی کرشنا واقع شده است و
هفت هزار و سیصد و پنجاه و هشت میل مربع سطح آنجاست تعداد نفوس
آن نهصد و پنجاه و نه هزار و ششصد و چهل نفر است مواضع مشهوره
این محوطه همان شهر کرنول است ششم محوطه بلاری که در طرف
جنوب غربی کرنول واقع است و یکصد و ده هزار و هفتاد میل مربع
سطح آنست و شانزده لک و شصت و هشت هزار و شش نفر جمعیت دارد که
بحساب ایران (سه کرور و یکصد و شصت و هشت هزار و شش نفر میشود) مواضع

مچلی پتن

مشهوره

مشهوره اش یکی شهر بلاری و یکی گوتی است هفتم محوطه گداپا
که در طرف جنوبی کرنول واقع شده است سطح آن هشت هزار و دویست و
شصت و هفت میل مربع است تعداد نفوسش سیزده لک و پنجاه و
یکهزار و یکصد و نود و چهار نفر است که بحساب ایران (دو کرور و سیصد و
پنجاه و یکهزار و یکصد و نود و چهار نفر میشود) مواضع مشهوره اش یکی شهر
گداپا و مدناپلی است هشتم محوطه نیلور در طرف شرقی کرنول و گداپا واقعست
سطح آن هشت هزار و چهارصد و شصت و دو میل مربعست و سیزده لک و
هفتاد و شش هزار و هشتصد و یازده نفر جمعیت دارد که بحساب ایران (دو
کرور و سیصد و هفتاد و شش هزار و هشتصد و یازده نفر میشود) مواضع مشهوره
آنجا یکی نیلور و دیگر انگول است نهم محوطه جنگل پت که در طرف جنوبی
نیلور واقع شده است و دو هزار و هفتصد و پنجاه و سه میل مربع سطح آنست
و نهصد و سی و هشت هزار و یکصد و هشتاد و چهار نفر جمعیت دارد مواضع
مشهوره آنجا یکی شهر سیداپت و جنگل پت و کانجی ورم یا کانجی پورم و دیگر
ماولی پورم است دهم محوطه شهر مدرس که بیست و هشت میل مربع سطح آنست

گداپا

مهاولی پورم

موضع مشهوره انجا همان شهر مدرس است

و سیصد و نود و هشت هزار و پانصد و پنجاه نفر جمعیت دارد یازدهم محوطهٔ ارکات
شمالی که در سمت غربی جنگل پت واقع است و هشت هزار و یکصد و سی و نه
میل مربع سطح آنست و بیست لک و پانزده هزار و دویست و هفتاد و هشت
نفر جمعیت دارد که بحساب ایران چهار کرور و پانزده هزار و دویست و هفتاد
و هشت نفر میشود) مواضع مشهورهٔ آن شهر چیتور و ارکات و ویلور و تریچی است
دوازدهم محوطهٔ ارکات جنوبی که در طرف جنوبی ارکات شمالی واقع است
سطح آن چهار هزار و هشتصد و هفتاد و سه میل مربع است تعداد نفوسش
هفده لک و پنجاه و پنج هزار و هشتصد و هفده نفر است که بحساب ایران
(سه کرور و دویست و پنجاه و پنج هزار و هشتصد و هفده نفر میشود) مواضع مشهورهٔ
آن گدالور و جنجی و پورتو نووو است سیزدهم محوطهٔ تنجور که در سمت
جنوبی ارکات جنوبی واقع شده است و شش هزار و ششصد و پنجاه و چهار
میل مربع سطح آنست و نوزده لک و هفتاد و سه هزار و هفتصد و سی و یک نفر
جمعیت دارد که بحساب ایران (سه کرور و چهارصد و هفتاد و سه هزار و هفتصد
و سی و یک نفر میشود) مواضع مشهورهٔ این محوطه شهر تنجور و کومبی کونم و یا کمبه کونم و

وکیه

دیگر بنگاپتن و ترنکبار است چهاردهم محوطهٔ ترچناپلی که در سمت غربی تنجور
واقع شده است و سه هزار و پانصد و پانزده میل مربع سطح آنست تعداد
نفوسش دوازده لک و چهارصد و هشت نفر است که بحساب ایران
(دو کرور و دویست و چهارصد و هشت نفر میشود) مواضع مشهوره اش شهر
ترچناپلی و سری رنگم است پانزدهم محوطهٔ مدیورا که در سمت جنوبی ترچناپلی
واقع شده است نه هزار و پانصد و دو میل مربع سطح آنست و بیست و دو لک
و شصت و شش هزار و ششصد و پانزده نفر جمعیت دارد که بحساب ایران
چهار کرور و دویست و شصت و شش هزار و ششصد و پانزده نفر میشود) مواضع
مشهورهٔ اینجا شهر مدیورا و دندی گل است شانزدهم محوطهٔ تینولی که در طرف
جنوبی مدیورا واقع شده است و پنج هزار و یکصد و هفتاد و شش میل مربع
سطح آنست و شانزده لک و نود و سه هزار و نهصد و پنجاه و نه نفر جمعیت
آنجاست که بحساب ایران (سه کرور و یکصد و نود و سه هزار و نهصد و پنجاه
نفر میشود) مواضع مشهوره اش شهر تینولی و پالم کوتا و توتی کورن و یا
توتی کوری) است هفدهم محوطهٔ سیلم که در طرف غربی ارکات جنوبی

ڈنڈیگل

واقع است سطح آن هشت هزار و چهار صد و هشتاد و دو میل مربع است و
نوزده لک و شصت و شش هزار و نهصد و نود و پنج نفر جمعیت دارد که بحساب
ایران (سه کرور و چهار صد و شصت و شش هزار و نهصد و نود و پنج نفر میشود)
مواضع مشهوره آنجا همان شهر سیلم است بعد هم محوطه کویم بتور که در
سمت غربی سیلم واقعست و هشت هزار و چهار صد و سی و دو میل مربع
سطح آنست و هفده لک و شصت و سه هزار و دویست و هفتاد و چهار
نفر جمعیت دارد که بحساب ایران (سه کرور و دویست و شصت و سه هزار
و دویست و هفتاد و چهار نفر میشود) مواضع مشهوره آن همان شهر کویم بتور است
نوزدهم محوطه نیلگری که در جانب غربی کویم بتور واقع است هفتصد و
چهل و نه میل مربع سطح آنست و چهار هزار و نهصد و پنجاه نفر جمعیت دارد
مواضع مشهوره اش شهر انگمند و کنور و منادی است بیستم محوطه ملیبار

من ناڈی

که در سمت غربی نیلگری واقع شده است و شش هزار و دو میل مربع
سطح آنست و بیست و دو لک و شصت و یکهزار و دویست و پنجاه نفر جمعیت
دارد که بحساب ایران (چهار کرور و دویست و شصت و یکهزار و دویست و پنجاه

نفر

نفر میشود) مواضع مشهوره آن یکی شهر کالیکوت و شهر بیپور و کوچین و
تلیچری و کنانور است بیست و یکم محوطه است که آنرا کناره جنوبی گویند
در طرف شمالی ملیبار واقع شده است و دو هزار و نهصد و دو میل مربع
سطح آنست و نهصد و هجده هزار و سیصد و شصت و دو نفر جمعیت دارد
بلاد مشهوره اش شهر منگلور است

بیان در مجملی از احوال بلاد مشهوره متعلقه بحکومتی مدرس

شهر چترپور مرکز محوطه گنجام است و قصبه مشهوره این محوطه یکی برهم پور است
که بسیار معمور و آباد است درین قصبه پارچه های ابریشمی بسیار خوب بافته
میشود و علاوه بر آن قصبه برهم پور و رسل گوندا معسکر انگلیسهاست دیگر
گوپالپور که در کنار دریا واقع شده است و قصبه چکاکول که در طرف جنوبی
گوپالپور واقع است و جای بسیار معمور و آبادی است و ویزگاپتن این شهر
نیز در کنار دریا واقع است از جمله صنایع اهالی اینجا یکی جعبه هائی است که از
شاخ میسازند و بفاصله هجده میل شهر بملی پتن است که آنرا بمنی پتن نیز
میگویند این شهر بندرگاه خوبی است و بفاصله سی میل شهر وزیانگرم است

که یکی از معسکرهای انگلیسهاست شهر راج مندری مرکز محوطه گوداوریست شهر
ایلور در طرف جنوبی و غربی راجمندری واقع شده است قالیهای خوب
در اینجا میبافند قصبه کورنگا و کوکنیدا که این هردو نیز در کنار دریا واقعند
و بندرگاه خوبی هستند شهر مچلی پتن یا مچلی بندر اینشهر در محوطه کرشنا در مرکز محوطه
واقع شده است تمام محکمه جات حکومتی آن محوطه در اینشهر است و بندرگاه
بزرگیست قلمکار و سایر چیت ها را در اینشهر بسیار خوب درست میکنند گنتور
اینشهر در ایام سلطنت مسلمانان بسیار مشهور و معروف بود ولیکن حال چندان
جمعیت و آبادی ندارد کرنول در کنار رودخانه تنگبدرا واقع شده است
و شهر بسیار خوبی است بلاری اینشهر نیز یکی از معسکرهای انگلیس است
و در سمت شرقی شهر بلاری قصبه گوتی است و قلعه بسیار محکمی از قدیم الایام
در آنجا ساخته شده است و در طرف شمالی و غربی بلاری شهریست موسوم
به بجی نگر که در کنار رودخانه تنگبدرا واقع شده است از شهرهای قدیمه
هندوستان بوده اکنون ویرانه افتاده است نیلور در محوط اینجا گاوهای
بسیار بزرگ قوی هیکل بدست میاید در طرف شمالی نیلور قصبه انگول است

[margin: تنگبدرا]

[catchword: ومعموره]

و معموره بسیار بزرگی است شهر سیداپت مرکز محوطه جنگل پت است سابق
برین شهر جنگل پت مرکز بود ولیکن چندیست که محکمه جات حکومتی در شهر سیداپت
قرار یافته است شهر کانجی ورم یا کانجی پورم از شهرهای قدیمه است و شهریست
بسیار بزرگ و بتخانه معروف و مشهوری دارد و شهر ماولی پورم سابق برین دار السلطنه
راجه نل بوده است در کوه متصل بآنجا بتخانه های متعدده است که کوه را تراشیده
و بطرزهای غریب بتخانه ها ساخته اند مدرس یا مندراج اینشهر در کنار دریا
واقع شده است و دار الحکومه تمام محوطه متعلقه بآنجاست و قلعه در وسط
شهر مدرس ساخته شده است از بناهای فورت سینت جارج صاحب
که از سردارهای انگلیس بوده است و سپاه خاصه انگلیسها در آنقلعه مسکن دارند
و چهار سمت این قلعه خندق بسیار بزرگی است که همیشه مملو از آب است
و خاکریز این قلعه بنحوی است که هیچوقت توپ بدیوار قلعه نمیرسد تمام
توپخانه و آلات حرب انگلیسها در میان آن قلعه محفوظ است و از سه سمت
توپهارا بطرف دریا کشیده اند و این قلعه مخصوص برای جنگ کردن است
شهر چیتور مرکز محوطه ارکات شمالی است ویلور قصبه بسیار بزرگ معموریست

و در سمت شمالی آنجا قصبهٔ ترپتی است و آنجا عبادتگاه بت‌پرستان است
در محوطهٔ ارکات جنوبی شهر گدالور مرکز آن محوطه است و در قرب آن شهر قلعه‌ایست
که از بناهای فورت سینت دیوو نامی بوده است از سرداران انگلیس که
اکنون بسیاری از آن قلعه خراب شده است در طرف شمالی و غربی گدالور
قصبهٔ جنجی است در اینجا هم یک قلعهٔ بسیار بزرگی است شهر پوچری یا
پاندیچری که در تصرف دولت فرانسه است در همین محوطهٔ ارکات جنوبی
واقع است تنجور شهر بسیار بزرگیست و محل تجارت و بیع و شری است
و از حیثیت بسیاری زراعت بعد از محوطهٔ برار در مملکت هندوستان ثانی
ندارد در وسط این شهر دو قلعهٔ بسیار بزرگ است و یک تبخانهٔ بسیار عظیمی از عهد اوایل است
که بت بزرگ هندوان است و ارتفاع گنبد این تبخانه تقریباً هشتاد
ذرع است که تمام آنرا از سنگ حجاری شده ساخته‌اند که در تمام ممالک
هندوستان ثانی ندارد و نیگاپتن در کنار دریا واقع شده و بندرگاه معتبریست
ترنکبار این شهر نیز بندرگاه است و چندی قبل در تصرف دولت دنمارک بود
شهر ترچناپلی در تمام آن محوطه از حیثیت آبادی و معموری درجهٔ دوم مدرس است

مدیورا از شهرهای قدیمهٔ هندوستان است و در این شهر تبخانه‌های بسیاری هست
قصبهٔ دندی گل قلعهٔ بسیار محکمی است و در بالای کوه ساخته شده است
آب و هوای اینجا بسیار نیکو است و جزیرهٔ رامیشر در قرب آنجاست
و در وسط آن جزیره یک تبخانه با اسم مهادیو ساخته شده است و بانی
آن تبخانه رام چندر بوده است که از سلاطین قدیمهٔ هندوستان است
شهر پالم کوتا و تنی ولی این هر دو قریب بیکدیگر آباد شده‌اند و رودخانهٔ
تامرپرنی از میانهٔ این دو شهر میگذرد و شهر توتی کورن بندرگاه معتبری است
و از اینجا پنبهٔ بسیاری بخارج میبرند و در قرب آن بندرگاه مروارید بسیار
بیرون میآید کویم بتور در قرب کوه نیلگری است و شهر بسیار خوبی است
و در کوههای نیلگری شهر اتکمند و کنور شهرهای مشهور و معروفی است
و محل تبدیل و تغییر آب و هوای انگلیسهاست وینیاد موضعی از کوههای
نیلگریست که از او طلا بیرون میآورند شهر کالی کوت در کنار دریا واقع
شده است و مرکز محوطهٔ ملیبار است و این اول بندرگاهی است که
انگلیسان جهاز خود را بآنجا آورده‌اند بیپور در این شهر حد غربی راه آهن مدرس

با منتها میرسد در سمت جنوبی کالی کوت شهر کوچین آباد شده است
در طرف شمالی کالی کوت شهر تلیچری است که آنهم بندرگاه معتبریست
شهر کنانور یکی از معسکرهای انگلیس است منگلور مرکز محوطه کناره جنوبی است
و در همین شهر ما بین تیپو سلطان و انگلیسها یک عهدنامه منعقد گردید

بیان در احوال حکومتی مملکت برار

اینمملکت در طرف شمالی مملکت دکن واقع شده است و محدود است
بحدود اربعه ذیل — حد شمالی برود خانه تاپتی منتهی میشود — و حد شرقی
با حائط وردا که جزو بعض ممالک مرکزی است اتصال می یابد — و حد جنوبی
آن برود خانه پین گنگا ملحق میشود — و حد غربی بمحوطه خاندیس که جزو
حکومت بمبئی است میرسد اراضی اینملک تماما حاصل خیز است خاصه
زراعت پنبه که بوفور میشود و آب و هوای اینجا بالنسبه بمملکت دکن بهتر است
و اینمملکت سابق برین شامل ایالات مملکت دکن بود از ۱۸۵۳ عیسوی
فرمانروای مملکت دکن این قطعه را برای مخارج افواج انگلیس [بدولت انگلیس] بایشان وا گذار
نمود که در واقع بمنزله خراج مملکت دکن این قطعه را مجزا کرده و بانگلیسها واگذا

سرحد

کرده و ناظم آنمملکت قونسول مقیم در حیدر آباد دکن است ملک برار بدو قسمت
منقسم شده است یکی را برار شرقی و دیگری را برار غربی گویند و هر یک از
این دو قسمت مشتمل بر سه محوطه است و هر محوطه دارای چند شهر و قصبه است
از قرار تفصیل ذیل — قسمت اول مشتمل است بر سه محوطه اول محوطه ایلچ پور
که در سمت غربی ناگپور واقع شده است دو هزار و ششصد و بیست و سه میل
مربع سطح آنست و دویست و هشتاد و هشت هزار و پانصد و هفتاد و شش نفر
جمعیت دارد مواضع مشهوره اش یکی شهر ایلچ پور و یکی کاویل گده است
دوم محوطه امراوتی که در سمت جنوبی ایلچ پور واقع شده است سطح آن دو
هزار و هفتصد و شصت و هفت میل مربع است و پانصد و یکهزار و سیصد و
سی و یک نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره آنجا یکی امراوتی و یکی بدنیره است
سوم محوطه ون که در طرف جنوبی و شرقی امراوتی واقع است [هزار و نهصد و نوزده میل مربع سطح آن است] و سیصد و
بیست و سه هزار و ششصد و هشتاد و نه نفر جمعیت دارد و شهر ون از
مواضع مشهوره این محوطه است ۲ قسمت غربی برار این قسمت نیز مشتمل بر سه محوطه است [illegible]
بیان
اول محوطه آکولا که در جانب غربی امراوتی و ایلچ پور واقع است و دو هزار و

اصطلاحات هند

وشش صد و پنجاه و چهار میل مربع سطح آنست تعداد نفوسش چهار صد و
شصت هزار و ششصد و پانزده نفر است مواضع مشهورهٔ آن یکی شهر اکولا و
یکی خامگانو و دیگری ارگانو است دوم محوطه بلدانه که در طرف جنوبی
اکولا واقع است و دو هزار و ششصد و هفت میل مربع سطح آنست
و سیصد و شصت و پنجهزار و هشتصد و هفتاد و نه نفر جمعیت دارد مواضع
مشهورهٔ آن یکی شهر بلدانه و یکی دیولگانو است سوم محوطه باسم که در
سمت شرقی بلدانه واقع شده است و دو هزار و نهصد و پنجاه و هشت
میل مربع سطح آنست و دویست و هفتاد و شش هزار و چهار صد و هشت
نفر جمعیت دارد مواضع مشهورهٔ این محوطه همان شهر باسم است

بیان در مجملی از احوال مشهورهٔ مملکت برار

شهر ایلچ پور در ایام سلطنت مسلمانان دار الحکومهٔ محوطهٔ مملکت برار
بوده و اکنون هم جمعیت آنجا تقریبا چهل و هشت هزار نفر است در طرف
غربی شهر ایلچ پور قصبه گاولگده است یک قلعه محکمی از بناهای قدیم در
آنجا هست شهر امراوتی نسبت بسایر شهرهای معمورهٔ هندوستان از حیثیت

آبادی

آبادی نیز درجه دوم میباشد در اینجا تجارت پنبه بسیار میشود و در طرف غربی
شهر امراوتی قصبه خامگانو است انبارهای پنبه در این قصبه بسیار است
قصبه ارگانو در سنوات سالفه مابین انگلیسها و طایفه مرته در اینجا جنگ
عظیمی واقع شد تا آخر الامر جنرال ولزلی با جمعی از سپاه انگلیس لشکر طایفه
مرته را در همین قصبه شکست داد

بیان در احوال حکومتی ملک اجمیر و مرواره

این دو قطعه زمین در وسط مملکت راجپوتانه واقع شده و حدود این دو
قطعه از سمتی با ایالت جودپور میرسد و از طرفی به اودی پور متصل میشود و از
طرف دیگر با ایالت کشنگده منتهی میشود سابق بر این ملک اجمیر متعلق به
حکومتی ممالک مغربی و شمالی هندوستان بود و لیکن از سنه ۱۸۷۱ عیسوی این
دو قطعه را حکومت انگلیس از ممالک مذکوره مجزا نموده و سپرده فرمانفرمای
هندوستان شد و اکنون نظم دهنده آنجا وکیل فرمانفرمای هندوستان است
که آنرا مامور مخصوص اجمیر و مرواره مینامند محل حکومتی آن وکیل همیشه اوقات در شهر
اجمیر است از مواضع متبرکه این شهر بقعه و بارگاهی است از خواجه معین الدین

چشتی و بقدری اینموضع را مسلمانان هند محترم میشمارند که در عهد سلطنت اکبرشاه
مشارالیه با پای برهنه از شهر اگره برای زیارت این بقعه باجمیر آمد و بفاصلهٔ یازده
میل از اجمیر قصبهٔ نصیرآباد است که یکی از معسکرهای انگلیسهاست و از سمت دیگر
بفاصلهٔ شش میل دریاچهٔ پشکر جی است که زیارتگاه طایفهٔ هنود است و از مسافات
بعیده برای زیارت این دریاچه می آیند و بت پرستان اعتقاده اینست که خداوند
این دریاچه را چشم است زمین قرار داده و گویند که سالی یکمرتبه اوناد بندگان
خود را در لب این دریاچه دعوت میکرد و آنها را علم میآموخت بنا علیه غسل
کردن در آن دریاچه را بسیار نیکو و عظیم میشمارند و گویند که هرکس در تمام عمر یکمرتبه
درین دریاچه غسل کند از تمام گناهان صغیره و کبیره پاک و منزه میشوند .

بیان در حکومتی مملکت کرگ
این قطعه ما بین ایالات ملیبار
و میسور واقع شده است درین
قطعه کوه و جنگل بسیار است
و درختهای گل خودرو و فوز
دارد و قهوه نیز از جملهٔ حاصلهای
مشهورهٔ همین مملکت است و حکومت
آنجا با شخص ناظمی است از جانب
فرمانفرمای هندوستان
و در تحت امر و نهی مأمور مخصوص
مقیم در مملکت میسور است محل
حکومتی مملکت کرگ در شهر
مرکرا است

بیان در احوال حکومتی برتش برمان یعنی برمای متعلقه بانگلیس

موضعی که از ممالک برمان در قبضه و تصرف انگلیسان است آنرا برتش برما
گویند این قطعه از طرف شرقی بنگاله به خلیج جاتگانو متصل میشود و از آنجا تا نیمه جزیره
ملایا اتصال یافته ملحق میشود این مملکت اغلب کوهستان و آبادی آن بسیار کم است

و از کوهها

و از کوههای آنجا از سمت شرقی و غربی شعبه های چند رودخانه ها از وسط
آنمملکت میگذرد که یکی رودخانهٔ ایراوتی و دیگری سالوئن و دیگر ستانگ
که رودخانه های مشهورهٔ آنجاست فصول آنخطه هم مانند مملکت هندوستانست
و از بسیاری بارندگی در ایام چهار ماه متوالی دریا و رودخانه های متعلقه بآنخطه
در طغیان است بامعنی که درین ایام همیشه سیلاب از کوههای آنجا جاریست
باینواسطه ساکنین آنخطه و برای آسایش خود خانه های بسیار مرتفع از چوب و تخته
ساخته اند بامعنی که چوبهای بسیار قوی را در زمین نصب کرده و بر روی آنها
منزل برای خود بنا کرده اند اهالی برمان عموماً زراعت پیشه اند و پیروی
مذهب بودا مینمایند زراعات مشهورهٔ آنخطه برنج و تنباکو و پنبه است .
سابق برین اینممالک متصرفی انگلیس در تحت حکومت بنگاله بود ولیکن از سنهٔ ۱۸۶۲
عیسوی آنمملکت را از حکومتی بنگاله مجزا کرده و سپرده بمأمور مخصوصی کردید آنمملکت را
بر سه قسمت منقسم نموده اند و هر قسمتی مشتمل بر چند محوطه است و هر محوطه دارای چند شهر
قصبهٔ مشهوره است

بیان در قسمت اول متعلقه بحکومتی برما

این قسمت را اراکان گویند مشتمل بر چهار محوطه است اول محوطه اکیاب که
در طرف جنوبی چاتگانو واقع است پنجهزار و سیصد و سی و هفت میل مربع
سطح آنست و دویست و هشتاد و هفتهزار و هفتصد و شصت نفر جمعیت دارد
مواضع مشهوره آن همان شهر اکیاب است محوطه دوم را اراکان شمالی گویند
که در طرف شرقی اکیاب واقع است سطح آن یکهزار و دویست و سیزده
میل مربع است و سیزده هزار و یکصد و شصت و یکنفر جمعیت دارد مواضع
مشهوره آنجا شهر اراکان است سوم محوطه کیوکفیو که در طرف جنوبی و شرقی
اکیاب واقع شده است و چهار هزار و سیصد و نه میل مربع سطح آنست تعداد
نفوسش یکصد و چهل و شش هزار و هشتصد و بیست و هشت نفر است مواضع
مشهوره آن یکی شهر کیوکفیو و یکی رامری است چهارم محوطه سیندوی
که در طرف جنوبی کیوکفیو واقع شده است سطح آن سه هزار و ششصد و شصت
و هفت میل مربع است و پنجاه و شش هزار و هفتصد و هشتاد و دو نفر جمعیت
دارد و بلاد مشهوره آن شهر سیندوی است

بیان در قسمت دوم متعلقه بحکومتی برمای انگلیسی

این

این قسمت را پیگو گویند و مشتمل است بر هفت محوطه اول محوطه شهر رنگون
که سیزده میل مربع سطح آنست و نود و یکهزار و چهارصد و پنجاه و هشت نفر
جمعیت دارد و در این محوطه سوای شهر رنگون جای دیگری نیست دوم محوطه
ضلع رنگون (یعنی حوالی رنگون) این محوطه در سمت شمالی خلیج مرتبان واقع
شده است سطح آن چهار هزار و دویست و سی و شش میل مربع است و بیست
و شش هزار و ششصد و هشتاد و پنج نفر جمعیت دارد و مواضع مشهوره آنجا شهر
پگو است سوم محوطه تونگوا که در سمت جنوبی سیندوی واقع شده است
سطح آن پنجهزار و چهارصد و سیزده میل مربع است و دویست و ده هزار و
نهصد و هشتاد و پنج نفر جمعیت دارد مواضع مشهوره که در این محوطه است یکی شهر
پاندون و پنتنا و دیگری دونی بیو است چهارم محوطه بسین که در
جانب غربی رنگون واقع است و هفتهزار و چهل و هفت میل مربع سطح
آنست تعداد نفوسش دویست و نود و هفتهزار و پانصد و پنجاه و هفت
نفر است مواضع مشهوره که در این محوطه است همان شهر بسین میباشد
پنجم محوطه هنزادا که در سمت شمالی بسین واقع شده است و چهار هزار

تهونگوا

پنتهنا

و یکصد و شصت و دو میل مربع سطح آنست و پانصد و هجده هزار و هفتصد و
سی و نه نفر جمعیت دارد بلاد مشهوره که در این محوطه هست یکی شهر هنزادا و
یکی کیانگین و دیگری میانانگ و زیون هست ششم محوطه پروم که
در طرف شرقی سیندوی واقع شده است سطح آن دو هزار و هشتصد و
هشتاد و هفت میل مربع است تعداد نفوسش دویست و هشتاد و دو
هزار و یکصد و هفتاد و هشت نفر هست شهر و قصبه های مشهوره آن یکی شهر
پروم و یکی شویدنگ و دیگری پونگدی است هفتم محوطه تیت میو که
در سمت شمالی پروم واقع شده است — و دو هزار و سیصد و نود
و شش میل مربع سطح آنست و یکصد و چهل و هشت هزار و دویست
و سی و چهار نفر جمعیت دارد در این محوطه سوای شهر تیت میو موضع معروفی ندارد

تیت میو

بیان در قسمت سوم متعلقه بحکومتی برمای انکلیسیه

این قسمت را به تناسرم میگویند و مشتمل است بر شش محوطه اول محوطه
امرست این محوطه هم در خلیج مرتبان واقع شده است و پانزده هزار و
دویست و سه میل مربع سطح آنست و دویست و هشتاد و چهار هزار و

امهرسٹ

هشتصد

هشتصد و سی و یک نفر جمعیت دارد و محل مشهور در این محوطه شهر مولمین است
دوم محوطه تیوای که در طرف جنوبی امرست واقع شده است سطح
آن هفت هزار و دویست میل مربع است و هفتاد و نه هزار و یکصد و بیست
و دو نفر جمعیت دارد و مواضع مشهوره این محوطه همان شهر تیوای است سوم
محوطه مرگوئی که در سمت جنوبی تیوای واقع شده است سطح آن هفت هزار
و هشتصد و نه میل مربع است و پنجاه و دو هزار و یکصد و هفتاد و پنج نفر
جمعیت دارد و در این محوطه موضع مشهوری سوای شهر مرگوئی ندارد چهارم
محوطه شوئی جین در سمت شمالی امرست واقع است و پنج هزار و پانصد و
شصت و چهار میل مربع سطح آنست و یکصد و سی و نه هزار و چهار صد و
سی و دو نفر جمعیت دارد و موضع مشهور آنجا شهر شوئی جین است
پنجم محوطه تونگو که در جانب شرقی پروم واقع شده است سطح آن
شش هزار و سیصد و پنجاه و چهار میل مربع است و هشتاد و نه هزار و
دویست و بیست و هشت نفر جمعیت دارد و محل مشهور آنجا شهر تونگو است
ششم محوطه سالون که در طرف شرقی تونگو واقع است و چهار هزار و

و ششصد و سی و شش میل مربع سطح آنست تعداد نفوسش سی و شش هزار
و ششصد و چهل و نه نفر است مشهورترین مواضع آن شهر سالون است

بیان در مجملی از احوال بلاد مشهوره برمای انگلیسی

اکیاب از این شهر برنج بسیاری بخارج حمل میشود کیوکفیو این شهر در کنار دریا واقع
شده و لنگرگاه بسیار خوبی دارد و محل هرگونه تجارت و بیع و شری است
سیندوی در محوطه تنباکوی بسیاری زراعت میشود که تمام برگ انها را بطرز
سیگار می پیچند رنگون در کنار رودخانه ایراوادی واقع شده است و
دارالحکومه برمای انگلیسی در همین شهر است عمده تجارت این شهر برنج و
چوب است دونی بیو در سنه ۱۸۵۲ عیسوی در این شهر ما بین انگلیسها و اهالی برمان
عهدنامه منعقد گردید بسین در محوطه اینجا جنگلهای چوب و معادن نمک
بسیار میشود هنزادا این شهر هم در کنار رودخانه ایراوادی آباد شده است
شهر بسیار خوب و لطیفی است در محوطه شهر پرُوم معدن پترولیم یافته میشود
که یکنوع گلی است که از او روغنیات عمل میآید مولمین در این شهر تجارت چوب
بسیار میشود این شهر از حیثیت آبادی و معموری درجه دوم شمرده میشود امرست

این ناحیه

این ناحیه از حیثیت بسیاری چوب مشهور و معروف است شهر تونگو و
تیت میو لشکرگاه انگلیسهاست

بیان در شهرها و ممالکی که در هندوستان در تصرف نواب و راجه های آنجاست

مخفی نماناد که ممالک مذکوره در فوق جاهائی بود که در قبضه و تصرف
انگلیس بود اکنون مختصری از ممالک و بلادی که در هندوستان بتصرف
راجه و نوابهای آنجاست و در حفاظت دولت انگلیس است که در
حقیقت مطیع و خراجگذار دولت مشارالیه است بیان مینمائیم و شرح آن
از قرار تفصیل ذیل است — باید دانست که اکنون هم که انگلیسها هندوستان را
متصرف شده اند باز هم زیاده از دو ثلث مملکت در حیطه تصرف خود
هندیان است لیکن مالیات آنها بالنسبه بممالک متصرفه خود انگلیس بسیار
کم است تمام محوطه متصرفه نواب و راجه های هندوستان سطحاً از روی
تخمین ششصد هزار میل مربع است و تعداد رعایای آنها تقریباً پنج کرور هندیست
که یکصد کرور ایران باشد و تمام مالیات مملکتی آن بهمه جهة دوازده کرور

روپیه است که (عبارت از شصت کرور تومان باشد) ایالات مشهوره آنها را
بموجب ذیل ذکر مینمائیم تا بر ناظرین پوشیده نماند اول مملکت رامپور
این مملکت در جزو ممالک شمالی و مغربی هندوستان شمرده میشود تمام سطح آن
نهصد و چهل و پنج میل مربع است و پانصد و هفتهزار نفر رعیت دارد تمام مالیات
ملکی ریاست رامپور چهارده لک و شصت هزار روپیه است که (عبارت از
سیصد و شصت و پنجهزار تومان باشد) بلاد مشهوره این محوطه شهر رامپور است
دوم مملکت گدوال این مملکت نیز در جزو ممالک مغربی و شمالی هندوستان است
و چهار هزار و یکصد و هشتاد میل مربع سطح آنست و یکصد و پنجاه هزار نفر رعیت
دارد تمام مالیات ملکی ریاست گدوال هشتاد هزار روپیه است که تقریبا
بیست هزار تومان میشود بلاد مشهوره این محوطه شهر تری است سوم محوطه کوچ بهار
که در جزو مملکت بنگاله شمرده شده است دو هزار و سیصد و هفت میل مربع
سطح آنست و پانصد و سی و دو هزار نفر رعیت دارد و مالیات ملکی ریاست
آنجا ده لک روپیه است که تقریبا دویست و پنجاه هزار تومان میشود بلاد مشهوره
این محوطه شهر کوچ بهار است چهارم محوطه شلم این محوطه نیز در انتهای مملکت بنگاله

لوکه جهال

تهری

واقع

واقع شده است و دو هزار و ششصد میل مربع سطح آنست بلاد مشهوره اش
شهر تملانگ میباشد رعایا و مالیات این محوطه معلوم نیست پنجم محوطه منی پور که
در جزو مملکت آسام واقع است و هفتهزار و پانصد میل مربع سطح آنست و
یکصد و بیست و ششهزار نفر رعیت دارد و شصت هزار روپیه مالیات ایالتی
آنجاست موضع مشهور این محوطه همان شهر منی پور است ششم محوطه کشمیر که
جزو ممالک پنجاب محسوب میشود سطح آن شصت هزار میل مربع است و پانزده
لک و سی و پنجهزار نفر رعیت دارد که بحساب ایران (سه کرور و سی و پنجهزار نفر میشود)
تمام مالیات ملکی ریاست آنجا پنجاه و پنج لک روپیه است که بحساب ایران
دو کرور و سیصد و هفتاد و پنجهزار تومان میشود) بلاد مشهوره آنجا یکی شهر بهاولپور و
دیگری اوچه است هشتم محوطه پتیاله این محوطه نیز در مملکت پنجاب واقع است
و پنجهزار و چهارصد و دوازده میل مربع سطح آنست و پانزده لک و هشتاد و
و ششهزار نفر رعیت دارد و مالیات ملکی ریاست آنجا چهل و پنج لک و
شصت و ششهزار روپیه است که بحساب ایران دو کرور و یکصد و چهلهزار
تومان میشود) نهم محوطه نابه این محوطه در مملکت پنجاب واقع است و هشتصد و

جمون و کشمیر و اسلام آباد و لداخ
و پانچور میباشد هفتم محوطه بهاولپور
این محوطه نیز در مملکت پنجاب واقع
شده است و بیست و پنجهزار میل
مربع سطح آنست و چهارصد و
پنجاه و ششهزار نفر رعیت دارد
تمام مالیات ملکی ریاست
آنجا شانزده لک روپیه است که
بحساب ایران سیصد و هفتاد و
پنجهزار تومان میشود بلاد مشهوره
آنجا یکی شهر

وشصت و دو میل مربع سطح آنست و دویست و بیست و شش هزار نفر رعیت دارد
تمام مالیات ریاستی آنجا شش لک و پنجاه هزار روپیه است که عبارت از یکصد و
شصت و دو هزار و پانصد تومان میشود) موضع مشهور آنمحوطه همان شهر نابه است
دهم محوطه جیند آنمحوطه نیز در مملکت پنجاب است و یکهزار و دویست و سی و شش
میل مربع سطح آنست و یکصد و نود هزار نفر رعیت دارد و چهار لک روپیه
مالیات ریاست آنجاست که عبارت از یکصد هزار تومان میشود) مواضع مشهور
آنمحوطه همان شهر جیند است یازدهم محوطه فریدکوت آنمحوطه هم در مملکت پنجاب است
سطح آن ششصد و چهل و سه میل مربع است تمام رعیت متعلقه بریاست
آنمحوطه شصت و هشت هزار نفر است و تمام مالیات ملکی آنجا سه لک روپیه است
که عبارت از هفتاد و پنج هزار تومان میشود) دوازدهم محوطه کپورتله آنمحوطه نیز در مملکت
پنجاب است و پانصد و نود و هشت میل مربع سطح آنست و دویست و پنجاه و هشت هزار
نفر رعیت دارد و مالیات ملکی ریاست آنجا بهمه جهت نه لک و پنجاه هزار روپیه است
که عبارت از دویست و سی و هفت هزار و پانصد تومان میشود) شهر مشهور آنجا همان شهر کپورتله است
سیزدهم محوطه چنبا آنمحوطه نیز در مملکت پنجاب واقع است و سه هزار و

جیند

کپورتهله

دویست

دویست و شانزده میل مربع سطح آنست و یکصد و سی هزار نفر رعیت دارد
مالیات ملکی ریاست آنجا بهمه جهت دویست و پانزده هزار روپیه است که تقریباً
پنجاه و سه هزار و پانصد تومان میشود) شهر مشهور در محوطه چنباست چهاردهم محوطه
مندی آنمحوطه نیز در مملکت پنجاب واقع است هزار و هشتاد میل مربع سطح
آنست و تمام رعایای آن یکصد و چهل و شش هزار نفر است و سیصد و پنجاه و
نه هزار روپیه مالیات ریاستی آنجاست که تقریباً نود هزار تومان میشود) پانزدهم
محوطه بستر آنمحوطه در جزو ممالک مرکزی هندوستان واقع است سطح آن
معین نشده رعایای آنمحوطه هشتاد و نه هزار نفرند و مالیات ریاستی آنجا
نود و دو هزار روپیه است که تقریباً بیست و سه هزار تومان میشود) شانزدهم
محوطه برووه آنمملکت در جزو ممالک متعلقه به بمبئی محسوب میشود سطح آن شانزده
هزار و پانصد میل مربع است تمام رعایای متعلقه بریاست آنجا بیست و
یک لک است آ روپیه است که عبارت از شش کرور و دویست و پنجاه هزار تومان
میشود) بلاد مشهوره در آنمحوطه یکی شهر بروده و یکی ونیه است هفدهم
محوطه کچ آنمحوطه نیز در جزو ممالک متعلقه به بمبئی محسوب میشود و شش هزار و پانصد

که عبارت از چهار کرور و یکصد
هزار نفر میشود تمام مالیات
ملکی ریاست آنجا یک کرور
و سی لک

سطح

میل مربع سطح آنست و پانصد هزار نفر رعیت دارد و چهارده لک و هشتاد و
و شش هزار روپیه مالیات ریاستی آنجاست که تقریبا سیصد و هشتاد هزار تومان
میشود بلاد مشهوره آنحوطه یکی شهر بج و یکی ماندوی است هجدهم محوطه
جوناگده آنحوطه نیز در جزو ممالک بمبی است و سه هزار و ششصد میل مربع
سطح آنست و سیصد و هشتاد و یکهزار نفر رعیت دارد و هجده لک روپیه
مالیات ریاستی آنجاست که تخمینا چهارصد و پنجاه هزار تومان میشود) مواضع
مشهوره آنحوطه شهر جوناگده و پتن سومنات و دوارکه است نوزدهم محوطه
باونگر آنحوطه نیز در جزو ممالک متعلقه به بمبی محسوب است و دو هزار و
هفتصد و هشتاد و چهار میل مربع سطح آنست و چهارصد و چهار هزار نفر رعیت
دارد و سی و یک لک روپیه مالیات مملکتی ریاست آنجاست که عبارت
از یک کرور و دویست و هفتاد و پنجهزار تومان میشود) شهر مشهور آنحوطه باونگر
است بیستم محوطه نوانگر آنحوطه نیز در جزو ممالک متعلقه بحکومتی بمبی است
و سه هزار و سیصد و نود و سه میل مربع سطح آنست و دویست و نود و یکهزار
نفر رعیت دارد مالیات ریاستی آنحوطه ده لک روپیه است که عبارت از

بج

جوناگده

باونگر

دویست پنجاه

کولهاپور

دویست و پنجاه هزار تومان میشود) بیست و یکم محوطه کولاپور آنحوطه نیز در جزو ممالک
متعلقه بحکومتی بمبی است سطح آن سه هزار و یکصد و هشتاد و چهار میل مربع است
و هشتصد هزار نفر رعیت دارد و مالیات ریاستی آنجا بهمه جهت هفده لک و پنجاه
و پنجهزار روپیه است که عبارت از چهارصد و چهل هزار تومان میشود) موضع مشهور
آن همان شهر کولاپور است بیست و دوم محوطه کمبایت آنحوطه هم در جزو ممالک
متعلقه بحکومتی بمبی است و سیصد و پنجاه میل مربع سطح آنحوطه است و هشتاد
و سه هزار نفر رعیت دارد و تمام مالیات ریاستی آنجا چهار لک روپیه است
که عبارت از یکصد هزار تومان میشود) موضع مشهور در این احاطه همان شهر کمبایت
است بیست و سیم محوطه خیرپور سند آنحوطه نیز در جزو ممالک متعلقه بحکومتی بمبی است
و شش هزار میل مربع سطح آنست و یکصد و بیست و شش هزار نفر رعیت دارد و پنج
لک و هشتاد و نه هزار روپیه مالیات ریاستی آنجاست که تقریبا یکصد و پنجاه هزار
تومان میشود) بیست و چهارم محوطه ساونت واری آنحوطه نیز در جزو ممالک متعلقه
بحکومتی بمبی است و نهصد میل مربع سطح آنست و یکصد و نود و یکهزار نفر رعیت
دارد و مالیات ریاستی آنجا سه لک روپیه است که عبارت از هشتاد و پنجهزار تومان

میشود بلاد مشهوره در انمحوطه همانشهر ساونت واری است بیست و پنجم محوطه تراونکور
انمحوطه هم در جزو ممالک متعلقه بحکومت بمبئی است هشت هزار و ششصد و پنجاه و سه
میل مربع سطح آنست تمام رعایای انمحوطه بیست و سه لک و یازده هزار نفر است که عبارت
از چهار کرور و سیصد و یازده هزار نفر میشود و تمام مالیات ملکی ریاست آنجا پنجاه و نه لک
و هفتاد و هشت هزار روپیه است که تقریبا سه کرور تومان میشود) بلاد مشهوره در انمحوطه
یکی شهر تروبن درم و یکی کوئلن و دیگری الوپی است بیست و ششم محوطه کوچین
انمحوطه در جزو ممالک متعلقه بحکومتی مدرس است و یکهزار و یکصد و شصت و یک میل مربع
سطح آنست تمام رعایای انمحوطه ششصد و یکهزار نفر است و تمام مالیات ریاستی
آنجا سیزده لک روپیه است که تقریبا سیصد و بیست و پنجهزار تومان میشود بلد مشهوره
انمحوطه شهر ارنی کولم است بیست و هفتم محوطه پتوکوتا انمحوطه نیز در جزو ممالک متعلقه
بحکومتی مدرس است و یکهزار و چهل و شش میل مربع سطح آنست و دویست و نود
و چهار هزار نفر رعیت دارد تمام مالیات ریاستی آنجا پنج لک روپیه است که تقریبا
یکصد و بیست و پنجهزار تومان میشود بلد مشهوره انمحوطه همانشهر پتوکوتا است .
بلاد مذکوره در هر ملکی واقع شده باشد عنان اختیار روسا و والیان آنها متعلق

بحکام

بحکام انگلیسی همانمحوطه است مثلا بلادی که در جزو ممالک متعلقه به بمبئی است
روسا و نواب آنها در تحت حفاظت حاکم بمبئی هستند و همچنین است سایر
بلاد و از نمره بیست و هشتم که بعد ذکر مینمائیم الی چهل و نهم ممالکی است که
راجه و روسای آنها در تحت حفاظت قونسول خانه راجپوتانه اند که در هر یک
از آن بلاد یکنفر نایب قونسولخانه انگلیسی در آنجا مقیم است و اسامی آنممالک
از قراری است که ذیلا ذکر خواهد شد — بیست و هشتم محوطه بهرت پور
سطح انمحوطه یکهزار و نهصد و هفتاد و چهار میل مربع است و ششصد و پنجاه
هزار نفر رعیت دارد و تمام مالیات ریاستی انمحوطه بهمه جهة بیست و شش لک
روپیه است که تقریبا یک کرور و یکصد و پنجاه هزار تومان میشود مواضع
مشهوره انمحوطه یکی شهر بهرتپور و یکی شهر دیگ است بیست و نهم محوطه الورا است
سطح آن هزار و پانصد و هفتاد و سه میل مربع میباشد تمام رعایای انجا
ده لک است که بحساب ایران دو کرور نفر میشود) مالیات ریاستی آن
بیست لک روپیه است که عبارت از یک کرور تومان میشود) بلاد مشهوره
انجا یکی شهر الور و یکی ماچیر است سی ام محوطه جیپور است و انمحوطه را

مملکت کوت دهندبار هم مثل مند پانزده هزار و دویست و پنجاه میل مربع سطح
آنست و نوزده لک تعداد رعایای المحوطه میباشد که بحساب ایران
سه کرور و چهارصد هزار نفر میشود تمام مالیات ریاستی آنجا پنجاه لک روپیه است
که تقریباً (دو کرور و دویست و پنجاه هزار تومان میشود) بلاد مشهوره آنجا یکی
شهر جیپور و دیگر رنتهمبور و آمیر و سانبهر است سی و یکم محوطه دهلپور است
سطح آن یکهزار و ششصد و بیست و شش میل مربع است تعداد رعایای
متعلقه بریاست آنجا پانصد و بیست و پنجهزار نفر است تمام مالیات
ملکی آنجا ده لک روپیه است که عبارت از دویست و پنجاه هزار تومان
میشود مواضع مشهور المحوطه همان شهر دهلپور است سی و دوم محوطه قرولی است
که یکهزار و هشتصد و هفتاد و هشت میل مربع سطح آن میباشد رعایای آنجا
یکصد و هشتاد و هشت هزار نفر اند مالیات ریاستی المحوطه سه لک و پنجاه
هزار روپیه است که تقریباً نود هزار تومان میشود موضع مشهور آنجا همان شهر
قرولی است سی و سوم محوطه تونک است که یکهزار و هشتصد و هفتاد
و سه میل مربع سطح آن میباشد و یکصد و هشتاد و دو هزار نفر رعایای آنجا است

رنتهمبور سانبهر

مالیات ریاستی المحوطه شانزده لک روپیه است که تقریباً چهارصد هزار
تومان میشود بلاد مشهور آنجا یکی شهر تونک و دیگری رمپورا و نیمبهیرا است
سی و چهارم محوطه کشنگده است که هفتصد و بیست و چهار میل مربع سطح
آنست تعداد رعایای آنجا یکصد هزار نفر است و دویست و بیست و
پنجهزار روپیه مالیات ریاستی المحوطه میباشد که عبارت از پنجاه و ششهزار
تومان است موضع مشهور آنجا همان شهر کشنگده است سی و پنجم محوطه
بوندی است که دو هزار و دویست و نود میل مربع سطح آن میباشد
رعایای آنجا دویست و بیست و چهار هزار نفر اند تمام مالیات ریاستی
آنجا پانصد هزار روپیه میشود که تقریباً یکصد و بیست و پنجهزار تومان است
موضع مشهور المحوطه همان شهر بوندی است سی و ششم محوطه کوتا که پنجهزار
میل مربع سطح آن میباشد تعداد رعایای آنجا چهارصد و سی و سه هزار نفر است
مالیات ریاستی المحوطه بیست و پنج لک و پنجاه هزار روپیه است که عبارت
از یک کرور و یکصد و سی و هفتهزار و پانصد تومان میشود موضع مشهور آنجا
همان شهر کوتا است سی و هفتم محوطه جالراپتن است که سطح آن دو هزار و

نیمبهیرا

کشن گده

جالراپتن

پانصد میل مربع است و دویست و بیست و شش هزار نفر رعیت دارد
مالیات ریاستی آنجا دویست و پنجاه هزار روپیه است که تقریباً شصت و
دو هزار و پانصد تومان میشود موضع مشهور آنجا همان شهر جالراپاتن است
سی و هشتم محوطه **پرتابگده** است که یکهزار و چهارصد و پنجاه و هشت میل
پرتابگده
مربع سطح آن میباشد تعداد نفوس رعایای متعلقه بریاست آنجا یکصد و
چهل و پنجهزار نفر است مالیات ریاستی اینمحوطه نیز شصت و دو هزار و پانصد
تومان است موضع مشهور آنجا شهر پرتابگده است سی و نهم محوطه **بانسواره** است
که سطح آن یکهزار و پانصد میل مربع است و یکصد و چهل و چهار هزار
نفر رعیت دارد مالیات ریاستی اینمحوطه یکصد و بیست و پنجهزار روپیه است
که تخمیناً سی و یکهزار و دویست و پنجاه تومان میشود چهلم محوطه **دونگرپور** است
که یکهزار میل مربع سطح آن میباشد و یکصد هزار نفر رعیت دارد و مالیات
ریاستی اینمحوطه نیز سی و یکهزار و دویست و پنجاه تومان است موضع مشهور
آنجا همان شهر دونگرپور است چهل و یکم محوطه **اودی پور** است که آنرا مملکت
میوار نیز میگویند سطح آن یازده هزار و ششصد و چهارده میل مربع است

آباده

و یازده لک و شصت و شش هزار نفر رعیت دارد که بحساب ایران ده کرور
و یکصد و شصت و شش هزار نفر میشود تمام مالیات ریاستی آنجا بیست و هفت
لک روپیه است که تقریباً یک کرور و یکصد و هفتاد و پنجهزار تومان میشود بلاد
مشهوره اینمحوطه یکی شهر اودی پور و یکی چتور و دیگر ناتهدواره است چهل و
دوم محوطه **سروهی** است که سه هزار و بیست میل مربع سطح آن میباشد
تعداد رعایای آنجا یکصد و پنجاه هزار نفر است و مالیات ریاستی اینمحوطه
تقریباً سی و یکهزار و دویست و پنجاه تومان میشود و بلاد مشهوره آنجا یکی شهر
جودهپور
سروهی و یکی آبو است چهل و سوم محوطه **جودپور** است اینمحوطه را مملکت
مارواڑ
مارواد نیز مینامند سی و پنجهزار و ششصد و هفتاد و دو میل مربع سطح
است و هفده لک و هشتاد و سه هزار نفر رعیت دارد که بحساب ایران
سه کرور و دویست و هشتاد و سه هزار نفر میشود تمام مالیات مملکتی آنجا
سی لک روپیه است که تقریباً یک کرور و دویست و پنجاه هزار تومان میشود
میرٹھ کھٹه
بلاد مشهوره اینمحوطه یکی شهر جودپور و دیگر ناگور و میرتا و کتو است چهل و
چهارم محوطه **بیکانیر** که هفده هزار و ششصد و هفتاد و دو میل مربع سطح آن میباشد

و پانصد و سی و نه هزار نفر رعایای متعلقه بریاستی آنجاست تمام مالیاتش
هفتصد و پنجاه هزار روپیه است که تخمیناً یکصد و نود و هزار تومان میشود بلاد
مشهوره آنجا یکی شهر بیکانیر و دیگر متنیر است چهل و پنجم محوطه جیسلمیر است (حاشیه: جیتیر)
که دوازده هزار و دویست و پنجاه و دو میل مربع سطح آن میباشد تعداد
رعایای آن هشتاد و سه هزار نفر است تمام مالیات ریاستی آنجا یکصد
هزار روپیه است که تقریباً بیست و پنجهزار تومان میشود)
این هجده محوطه که ذکر شد شانزده محوطه آن در تحت ریاست بت پرستانست
و محوطه بهرت پور که در نمره بیست و ششم ذکر شد در تصرف طایفه جات
میباشد و محوطه تونک که در نمره سی و سوم ذکر شد در تصرف مسلمانان است
اکنون از نمره چهل و ششم الی شصتم که از قرار تفصیل ذیل ذکر میشود محوطه هائی است
که در جزو ممالک مرکزی هندوستان شمرده میشود روسا و راجه های ممالک
در تحت محافظت مامور مخصوص ممالک مرکزی هستند و سوای سه محوطه آن
ما بقی را ملک بندیلکهند گویند و شرح آن از قراریست که ذکر میشود — ۰ (حاشیه: بندیلکهند)
چهل و ششم محوطه گوالیار انگلیسها آنرا حکومت سیندیا مینامند سطح آن (حاشیه: سیندهیا)

سی و سه

سی و سه هزار میل مربع است و سه صد و بیست و پنجهزار نفر جمعیت
دارد تمام مالیات ریاستی آنجا یک کرور و یازده لک روپیه است که
بحساب ایران پنج کرور و دویست و هشتاد و پنجهزار تومان میشود) بلاد مشهوره
آنجا یکی شهر گوالیار و یکی اوجین و نرور و بهلسا و پنج و چانسی و (حاشیه: بهلسا)
چندیری است چهل و هفتم محوطه اندور است این محوطه که آنرا حکومتی هلکر مینامند
هشت هزار و سیصد و بیست میل مربع سطح آن میباشد و هشتصد و پانزده
هزار نفر جمعیت دارد تمام مالیات ریاستی این محوطه سی لک روپیه است
که تقریباً یک کرور و دویست و پنجاه هزار تومان میشود بلاد مشهوره آنجا یکی
شهر اندور و یکی مئو و ماندو و مندلیشر است چهل و هشتم محوطه بوپال (حاشیه: بهوپال)
که شش هزار و هفتصد و چهل و پنج (شصت چهار) میل مربع سطح آن میباشد تعداد رعایای
آنجا هشتصد و پانزده هزار نفر است مالیات ریاستی آنجا بیست و چهار
لک روپیه است که عبارت از ششصد هزار تومان میشود بلاد مشهوره این محوطه
یکی شهر بوپال و یکی سیهور است چهل و نهم محوطه دهار است که دو هزار
میل مربع سطح آن میباشد رعایای متعلقه بریاست آنجا یکصد و بیست و پنجهزار

نفر است و پنج لک روپیه مالیات ریاستی آنجاست که عبارت از یکصد و
بیست و پنجهزار تومان میشود موضع مشهور آنمحوطه شهر دمار انگر است پنجاه هم
محوطه جورا اینمحوطه در تصرف مسلمانان است و هشتصد و هفتاد و دو میل
مربع سطح آن میباشد و هشتاد و پنجهزار نفر رعیت دارد و ششصد و پنجاه هزار
روپیه مالیات ریاستی آنجاست که تقریبا یکصد و شصت و دو هزار و پانصد
تومان میشود موضع مشهور آنمحوطه همان شهر جورا است پنجاه و یکم محوطه دیواس
اینمحوطه نیز در قبضه تصرف مسلمانان است و دویست و پنجاه و شش میل
مربع سطح آنست رعایای آنجا بیست و پنجهزار نفر اند تمام مالیات آن سی و
پنجهزار روپیه است که تخمینا هشت هزار و هفتصد و پنجاه تومان میشود موضع مشهور
آنجا شهر دیواس است پنجاه و دوم محوطه رئوان اینمحوطه از ممالک بگیل کند مشهور است

بگیل کهند

سطح آن دوازده هزار و هفتصد و بیست و نه میل مربع است و سیزده لک
و هشتاد هزار نفر رعیت دارد که بحساب ایران دو کرور و سیصد و هشتاد و
هزار نفر میشود مالیات مملکتی ریاست آنجا بیست و دو لک و پنجاه هزار
روپیه است که بحساب ایران یک کرور و شصت و دو هزار و پانصد تومان میشود

بندوکده

بلاد مشهوره آنجا یکی شهر ریوان و دیگری بندوکده و ستنا است پنجاه و سیم
محوطه دتیا که هشتصد و پنجاه میل مربع سطح آنست رعایای متعلقه بریاست
آنجا یکصد و سی هزار نفر اند و مالیات ریاستی آن بهمه جهه ده لک روپیه است
که تقریبا پنجاه هزار تومان میشود موضع مشهور آنجا همان شهر دتیا است پنجاه و

اورچا

چهارم محوطه اورچا که سطح آن دو هزار و یکصد و شصت میل مربع است و
دویست هزار نفر رعیت دارد و مالیات ریاستی آنجا ششصد هزار روپیه است
که تخمینا یکصد و پنجاه هزار تومان میشود موضع مشهور آنمحوطه شهر اورچا است

تهری چرکهاری

که تیری هم مینامند پنجاه و پنجم محوطه چرکاری است که هشتصد و هشتاد میل
مربع سطح آنست تمام رعایای آنجا هشتاد و یکهزار نفر است مالیات متعلقه
بریاست آنمحوطه پانصد هزار روپیه است که تقریبا یکصد و بیست و پنجهزار تومان میشود
موضع مشهور آنجا همان شهر چرکاری است پنجاه و ششم محوطه چترپور سطح
آن یکهزار و دویست و چهل میل مربع است و یکصد و بیست هزار نفر رعیت
دارد تمام مالیات ریاستی آنجا سیصد هزار روپیه است که تقریبا هفتاد و
پنجهزار تومان میشود موضع مشهور آنجا همان شهر چترپور است پنجاه و هفتم محوطه

اجی گده است پنجاه و هشتم محوطه پتنا است که سطح آن ششصد و هشتاد و
و هشت میل مربع است و شصت و هشت هزار نفر رعیت دارد مالیات ریاستی
آنمحوطه چهار لک روپیه است که عبارت از یکصد هزار تومان میشود موضع مشهور
آنجا همان شهر پتنا است پنجاه و نهم محوطه سمتر است که یکصد و هفتاد و پنجهزار
میل مربع سطح آن میباشد تمام رعایای آنجا سی هزار نفر اند و چهار لک و
پنجاه هزار روپیه مالیات ریاستی آنمحوطه است که تقریبا یکصد و دوازده
هزار و پانصد تومان میشود موضع مشهورش همان شهر سمتر است شصتم
محوطه بجاور که سطح آن نهصد و بیست میل مربع است و نود هزار نفر رعیت
دارد و سه لک و پنجاه هزار روپیه مالیات ریاستی آنجاست موضع مشهور
آنمحوطه همان شهر بجاور است - این پانزده محوطه جاهائی بود که درجزو
حفاظت مأمور مخصوص ممالک مرکزی شمرده میشد چنانکه ذکر شد .
شصت و یکم در احوال مملکت دکن است اگرچه در واقع آنمملکت نیز در حفاظت
دولت انگلیس است لیکن مملکتی است بسیار وسیع و پادشاه مخصوص و قشون
بسیاری دارد و از جانب دولت انگلیس یکنفر مقیم در آنجا معین است پایتخت

آنمملکت

آنمملکت حیدرآباد است تمام سطح آنمملکت نود و پنجهزار میل مربع است و
یک کرور هندی رعیت دارد که تقریبا بیست کرور ایران میشود تمام مالیات
مملکتی آنجا یک کرور و شصت و پنج لک روپیه است که تقریبا هشت کرور و
یکصد و بیست و پنجهزار تومان میشود شهرهای مشهوره در آنمملکت از اینقرار است
حیدرآباد - سکندرآباد - بلارم - وارنگل - بیدر - گلبرگه - اورنگ آباد
دولت آباد - نادیر - الیورا - اسائی - شصت و دوم مملکت میسور است
آنمملکت هم راجهٔ مخصوصی دارد و وزیر مقیمی از جانب دولت انگلیس در آنجا
مقرر است تمام سطح آنمملکت بیست و هشت هزار میل مربع است و پنجاه لک
و پنجاه و پنجهزار نفر رعیت دارد که بحساب ایران ده کرور و پنجاه و پنجهزار نفر میشود
تمام مالیات مملکتی آنجا یک کرور و هشت لک روپیه است که تقریبا پنج
کرور و دویست هزار تومان میشود بلاد مشهوره آنمملکت از اینقرار است .
میسور - بنگلور - سری رنگ پتن - نگر - شمبوگا - هری هر .

بیان در مجملی از احوال بلاد مذکوره متعلقه بروسای هندوستان

شهر سری نگر که آنرا کشمیر هم مینامند پارچه های پشمینه این شهر مشهور آفاق است
آب و هوای کشمیر در نیکوئی هیچ نسبتی بهندوستان ندارد بلکه در بسیاری
از ممالک روی زمین آب و هوا بآن خوبی یافت نمیشود و پامپور از جمله زراعات
مشهوره این شهر یکی زعفران است و تمام اطراف هندوستان میبرند لداخ
در این شهر محل تجارت کرک است که از آن شالهای بسیار خوب بافته میشود
شهر جمو که جمون هم مینامند محل اقامت مهاراجه کشمیر است بهاولپور در این شهر
پارچه های ابریشمی بسیار خوب بافته میشود و از جمله شهرهای متعلقه به بهاولپور
یکی شهر اوچه است که از شهرهای قدیم هندوستان است برووده این شهر
در خلیج کمبایت واقع شده است و محل ریاست و ایالت مهاراجه آن
مملکت است از بلاد عظیمه معتبره محسوب میشود و تقریبا یکصد و چهل هزار نفر
جمعیت دارد در سمت شمالی شهر برووده شهر دنیا است و معسکر انگلک
در آن شهر واقع است شهر بج این شهر دار الریاسه مهاراجه ملک کچ میباشد
بوج کچه
ماندوی بندر بسیار معتبری است و لنگرگاه بسیار خوبی دارد و از هر گونه تجارت
وسیع و شری در آنجا میشود و در ملک گایکوار که آنرا مملکت گجرات هم میگویند

ومتعلق

و متعلق بمهاراجه برووده است چندین محوطه هست که رؤسای عدیده دارد
از قبیل راجه و نواب که تمام آنها خراجگذار مهاراجه برووده هستند در طرف
جنوبی ملک کاتهیاوار پتن سومنات واقع است و در ازمنه سالفه بتخانه بسیار بزرگی از
مهادیو در آنجا بوده که در سنه ۴۲۳ هجری سلطان محمود غزنوی این بتخانه را خراب
نموده اموال کلیه که در آنجا بود بغارت برد و این بتخانه را بت پرستان در کمال
عظمت بنا نموده بودند از جمله آن بتخانه را بر روی پنجاه و شش ستون قرار داده
بودند و زنجیری از طلا برای زدن زنگ در میان آن بتخانه آویخته که دویست
من هند وزن و ثقالت داشته که تقریبا دوازده خروار ایران میشود قریب
دو هزار پارچه املاک موقوفه داشته است که از آنها مالیات می گرفته اند و
دو هزار نفر از اوباش و هنود و سیصد نفر خواننده خدمتگذار آن بتخانه بوده اند
در کوه گرنار معبد بسیار عظیم از جینیان متعلق بجینیان مقیم هندوستان است
و در قرب شهر جوناگره کوهی ~~است که آنرا گرنار گویند که جینیان مقیم هند~~
~~عبادتگاهی در بالای آن کوه برای خود ساخته اند~~ ترویندرم در محوطه تراونکور است
و دار الریاسه مهاراجه آنجاست و قصبه کوئیلن افواج همان مملکت در آنجا مقیمند
الپی بندرگاه خوبی دارد شهر ارنکولم دار الریاسه محوطه کوچین است بهرت پور

همچنین در طرف غربی اگره واقع شده است شهر بسیار بزرگی و قلعهٔ محکمی دارد
که مخصوص اوقات جنگ بنا شده است و بفاصلهٔ یک میل از شهر بهرت پور
قصبه ایست که آنرا دیگ مینامند که دار الریاسه مهاراجه بهرت پور است
در سمت جنوبی الور قصبهٔ ماچیری است این قصبه جای بسیار بزرگی است
ریاست الور در قصبه که آنرا لزواری گویند در سنهٔ ۱۸۰۳ عیسوی لرد لیک با
مرتبه جنگ عظیمی نموده و ایشانرا شکست داد و جیپور شهر بسیار خوبی است
بواسطهٔ بسیاری معموری و آبادی آنشهر از جملهٔ شهرهای معتبرهٔ هندوستان
شمرده میشود و در تمام مملکت راجپوتانه ریاستی باین آبادی و دولت ندارد
نایته دواره در قرب شهر اودی پور واقع است معبد بزرگی لهوت پرستان
در آنجاست شهر چیتور در قدیم الایام این شهر دار السلطنه مهاراجه اودی پور
بوده است بفاصلهٔ دوازده میل از شهر اودی پور یک قلعهٔ بسیار بزرگی در
بالای کوه کوچکی ساخته شده است که اکنون ویرانه است در وسط آن
قلعه یک مناری است از سنگ مرمر که تقریبا چهل ذرع طول آن مناره است
واین مناره از بناهای راجه بهیم است هنگامیکه ملک مالوه و گجرات را

فتح کرده است این مناره را بطور یادگار بنا نموده تا اکنون که چندین
سال گذشته است بحال خود باقی است آبو این شهر را ابدگر نیز مینامند
در بالای کوه متصل باین شهر بتخانهٔ بسیار خوش ترکیبی از جینیان مقیم هندوستان
دیده میشود که تمام آنرا از سنگ مرمر ساخته اند و وکیل فرمانفرمای هندوستان
که مامور بحفاظت راجپوتانه است در همین شهر آبو اقامت دارد شهر
جودپور این شهر را هم از جملهٔ شهرهای خوب راجپوتانه شمرده اند قصبه کتو معدن
سنگ مرمر در اینجاست شهر گوالیار دار الریاسه مهاراجه ملک سیندیا
در همین شهر است و در پای کوهی آباد شده است شهر بزرگی است تقریبا
پنجاه هزار نفر جمعیت دارد و در قرب شهر گوالیار قصبه ایست موسوم به مرار
یکی از معسکرهای انگلیس در اینجاست اوجین در قدیم الایام این شهر پای تخت
راجه بکرماجیت بوده است در کنار رودخانه که موسوم به سپراندی است
واقع شده شهریست بسیار عظیم لیکن چندان آبادی ندارد تا مسافت بعیدی
از اطراف آنشهر را حفر مینمایند آثار و علامات قدیم را نشان میدهد چندیری
این شهر هم از شهرهای قدیم هندوستان است در ایام سلطنت اکبر شاه

هزار و دویست مسجد در این شهر بوده است و سیصد و هفتاد سرای برای
مسکن غربا و مسافرین ساخته شده است و سیصد و هشتاد و چهار بازار بسیار
خوب در این شهر آباد بوده است شهر اندور شهر کوچکی است وکیل فرمانفرمای
مامور در ممالک مرکزی در این شهر اقامت دارد ماندو این شهر در ایام اکبر شاه
جای با رونقی بوده اکنون ویرانه افتاده است پنا بواسطه معدن الماس
که در آنجا دارد مشهور گردیده است حیدرآباد دکن دارالریاسه نواب نظام الملک
فرمانروای مملکت دکن است و شهریست بسیار بزرگ و وسیع و اطراف
آن شهر را حصار محکمی از گچ و آجر فرا گرفته است و تقریباً دویست هزار نفوس جمعیت
دارد در قرب شهر حیدرآباد بفاصله چند میل سکندرآباد و بلارم است در
سکندرآباد افواج انگلیسی متوقف اند و در بلارم سپاه نظامی دکن مقیمند گلکنده
در قرب حیدرآباد بفاصله شش میل واقع است قلعه بسیار محکمی دارد در ازمنه
سالفه برای پاش الماس و بیع و شرای آن بسیار مشهور بود در طرف
شمالی و شرقی اورنگ آباد قصبه اسائی است در قرب این قصبه جنرال
ولزلی که یکی از سرداران انگلیس بود با چهار هزار نفر سپاه پنجاه هزار نفر از طایفه

برنشه

برنشه را شکست داد میسور دارالریاسه مهاراجه ملک میسور در همین شهر است
شهر بنگلور از تمام شهرهای ملک میسور بزرگتر و خوش آب و هواتر است باغ
مشهور و معروفی دارد و معسکری از انگلیسها نیز در اینجا هست و مامور مخصوص انگلیس که
برای تنظیمات ملک میسور است در شهر بنگلور مقیم است .

بیان در ممالکی است که دولت انگلیس بهیچوجه مداخله در آنها ندارد

اول ملک نیپال این مملکت در کوه هیمالیا واقع شده است از سمت
غربی برودخانه کالی ندی و محوطه کماون متصل میشود و از طرف [illegible] شرقی
بواسطه رودخانه موسوم به کنکی ندی از محوطه سکم جدا میشود و بسلسله کوه
هیمالیا بملک تبت اتصال می یابد و حد جنوبی آن با [illegible] مملکت
اوده و بنگاله ... سطح تمام محوطه این مملکت تخمیناً پنجاه و چهار هزار میل
مربع است و تعداد نفوس این مملکت بیست لک که بحساب ایران چهار
کرور میشود و از شهرهای آنجا یکی شهر کاتمندو است که دارالریاسه مهاراجه
نیپال در آنجاست بتخانه های چوبی در آن شهر بسیار است و از جمله شهرهای

مشهوره در آنمملک یکی شهر للتاپتن و دیگر گورکا است دوم ملک

بوتان اینملک در دامنه کوه هیمالیا واقع شده است از سمت شمالی بکوه هیمالیا

متصل میشود و از طرف شرقی بجد و چین ملحق میشود و از جانب جنوبی

بمملکت آسام منتهی میشود و از طرف غربی بمحوطه سکم میرسد سطح تمام محوطه

اینمملکت نوزده میل مربع است و یکصد و پنجاه هزار نفر رعیت دارد و فرمانروای

آنجارا دهرم راجه مینامند و حالی که از طرف او بانتظام آنمملکت مشغول است آنرا

دیوراجه میگویند و هر سال یکمرتبه آن حاکم را معزول نموده و دیگری را بجایش

منصوب مینمایند و شهر مشهور در آنمحوطه شهری است موسوم به تاشی سودن که دار الریاسه

مهاراجه ملک بوتان در آنجاست

بیان در شهرهائیکه در هندوستان در تصرف دولت فرانسه و پرتغال است

باید دانست که در مملکت هندوستان علاوه ممالک متصرفه دولت انگلیس و متصرفات حکام بومی آن مملکت ...

اما شهرهائی که در تصرف دولت فرانسه است از اینقرار است یکی شهر پاندیچری

(پاندیچری) (چندرناگور)

که پتوچری نیز مینامند و دیگر کاریکال و یانام و ماهی و چندرنگر است

سوای شهر چندرنگر که در مملکت بنگاله واقع است مابقی شهرهای مذکوره در محوطه

مدارس

مدرس واقع شده و شرح آن از اینقرار است پاندیچری در طرف ارکات جنوبی

واقع است و کاریکال در محوطه تنجور و یانام در محوطه (ناحیه) گوداوری و ماهی در محوطه

ملیبار واقع است تمام سطح محوطه شهرهای متصرفه دولت فرانسه بهمه جهة

دویست میل مربع است و سیصد و چهل و شش هزار نفر رعیت دارد و دار الحکومه

بلاد مذکوره در شهر پاندیچری میباشد و مواضعی که در تصرف دولت پرتغال

میباشد یکی شهر گوا و دیگری دمن و دیو است و این سه شهر تماماً در تمام محوطه

متعلقه به بمبی واقع شده است باین تفصیل - شهر گوا مابین محوطه رتنا

گری و طرف شمالی محوطه کنارا واقع است شهر دمن مابین شهر سورت

و محوطه تانه واقع است و شهر دیو در سمت جنوبی ملک کاتیاوار واقع

شده تمام سطح محوطه این بلاد مع مضافاتش بهمه جهة یکهزار و شصت و شش

میل مربع است و سیصد هزار نفر رعیت دارد و دار الحکومه دولت پرتغال

در شهر گوا است

بیان در احوال جزیرهٔ سراندیب

این جزیره که اهالی هندوستان آنرا سنگلدیپ و لنکا نیز مینامند

اگرچه بملاحظهٔ معاملات مملکتی متعلق بهندوستان نیست لیکن در عالم
جغرافیائی این جزیره را نیز جزو هندوستان میشمارند این جزیره در طرف
جنوبی دریای هند واقع شده است طول این جزیره دویست و هفتاد
میل است و عرض آن یکصد و چهل میل تمام سطح محوطه آن بهمه جهة بیست
و چهار هزار و چهارصد و پنجاه و چهار میل مربع است و بیست و یک لک و
بیست و نه هزار نفر جمعیت دارد که بحساب ایران چهار کرور و یکصد و بیست و
نه هزار نفر میشود و مالیات این جزیره مطابق کتابچهٔ سنهٔ ۱۸۷۲ عیسوی سیزده لک
و پنجاه و چهار هزار روپیه است که تقریباً سیصد و سی و هشت هزار و پانصد تومان
میشود وسط این جزیره مسطح است و لیکن آنچه بدریا نزدیک میشود نشیب هم
میرساند کوههای مشهوره در آن جزیره یکی کوه پدرو تلا گلا و یکی کرگل پوتا و
دیگری توتا پیلا است رودخانه های چند درین جزیره جاری است مشهورترین
آنها یکی مهاولی گنگا و یکی کلانی گنگا و کالو گنگا و ولوی گنگا است آب و
هوای جزیره سراندیب با وجودیکه محاذی خط استوا است بسیار با اعتدال است
آب و هوای اطراف شمالی و شرقی این جزیره با آب و هوای کرناتک شباهت دارد

واطراف

واطراف جنوبی و غربی آن با آب و هوای ملیبار شباهت است هوای وسط
آن جزیره بالنسبه بکنارهای دریا سردتر است حاصل مشهور این جزیره دارچینی
و برنج و نارگیل و قهوه و فوفل است و از اقسام جواهرات معادن بسیاری
دارد مانند عقیق و لعل و سنگ یشم و در خلیج منار که جزو همان جزیره است
مروارید هم بدست میآید و از حیوانات بری فیل بسیار است اهالی آنجا را
سنگالی مینامند و مذهب ایشان بودائی است و جزیره سراندیب در
تحت حکومت حاکم مخصوصی است و این جزیره بهفت قسمت منقسم نموده اند
شهرهای مشهوره این جزیره یکی شهر کلمبو و نگمبو و کلتورا و گال و ماترا
و بتی کلوا و ترنکامالی و جافنا و کرنی کیلا و کاندی و اترادپورا است
شهر کلمبو دار الحکومهٔ جزیره سراندیب است تقریباً یکصد هزار نفر جمعیت دارد
قهوه و دارچینی و نارجیل بسیاری از آنشهر حمل جهازات کرده و بخارجه میبرند-
گال بندرگاه معتبری است جهازاتی که بهندوستان و استرالی میروند
در آن بندرگاه لنگر می افکنند بتی کلوا در محوطهٔ متعلقه بآنشهر درختهای نارجیل
وفور دارد ترنکامالی هم شهر نیز در کنار دریا واقع است و لنگرگاه بسیار خوبی

دارد جا فنا در محوطهٔ انجا نمک مصنوعی درست میکنند و از انجا به کلکته و
مدرس حمل میشود اوتر دنپور در قدیم الایام دار الریاسهٔ راجه های سراندیب
بوده است

فهرست اسامی شهرهای معظمهٔ هندوستان که در کنار دریا واقع شده و محل لنگرگاه جهازات آتشی وغیره است

کراچی - ماندوی - پوربندر - گوگو - کمبایت - بهروچ - سورت
بمبئ - رتناگری - ونگورلا - گوا - کراور - کمتا - هناور - منگلور کناور
تلی چری - کالیکوت - بیپور - کوچین - الپی - کولمن - کولاچل
توتی کورن - نگاپتن - ترنکبار - کدالور - پاندیچری - مدرس -
مچلی پتن - کورنگا - کوکیندا - وزیگاپتن - بملی پتن - گوپالپور - پوری
بالاسور - کلکته - چاتگانو - اکیاب رنگون - مولمین - تیوائی - دمرکوئی

فهرست شهر و بتخانه های معظمه که در هندوستان پرستشگاه بت پرستانست که مخصوصا در ایام سال برای زیارت بدانجا میروند

شهر

شهر کانگره - بتخانه بدری ناته - و کیدارناته - و تیپت ناته - شهر هردوار
و سطح گرگ شیتر تیکر - که در قرب شهر اجمیر واقع است شهر متهرا - و نیم سار
و نبور - و پریاگ یا علم آباد - بنارس - چترکوت - اجودهیا - گیا - جگناتهه
بتخانه گنگا ساگر - شهر ناسک - و دوارکا - و رامیشر میباشد -

فهرست اسامی مواضعیکه انگلیسها برای تبدیل آب و هوا بدانجا میروند

شلنگ - دارجیلنگ - هزاری باغ - نینی تال - منصوری - لندوره
شمله - کوسری - آبو - مهابلیشر - اتکمند -

فهرست شهرهائیکه کارخانجات چلواری بافی وغیره دارد

مدرس - بمبئ - بهروچ - احمدآباد - اندور - ناگپور - کانپور - کلکته

فهرست قلاع مشهورهٔ معظمه در بلاد هند

قلعهٔ مدرس - و بمبئ - و کلکته - و چنار - اله آباد - آگره - دهلی -
لاهور - ملتان - اتک - گوالیار - بهرت پور - و چتور میباشد

فهرست ممالکی که در ایام اکبرشاه در تصرف او بود

لاهور - ملتان - اجمیر - اگره - دهلی - اوده - اله آباد - بهار
بنگاله - اوریسه - مالوه - گجرات - سند - برار - خاندیس - بیجاپور
اورنگ آباد - حیدرآباد دکن - و ممالک شمالی

فهرست شهرهائیکه در مملکت هندوستان زیاده از بیست و پنج هزار نفر جمعیت دارد

اول شهر کلکته که در کنار رودخانه هوگلی واقع است و مرکز راه آهن است
اینشهر ششصد و هشتاد و هشت هزار نفر جمعیت دارد بمبئی شبه جزیره است
و مرکز راه آهن است ششصد و چهل و چهار هزار نفر جمعیت دارد مدرس در کنار
دریا واقع است و مرکز راه آهن است سیصد و نود و هشت هزار نفر جمعیت دارد
لکهنو در کنار رودخانه گومتی واقع شده و مرکز راه آهن است و دویست و
هشتاد و سه هزار نفر جمعیت دارد حیدرآباد دکن در کنار رودخانه موسی واقعست
و دویست هزار نفر جمعیت دارد شهر بنارس در کنار رودخانه گنگا آباد گردیده
و مرکز راه آهن است و یکصد و هشتاد و پنج هزار نفر جمعیت دارد دهلی در کنار
رودخانه جمنا واقع شده و مرکز راه آهن است و یکصد و شصت و یکهزار نفر جمعیت دارد

اوجین

اوجین در کنار رودخانه چیرا واقع شده و مرکز راه آهن است و یکصد و پنجاه
هزار نفر جمعیت دارد شهر جودپور یکصد و پنجاه هزار نفر جمعیت دارد شهر
اگره در کنار رودخانه جمنا واقع شده و مرکز راه آهن است و یکصد و
چهل و نه هزار نفر جمعیت دارد شهر اله آباد در موضع اتصال رودخانه
گنگا به جمنا آباد گردیده و مرکز راه آهن است و یکصد و چهل و نه هزار نفر
جمعیت دارد شهر بنگلور مرکز راه آهن است و یکصد و چهل و سه هزار نفر
جمعیت دارد امرتسر مرکز راه آهن است و یکصد و چهل و دو هزار نفر جمعیت
دارد شهر برووه مرکز راه آهن است و یکصد و چهل هزار نفر جمعیت دارد شهر
لاهور در قرب رودخانه راوی واقع شده و مرکز راه آهن است و یکصد و
بیست و هشت هزار نفر جمعیت دارد کانپور در کنار رودخانه گنگا واقع شده
و مرکز راه آهن است و یکصد و بیست و سه هزار نفر جمعیت دارد احمدآباد
گجرات در کنار رودخانه سابرمتی واقع شده و مرکز راه آهن است
و یکصد و هفده هزار نفر جمعیت دارد شهر سورت در کنار رودخانه تاپتی
آباد گردیده و مرکز راه آهن است و یکصد و نه هزار نفر جمعیت دارد

پتنه اینشهر در کنار رودخانه
گنگا آباد گردیده و مرکز
راه آهن است و یکصد و
پنجاه و هشت هزار نفر
جمعیت دارد
ع

شهر جبلپور مرکز راه آهن است و یکصد هزار نفر جمعیت دارد بهرتپور مرکز راه
آهن است و یکصد هزار نفر جمعیت دارد شهر بریلی درکنار رودخانه رام
گنگا آباد شده و مرکز راه آهن است و نود و یکهزار نفر جمعیت دارد شهر [2]
پونه درقرب رودخانه موتا است و مرکز راه آهن است و نود هزار نفر
جمعیت دارد شهر ناگپور درکنار رودخانه ناگ واقع شده و مرکز راه آهن
و هشتاد و چهار هزار نفر جمعیت دارد میرته درکنار رودخانه کالی ندی آباد
گردیده و مرکز راه آهن است و هشتاد و یکهزار نفر جمعیت دارد ترچناپلی
درکنار رودخانه کاویری واقع شده و هفتاد و هفتهزار نفر جمعیت دارد
شاهجهانپور درکنار رودخانه گرا واقع شده و مرکز راه آهن است
و هفتاد و سه هزار نفر جمعیت دارد بهاگلپور درکنار رودخانه گنگا آباد
گردیده و هفتاد هزار نفر جمعیت دارد شهر داکه درکنار رودخانه بورها
گنگا واقع شده و شصت و نه هزار نفر جمعیت دارد رامپور درکنار
رودخانه کوسلا آباد شده است و شصت و هشتهزار نفر جمعیت دارد
میرزاپور درکنار رودخانه گنگا میباشد و مرکز راه آهن است و شصت و

[2] رنگون درکنار رودخانه ایراوتی آباد شده و نود و یکهزار نفر جمعیت دارد

هفتهزار

هفتهزار نفر جمعیت دارد گیا درقرب رودخانه پهلگو واقع شده
و مرکز راه آهن است و شصت و هفتهزار نفر جمعیت دارد فرخ آباد در
کنار رودخانه گنگا واقع است و شصت و پنجهزار نفر جمعیت دارد شهر
مرادآباد درکنار رودخانه رام گنگا واقع شده و مرکز راه آهن است
و شصت و سه هزار نفر جمعیت دارد شهر مونگیر درکنار رودخانه گنگا آباد
گردیده و مرکز راه آهن است و شصت هزار نفر جمعیت دارد اورنگ آباد
درکنار رودخانه دودهنه واقع است و شصت هزار نفر جمعیت دارد
شهر پیشاور پنجاه و هشت هزار نفر جمعیت دارد میسور پنجاه و هشتهزار
نفر جمعیت دارد علیگر مرکز راه آهن است پنجاه و هفتهزار نفر جمعیت
دارد کراچی درکنار دریا آباد شده و مرکز راه آهن است و پنجاه
و هفتهزار نفر جمعیت دارد شهر جبلپور مرکز راه آهن است و پنجاه و
پنجهزار نفر جمعیت شهر متهرا درکنار رودخانه جمنا آباد گردیده و مرکز
راه آهن است و پنجاه و چهار هزار نفر جمعیت دارد مولمین درکنار رودخانه
ایراوتی آباد گردیده و پنجاه و چهار هزار نفر جمعیت دارد شولاپور مرکز راه

آهن است پنجاه و سه هزار نفر جمعیت دارد تنجور در کنار رود خانهٔ
کاویری و مرکز راه آهن است و پنجاه و دو هزار نفر جمعیت دارد حیدرآباد سند
در کنار رود خانه سند واقع شده و پنجاه و دو هزار نفر جمعیت دارد
شهر مدیورا در کنار رود خانه ویگی واقع شده و مرکز راه آهن است
و پنجاه و دو هزار نفر جمعیت دارد شهر بلاری در کنار هگری واقع شده
و مرکز راه آهن است و پنجاه و دو هزار نفر جمعیت دارد شهر ملتان در قرب
رود خانه چناب واقع شده و مرکز راه آهن است و پنجاه و یکهزار نفر جمعیت
دارد شهر جالندهر مرکز راه آهن است و پنجاه و یکهزار نفر جمعیت دارد شهر
گورکهپور در کنار رود خانه راپتی آباد گردیده و پنجاه و یکهزار نفر جمعیت دارد
شهر گنگ در کنار رود خانه مهاندی آباد گردیده و پنجاه و یکهزار نفر
جمعیت دارد شهر کشمیر در قرب رود خانه جهلم آباد گردیده و پنجاه هزار
نفر جمعیت دارد شهر گوالیار در کنار رود خانه سوبن ریکا واقع شده
و پنجاه هزار نفر جمعیت دارد شهر سیلم در کنار رود خانه ترومنی واقع
شده و مرکز راه آهن است و پنجاه هزار نفر جمعیت دارد شهر کانتی در کنار

رود خا

رود خانه گنگا واقع شده و چهل و نه هزار نفر جمعیت دارد بنگاپتن
اینشهر در کنار دریا واقع شده و چهل و هشت هزار نفر جمعیت دارد دربنگه
اینشهر مرکز راه آهن است و چهل و هفت هزار نفر جمعیت دارد شهر ایلچ پور در
کنار رود خانه پورنه واقع است و چهل و هفت هزار نفر جمعیت دارد .
کالی کوت در کنار دریا آباد گردیده اینجا هم چهل و هفت هزار نفر جمعیت دارد
چپرا در کنار رود خانه گنگا آباد گردیده و چهل و شش هزار نفر جمعیت دارد
ساگر اینشهر در کنار مردابی آباد گردیده و چهل و شش هزار نفر جمعیت دارد
کومبی کونم اینشهر مرکز راه آهن است و چهل و چهار هزار نفر جمعیت دارد
سهارنپور در کنار نهر جمن آباد گردیده و مرکز راه آهن است و چهل و یکهزار
نفر جمعیت دارد سکندرآباد اینشهر نیز مرکز راه آهن است و چهلهزار نفر
جمعیت دارد گدالور متصل بدریا واقع شده و چهلهزار نفر جمعیت
دارد غازی پور در کنار رود خانه گنگا آباد گردیده و مرکز راه آهن است
و سی و نه هزار نفر جمعیت دارد شهر آره مرکز راه آهن است اینشهر هم
سی و نه هزار نفر جمعیت دارد شهر مظفرپور اینجا هم مرکز راه آهن است

جانسی نیز چهلهزار نفر جمعیت دارد

وسی وهشت هزار نفر جمعیت دارد شکارپور اینشهر سی وهشت هزار نفر جمعیت دارد
کولاپور اینشهر نیز سی وهشت هزار نفر جمعیت دارد [۲] لودیانه اینشهر مرکز راه آهن است
وسی وهفت هزار نفر جمعیت دارد فیض آباد اینشهر درکنار رودخانه گاگرا آباد گردیده
ومرکز راه آهن است انجا هم سی وهفت هزار نفر جمعیت دارد شهر بهروچ درکنار
رودخانه نربدا واقع شده ومرکز راه آهن است اینشهر نیز سی وهفت هزار نفر جمعیت
دارد مچلی بندر اینشهر درقرب دریا واقع شده وسی وشش هزار نفر جمعیت دارد
چندرنگر (شاهجهانپور) درکنار رودخانه هوگلی آباد گردیده ومرکز راه آهن است وسی و
شش هزار نفر جمعیت دارد شهر امروهه سی وپنج هزار نفر جمعیت دارد شهر
کویم تور درقرب رودخانه نویل آباد گردیده وسی وپنج هزار نفر جمعیت دارد
سنبهل اینشهر سی وچهار هزار نفر جمعیت دارد شهر کمبایت درقرب رودخانه
ماهی واقع است وسی وچهار هزار نفر جمعیت دارد شهر سیالکوت وشهر
بدایون وشهر بهوانی این هرسه هریک سی وسه هزار نفر جمعیت دارد
شهر احمدنگر درکنار رودخانه سینا آباد گردیده ومرکز راه آهن است
وسی وسه هزار نفر جمعیت دارد بردوان اینشهر درکنار رودخانه دمودا

[۲] هوبلی یکصد وهشت هزار نفر جمعیت دارد

واقع

واقع شده ومرکز راه آهن است وسی ودو هزار نفر جمعیت دارد وزیگاپتن
اینشهر متصل دریا واقع است وسی ودو هزار نفر جمعیت دارد ماترس اینشهر
نیز مرکز راه آهن است وسی ویکهزار نفر جمعیت دارد مدناپور درکنار رودخانه
کاسی واقع شده وسی ویکهزار نفر جمعیت دارد شهر پیلی بهیت درکنار
رودخانه دیوها واقع است وسی هزار نفر جمعیت دارد اتاوه اینشهر درکنار
رودخانه جمنا واقع شده ومرکز راه آهن است وسی هزار نفر جمعیت دارد
نیلور درکنار رودخانه پنار است وسی هزار نفر جمعیت دارد منگلور در
کنار دریا واقع شده وسی هزار نفر جمعیت دارد برهانپور درکنار رودخانه
نربدا آباد گردیده ومرکز راه آهن است اینشهر بیست ونه هزار نفر جمعیت
دارد بهرامپور درکنار رودخانه بهاگیرتی آباد گردیده وبیست وهشت هزار نفر جمعیت
دارد کشنگوه اینشهر متصل برودخانه جانگی آباد گردیده وبیست وهشت هزار نفر
جمعیت دارد شهر باندا درکنار رودخانه کین واقع شده وبیست وهشت هزار
نفر جمعیت دارد خورجه مرکز راه آهن است انجا هم بیست وهشت هزار نفر جمعیت
دارد شهر تباله وبیلگانو این دو شهر نیز هریک بیست وهشت هزار نفر جمعیت دارد

جنگهر

شهر انباله مرکز راه آهن است و بیست و شش هزار نفر جمعیت دارد امرادتی

این شهر نیز بیست و شش هزار نفر جمعیت دارد شهر کرنول در کنار رودخانه

تنگهبدرا آباد گردیده و بیست و شش هزار نفر جمعیت دارد شهر بروم در کنار

رودخانه امراوتی واقع شده اینجا هم بیست و شش هزار نفر جمعیت دارد

شهر کرنال و پانی پت و ریواری و شهر ستارا این چهار شهر نیز هر کدام

بیست و پنج هزار نفر جمعیت دارد

96

